

نبرد زن

نشریه

دسته هشت مارچ زنان افغانستان

۲۰ حوت ۱۳۹۵ (20 MARCH 2017)

شماره (۳۰)

دور اول

گاهنامه زنان

"خشم زنان را به مثابه نیروی قدرتمندی در راه انقلاب رها کنیم!"

یکی از بهانه‌های فریب کارانه امپریالیست‌های امریکائی و انگلیسی برای تجاوز به افغانستان و اشغال این کشور، از بین بردن شوونیزم غلیظ مردسالارانه امارت اسلامی طالبان و تامین حقوق زنان بود... علاوه‌ا ادعای مذکور به خاطری یک بهانه فریب کارانه بود که آنها به جای امارت اسلامی طالبان، رژیم دست نشانده‌ای را روی کار آوردند که نیروها و شخصیت‌های مردسالار شوونیست، بخش اعظم ترکیب آنرا تشکیل داده اند. بینش این نیروها و شخصیت‌های ارتجاعی و اساس سیاست‌های شان، صرف نظر از تفاوت‌های جزئی، در واقع همان بینش و سیاست‌های طالبان است. به همین جهت با اشغال افغانستان توسط امپریالیست‌های امریکائی و متحدین شان و روی کار آمدن رژیم دست نشانده آنها، مسئله زنان به مثابه گروگانی در دست اشغالگران و رژیم پوشالی برای توجیه اشغال کشور و خیانت ملی مورد استفاده قرار گرفت. بدون اینکه کدام تفاوت اساسی در وضعیت توده‌های وسیع زنان بوجود آمده باشد.

البته هویداست که یک قشر کوچک زنان خیانت پیشه، توسط اشغالگران و رژیم پوشالی پرورانده شده و بصورت نمایشی به روی صحنه آورده شده است تا زن ستیزی بنیادگرایان حاکم در رژیم دست نشانده را بیوشاند و سندی گردد برای ثبوت ادعاهای فریبکارانه تامین حقوق زنان. افراد شامل در این قشر کوچک پرورانده شده توسط اشغالگران و رژیم دست نشانده، نه تنها به وزارت و وکالت رسانده شده اند، بلکه به مثابه سرمایه داران دلال تازه به دوران رسیده به بازار راه یافتند.

اما در مقابل این قشر کوچک دست پرورده، توده‌های وسیع زنان قرار دارند که وضع شان با دوره امارت اسلامی طالبان کدام فرق اساسی نکرده است... جنبش زنان یک جنبش مبارزاتی حق طلبانه و عادلانه ضد شوونیستی و ضد ستم است و نباید اجازه داد به مثابه گروگانی توسط اشغالگران و خائنین ملی مورد سوء استفاده قرار گیرند...

اکیدا باید خاطر نشان سازیم که این جنبش مبارزاتی ولو اینکه نهایتاً در تابعیت از وظیفه مبارزاتی عمده یعنی مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران و خائنین ملی، پیش برده شود، اما در هر حال یکی از مبارزات مهم در سطح کل جامعه بوده و هرگز نباید به فراموشی سپرده شود و هرگز نباید به عنوان یک وظیفه مبارزاتی حاشیه‌یی در نظر گرفته شود.

بیانیه "دسته هشت مارچ زنان افغانستان"

صفحه

مقالات مندرج این شماره:

گزارشات مختصری از تدویر محافل هشتم مارچ روز جهانی زن در نقاط مختلف کشور

۲

گزارش محفل اول

۶

گزارش محفل دوم

۱۱

گزارش محفل سوم

محفل اول:

۱۲

پارچه آهنگ غزل

۱۳

افتتاحیه

۱۵

تاریخچه دسته هشت مارچ زنان

۱۶

دبسخو آزادی او طبقاتی ټولنه

۱۷

به نام نامی مردم (دکلمه)

۲۰

محلی پولیس او دبسخی پروراندی تاوتریخوالی

۲۱

در وصف مادر

۲۳

پیکار ما (دکلمه)

۲۴

ضرورت ایجاد جنبش زنان در افغانستان

۲۷

دروود بر هشت مارچ (پارچه سرود اجراء شده توسط گروه ترانه دختران)

۲۹

در وصف زن (متن سخنرانی یک تن از آقایان)

۳۲

قطعه‌نامه

گزارش مختصری از

تدویر محافل هشتم مارچ روز جهانی زن در نقاط مختلف کشور

"دسته هشت مارچ زنان افغانستان" از هشتم مارچ روز جهانی زن، با برگزاری محافل مختلف در نقاط مختلف کشور، تجلیل به عمل آورد. ذیلا گزارشات این محافل تقدیم میگردد:

گزارش اول:

گزارشی از محفل تجلیل روز هشت مارچ در ولایت ...



روز چهارشنبه ۱۸ حوت (۸ مارچ) به توزیع کارت دعوت شروع نمودیم و انتظار داشتیم که حداقل به تعداد ۸۵ دانه کارت دعوتی که توزیع شده است اشتراک کنندگانی را درین محفل با خود داشته باشیم. اما برخلاف تصورات ما، تعداد اشتراک کنندگان از مقدار توزیع کارت دعوت کمتر به چشم میخورد.

به هر حال:

جمعه ۲۰ حوت ۱۳۹۵ خورشیدی مطابق به ۱۰ مارچ ۲۰۱۷ میلادی باز هم "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" در یکی از تالارهای ولایت ... این روز را تجلیل نمود. محفل به ساعت ۳:۰۰ بعد از ظهر شروع و تا ساعت ۴:۴۵ عصر دوام نمود. درین محفل حدودا ۵۰ نفر شرکت نموده بودند.

تجلیل یکصد و ششمین سالگرد روز جهانی زن درین ولایت، با اجراء یک پارچه آهنگ غزل توسط یکی از دختران جوان که خودش هارمونیه می‌نواخت آغاز گردید. فضای سکوت بر صحن تالار حاکم گردید و پارچه آهنگ غزل با کف زدن های پی در پی توسط حاضرین در تالار بدرقه شد.

سپس متن افتتاحیه محفل تجلیلیه هشتم مارچ توسط یک تن از خانم‌های دست اندرکار محفل، به سمع حاضرین رسانده شد و پس از آن، انانسر مدیریت کل برنامه را به دست گرفت.



شرایط فعلی، تضاد خلق ستمدیده افغانستان علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی تعریف گردید و مبارزه زنان علیه شئونیزم مرد سالارانه در چنین شرایطی در تابعیت از تضاد عمده محوریت داده شد و از تمامی مردان خانواده‌ها خواسته شد که زنان را درین عرصه حمایت همه جانبه نمایند. انانسر برنامه چنین یادآوری نمود:

"ما درین روز انتظار داریم تا مردان خانواده‌هایمان با حمایت قاطع و همه جانبه دوشادوش ما گام بردارند، ما را حمایت کنند تا دست در دست هم و پا به پای هم بتوانیم بر تمام ظلم و ستم اجتماعی خط بطلان بکشیم."

سپس تاریخچه تشکیل "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" توسط خانم "سمیه" به سمع حاضرین رسانده شد و مقالات پشتو توسط دو تن از پشتو زبانان هر یک بانو "ملالی" و بانو "گلالی" به خوانش گرفته شد. ترکیب ملیتی درین محفل به نحو شایسته‌ای برجستگی داشت. ترکیب ملیت‌های هزاره، تاجیک و پشتون، که گرداندگی این محفل را برعهده داشتند، توسط حاضرین در تالار ستایش گردید.

ستیژ تالار توسط شعارهایی ذیل مزین گردیده بود:

- ما زنان نظاره‌گر جهان نیستیم، جهان باید به دست ما بچرخد.

ناگفته نماند که روز جهانی زن، درین ولایت از طرف "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" بخاطر گرمی داشت از قهرمانی‌ها، ایثار و فداکاری‌های زنان مبارزی که در سراسر دنیا قربانی دهشت و وحشت نظام غارتگر امپریالیستی و رژیم‌های ارتجاعی گردیده‌اند، تدویر یافت و عمل جنایت‌پیشه‌گان به صراحت تقبیح گردید، و برای بیرون رفت از بن بست‌های جامعه، دعوت فراگیری از تمامی زنان و مردان آزادیخواه به عمل آمد تا بر محور مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست، خائنین ملی دست‌نشانده و اشغالگران مرتجع داعشی، جمع شوند و با اتحاد و صفوف فشرده خود دژ نظام غارتگر امپریالیستی و خائنین ملی دست‌نشانده‌اش در افغانستان، را هدف آماج انقلاب قرار دهند، در شروع برنامه انانسر از تمامی زنان مبارز خواست که برای مبارزه علیه اشغالگران امپریالیست، رژیم دست‌نشانده، اشغالگران مرتجع داعشی و تمامی نیروهای عقب مانده قرون وسطایی به "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" پیوندند و چنین بیان داشت:

"من از پشت این تریبون از تمامی زنان و دختران حاضر در محفل می‌خواهم که برای رسیدن به اهداف والای زنان به "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" پیوندند."

فضای محفل کاملاً سرشار از روحیه ضد اشغالگران و رژیم دست‌نشانده بود، بناء تضاد عمده در



- روز جهانی زن بر تمام زنان جهان مبارکباد.

- خشم زنان را به مثابه نیروی قدرتمندی در راه انقلاب رها کنیم.



- هر روز را ۸ مارچ بسازیم و ۸ مارچ را در هر روز سال زنده کنیم.



همچنان، انتخابات پارلمانی و شوراهاى ولایتى سال ۱۳۹۶ خورشیدی، یک مضحکه سیاسى خوانده شد و از تمام مردم دعوت به عمل آمد تا انتخابات پارلمانی رژیم را قاطعانه تحریم نمایند.

همچنان در مورد اینکه اشغالگران امپریالیست با کدام طریقه زنان را تطمیع میکنند اشاره گردید و به شدت هوشدار داده شد که در هر شکل و شمایلش بخصوص "ان جی او" سازی، باید بطور جدی و قاطع مبارزه صورت بگیرد.

در وسط محفل گروه سرود، پارچه آهنگی را تحت عنوان " درود بر هشت مارچ " به سمع حاضران رساند که با تشویق های مکرر حاضرین همراه گردید.



شانه هم گام بردارند تا باشد ادعایی که در فکر و ضمیرشان نهادینه شده، جامه عمل بپوشد و باشد تا بصورت مشترک یا همه به پیروزی برسیم و یا هیچ کسی!"

نوبت به قطعنامه "دسته هشت مارچ زنان" رسید که توسط خانم "سمیه" به سمع حاضران رسانده شد و ازین قطعنامه به تعداد حاضرین در تالار تکثیر گردید.

محفل با شور و شعف فراوان در ساعت ۴:۴۵ عصر خاتمه یافت و شرکت کنندگان محفل از "دسته هشت مارچ زنان" که تدارک چنین محفلی را در شرایط بس حساس کنونی تدویر کرده است، اظهار قدردانی نمودند.

یک تعداد اعلام همکاری نمودند و یک تعداد این محفل را قوت قلبی برای خود و مبارزات زنان خواندند و صحن سالن را با خوشی ترک نمودند.

واحد "دسته هشت مارچ زنان"

در شهر ولایت

۲۰ حوت ۱۳۹۵ (۱۰ مارچ ۲۰۱۷)

پس از سخنرانی‌ها، اشعار دکلمه شده و اجراء سرود گروهی، نوبت به مردان رسید، یک تن آنان مقاله‌ای را که ارسالی یکی از دوستان دسته بود و متأسفانه خودش نتوانسته بود به محفل حاضر شود تحت عنوان " ضرورت ایجاد جنبش زنان در افغانستان " بخوانش گرفت و شخص دیگر روی تشریک مساعی زن و مرد بخاطر پیشبرد اهداف انقلاب دموکراتیک نوین افغانستان بر محور مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده و اشغالگران مرتجع داعشی تاکید به عمل آورد و چنین مطرح نمود:



" ما نه میتوانیم و نه حق این را داریم که زنان را که نیم پیکر جامعه به شمار میروند نادیده بگیریم، بلکه باید دوشادوش آنها با تشریک مساعی زن و مرد در کنار یکدیگر به کار و پیکار مبارزاتی بر محور مقاومت ملی مردمی و انقلابی تاکید بورزیم."

همچنان از تمامی مردانی که ادعای انقلابی بودن میکنند، صمیمانه تقاضا نمود که نقطه قوتی برای زنان و دختران خانواده هایشان باشند او افزود:

" جای دارد از تمامی مردان انقلابی و دموکرات که چنین ادعاهائی دارند صمیمانه تقاضا کنم که باید نقطه قوتی باشند برای زنان و دختران خانواده هایشان، زنان و دختران خانواده هایشان را درین راه بسیج نمایند و درین راه شانه به

گزارش دوم:

گزارشی از محفل تجلیل روز هشت مارچ در ولایت...



مزین گردیده بود، در داخل تالار سرودهای انقلابی بمناسبت روز جهانی زن پخش می گردید، که توجه شرکت کنندگان را بخوبی جلب می نمود و احساس تازه ای به ایشان می بخشید.

محفل توسط یکی از خانم ها افتتاح گردید. در افتتاحیه یاد آوری شده بود:



روز هشتم مارچ روز جهانی زن یک بار دیگر فرا رسید. این روز در حالی فرا می رسد که حزب اسلامی و امیر مفلوکش به اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده شان تسلیم گردیده است.

بتاریخ ۹ مارچ ۲۰۱۷ " این روز در یکی از سالون های ولایت... توسط " دسته هشت مارچ زنان افغانستان " تجلیل گردید. "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" عمل جنایتکارانه دولت امریکا را که زنان کارگر کارخانه های نساجی امریکا در جاده های شهر نیویارک را به خاک و خون کشید تقبیح نمود، و یاد و خاطره زنان قهرمان کارگر ایالت نیویارک را که بخاطر احقاق حقوق شان جان های خود را از دست دادند تقدیر نموده و یاد آوری نمودند که یاد و خاطره زنان کارگر و بقیه زنان مبارزی که در سراسر دنیا قربانی وحشت و دهشت شده اند جاویدانه باقی می ماند.

رژیم دست نشانده به دستور اربابش از این روز تجلیل بعمل می آورد، این تجلیل نه بخاطر به رسمیت شناختن حقوق مساوی زنان با مردان و نه بخاطر به رسمیت شناختن روز جهانی زن می باشد، بلکه رژیم دست نشانده می خواهد با این تجلیل فرمایشی با حيله و نیرنگ و با تقدیم تحایف و بورسیه های تحصیلی از یکسو یک قشر کوچک از زنان و دختران خریدار شده را به دور رژیم دست نشانده بگردم آورد و از طریق آن ها تبلیغات تسلیم طلبانه و وطنفروشانه به نفع اشغالگران و رژیم پوشالی را پیش ببرد، و از سوی دیگر طوری وانمود سازد که اشغالگران امپریالیست و در راس آن امپریالیزم امریکا حامی این روز است.

هشت مارچ، روز جهانی زن امسال در روز پنجشنبه ۱۹ حوت ۱۳۹۵ خورشیدی مطابق به ۹ مارچ ۲۰۱۷ میلادی توسط "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" در یکی از تالارهای شهر در ولایت... تجلیل گردید. در این محفل بیش از ۱۵۰ نفر شرکت نموده بودند، شرکت کنندگان در محفل شامل دختران تحصیل کرده و در حال تحصیل و زنان خانه دار و هم چنین مردان و جوانان بود، که دو چند آن را زنان تشکیل می داد. محفل به ساعت ۲:۴۵ بعد از ظهر شروع و تا ساعت ۵ عصر دوام نمود.

محفل شامل سخنرانی ها، اشعار، قطعنامه و چند پارچه سرود بود که توسط اعضا و هواداران دسته هشت مارچ زنان افغانستان و هم چنین جوانان اجرا گردید.

محفل عمدتاً روی همبستگی زنان و مبارزه و مقاومت همه جانبه علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده، بعنوان دشمن عمده کشور و مردمان کشور تاکید ورزید و از تمامی شرکت کنندگان محفل خواست تا در انتخابات نمایشی رژیم دست نشانده در سال آینده شرکت نکنند.

زمانیکه وارد تالار گردیدم در مقابل زینه ورودی تالار شعار "روز جهانی زن بر تمام زنان جهان مبارکباد" و به درب ورودی تالار این شعار "ما زنان نظاره گر جهان نیستیم، جهان باید به دست ما بچرخد" نصب گردیده بود که هر شرکت کننده برای خواندن این شعارها مکث کوتاهی داشت. دیوارهای سالون تالار با شعارهای انقلابی

به پدر و شوهر گردید و مهرتائید بر بردگی زن گذاشته شد. پایه بردگی زن علل اجتماعی و اقتصادی دارد. از زمان ایجاد طبقات زن به عنوان جنس درجه دوم قلمداد و قابل خرید و فروش گردید. یا به عبارت دیگر زن به عنوان کالا عرضه گردید.»

یک تن از دختران جوان شعر زیبایی را دکلمه نمود، به تعقیب آن گروه سرود با خواندن دو سرود انقلابی شور و هلهله ای در محفل ایجاد نمود.

بعداً یکی از مردان انقلابی پیرامون روز جهانی زن و ستمی که بر زنان اعمال می شود و هم چنین پیرامون فداکاری های شیر زن قهرمان (ملالی) صحبت نمود و شعر حماسه میوند را قرائت نمود که با تشویق حاضرین مواجه شد.



«برگزاری محافل گوناگون هشتم مارچ در سراسر جهان نشانه‌دهنده آن است که زنان می‌توانند دوشادوش مردان انقلابی برای ایجاد جامعه ای که در آن نشانی از ستم نباشد گام بردارند و مبارزات خود را به پیش برند. برگزاری چنین محفلی بیان گر آن است که حقوق زنان تحفه‌ آهدایی اشغال‌گران امپریالیست و رژیم‌های دست‌نشانده و ارتجاعی نبوده بلکه این حق با زور و خون از آن‌ها گرفته شده است.»

گرداننده محفل یک دختر جوان و پر شور انقلابی بود. وی بعد از خیر مقدم گویی به مهمانان سخنانش را چنین آغاز نمود:

«این روز در حالی فرا رسیده است که تمام این جنایات در حق زنان در زیر چتر اشغال‌گران و رژیم دست‌نشانده صورت می‌گیرد. دامنه این جنایات آنقدر وسیع و گسترده است که نمی‌توان آنرا در چند سطر و یا چند صفحه بیان نمود.»

با حضور اشغال‌گران امپریالیست نه تنها تغییرات مثبتی در زندگی زنان بوجود نیامده بلکه روز بروز دامنه خشونت، بریدن گوش، بینی و لب، قطع انگشتان دست و پا و هم‌چنین تجاوزات جنسی و قتل زنان وسیع‌تر و گسترده‌تر گردیده است.»

مجری برنامه راه حل و بیرون رفت از این معضل را چنین بیان نمود:

«در شرایط کنونی افغانستان، زنان مبارز فقط با درک این وضعیت و بالا بردن آگاهی سیاسی خویش می‌توانند دوشادوش مردان مبارز و انقلابی برای نابودی ستم امپریالیستی، ستم طبقاتی و ستم شوونیستی مردسالار مبارزات عادلانه خود را پیش برند و با بیرون راندن اشغال‌گران از کشور، سرنگونی رژیم دست‌نشانده و ایجاد جامعه نوین به سوی جامعه‌ عاری از هر نوع ستم حرکت نمایند.»

گرداننده محفل از تمام زنان مبارز و انقلابی خواست که برای مقاومت همه جانبه علیه اشغال‌گران امپریالیست، رژیم دست‌نشانده، اشغال‌گران داعشی و نیروهای عقب مانده قرون وسطایی طالبی به "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" پیوسته و دوشادوش مردان انقلابی مبارزات شان را تا بیرون راندن اشغال‌گران و سرنگونی رژیم دست‌نشانده به پیش برند.

یکی از زنان جوان مقاله ای را قرائت نمود، او در مقاله اش خاطر نشان ساخته بود که بعد از دوره مادر سالاری ستم بر زن آغاز گردید. او وضعیت زنان را از زمان تقسیم جامعه به طبقات چنین توضیح داد:

«از زمان تقسیم جامعه به طبقات تا الحال زن همیشه چون کالائی مورد معامله قرار گرفته است. از آن پس، زن اسیر اقتصادی و بنده شهوت مرد و افزار ساده‌ توالد و تناسل گردید و مرد در خانه فرمانروای مطلق شد.»

اولین بیدادگری طبقات با ستم مرد بر زن شروع گردید. از زمانی که مالکیت خصوصی بر وسایل تولید به وجود آمد، زن وابسته

مساوی بودند. از زمانیکه جامعه به طبقات تقسیم گردید، ستم بر زن تحمیل گردید. پس ستم بر زن منشاء طبقاتی دارد. او بیان نمود که در متن مبارزه برای از بین بردن نظام اجتماعی طبقاتی میتوان به ستم جنسیتی خاتمه داد. او راه اساسی مبارزه علیه ستم جنسیتی را چنین بیان نمود:

«بنابراین راه اساسی مبارزه علیه ستم بر زنان، مبارزه برای انقلاب اجتماعی بخاطر پایان دادن به استثمار طبقاتی و سایر اشکال ظلم و ستم انسان‌ها علیه هم‌دیگر است.»

این است دور نمای غایی مبارزاتی ما. اما برای متحقق شدن این دورنمای غایی مبارزاتی، ما باید مراحل مختلف مبارزاتی را مؤفّقانه پشت سر بگذاریم و به اهداف حداقل و حداکثر انقلابی خود دست بیابیم.

در شرایط کنونی افغانستان، دستیابی به اهداف حداقل انقلابی، مستلزم عبور مؤفّقانه از مرحله مبارزاتی مقاومت ملی مردمی و انقلابی علی‌اشغال‌گران امپریالیست، اشغال‌گران مرتجع داعشی و رژیم دست‌نشانده است. بدون پیش‌برد چنین مقاومتی سخن گفتن از پیشبرد مبارزه اساسی برای نابودی ستم بر زنان یک یاوه‌گویی محض است.»

گروه موسیقی با سرود یک پارچه آهنگ انقلابی با تشویق حاضرین تالار مواجه گردید. به تعقیب گروه موسیقی یک تن از جوانان انقلابی شعری را دکلمه نمود که با تشویق حاضرین مواجه شد.

یکی دیگر از دختران جوان و پر شور انقلابی رشته سخن را بدست گرفت. او بیان نمود که اشغال‌گران به بهانه‌های مختلف، از جمله "آزادی زن از قید اسارت طالبان" افغانستان را به اشغال خود در آوردند. او بعداً این موضوع را سوال گونه اینطور مطرح نمود:

«چرا می‌گوییم که شعار از بین بردن شوونیزم زن ستیزانه طالبان و تأمین حقوق زنان افغانستان فقط بهانه‌ای در توجیه تجاوز و اشغال‌گری امپریالیست‌ها بود؟ زیرا تا وقتی که منافع امپریالیست‌های امریکایی و انگلیسی ایجاب می‌نمود آن‌ها یک‌جا با وابستگان پاکستانی و عرب‌شان در ایجاد، تقویت و گسترش تحریک اسلامی طالبان سهم گرفتند و طالبان را به امارت رساندند. در آن زمان حکومت‌های امریکا و انگلیس، زن ستیزی و شوونیزم مردسالارانه غلیظ فیودالی طالبان را نادیده می‌گرفتند و سرنوشت زنان افغانستان اصلاً برای شان مطرح نبود. دقیقاً همان‌گونه که تمامی خصلت‌های ضد دموکراتیک و ضد حقوق بشری طالبان را نادیده می‌گرفتند. وقتی بوی نفت و گاز و بوی تأمین منافع استراتژیک شان در آسیای میانه از طریق طالبان به مشام شان می‌رسید، چیز دیگری برای شان اهمیت نداشت. بنابراین آن‌ها به صورت مستقیم و غیر مستقیم مسئولیت رنج‌ها و دردهای تحمیل شده بر زنان توسط زن ستیزی غلیظ طالبان را بر عهده داشتند.»

اما وقتی اوضاع فرق کرد و منافع شان را در رفتن امارت اسلامی طالبان دیدند، تمامی خصلت‌های ضد دموکراتیک، ضد حقوق بشری و ضد زن را علیه طالبان علم کردند، درست مثل این‌که خودشان درین مورد هیچ‌گونه مسئولیتی بر عهده نداشتند.»

او گفت امارت اسلامی طالبان و زن ستیزی غلیظ شان واقعاً فوق‌العاده شدید و خشن بود. گفت که در زمان امارت اسلامی طالبان تمام مکاتب و حمام‌ها به روی زنان بسته شد. زنان در بین بازار با شلاق‌های طالبان مواجه گردیدند. کارهای اجتماعی برای زنان ممنوع گردید.

مجری برنامه صحبت‌های مختصری نمود، او در صحبتش بیان نمود که اشغال‌گران امپریالیست بعد از اینکه افغانستان را اشغال نمودند و رژیم دست‌نشانده را شکلدهی کردند سخت تلاش نمودند و می‌نمایند تا با دادن امتیازاتی به قشر کوچک زنان تسلیم شده مبارزات و مسئله زنان را مورد سوء استفاده قرار دهند و طوری وانمود کنند که زنان افغانستان را از قید ستم آزاد نموده‌اند. مجری برنامه در صحبتش وظیفه و رسالت زنان مبارز را چنین بیان نمود:

«وظیفه و رسالت زنان مبارز است تا با توطئه‌های اشغال‌گران و رژیم دست‌نشانده به مبارزه برخیزند و آن را خنثی نمایند. از طریق مبارزات انقلابی است که زنان می‌توانند رابطه میان استقلال و آزادی کشور و مردمان کشور را با آزادی و حقوق زنان، برای زنان روشن سازند. بدون تأمین استقلال و آزادی ملی کشور و مردمان کشور، آزادی حقیقی برای توده‌های ستم‌دیده و بخصوص زنان نمی‌تواند به وجود آید. از سوی دیگر بدون تأمین آزادی و حقوق حقه زنان، استقلال و آزادی واقعی ملی نیز نمی‌تواند به دست آید. دلیل آن روشن است. وجه مهمی از ستم جنسیتی را ستم جنسیتی امپریالیستی تشکیل می‌دهد که در پیوند با ستم ملی امپریالیستی قرار دارد و در شرایط اشغال امپریالیستی نقش عمده بازی می‌نماید.»

از طرف دیگر ستم جنسیتی از استثمار طبقاتی ناشی می‌شود. لذا تا زمانی که در جامعه طبقات و استثمار وجود داشته باشد، تأمین حقوق مساوی میان مردان و زنان نیز ناممکن است. همان طوری که ستم جنسیتی با ستم امپریالیستی گره خورده است، امپریالیست‌ها که خود متشکل از استثمارگران جهان‌خوار هستند، حامی استثمارگران و طبقات ستم‌گر بومی می‌باشند.»

یکی از دختران جوان و پر شور انقلابی به سخنرانی پرداخت. او در متن سخنرانی اش خاطر نشان ساخت که ستم بر زن نه ازلی و ابدی است و نه هم یک امر طبیعی است. بلکه پایه و اساس این ستم مربوط طبقات و نحوه مناسبات تولیدی جامعه است.

«تحت ستم بودن زنان یک امر طبیعی نیست، بلکه یک امر اجتماعی-اقتصادی است. به عبارت دیگر تحت ستم بودن زنان دلیل بیولوژیکی و طبیعی ندارد، بلکه دلیل اجتماعی-اقتصادی دارد. به همین جهت ستم بر زنان غیر قابل اجتناب و دایمی نبوده است و بعد از این نیز غیر قابل اجتناب و دایمی نخواهد بود.»

رابطه میان تکامل مناسبات تولیدی جامعه در کل و تکامل مناسبات تولیدی نسل انسان یا مناسبات میان زن و مرد بطور خاص، مستقیماً رابطه میان کل و جزء است. تا زمانی که مناسبات تولیدی جامعه بطور کل مناسبات ستمگرانه نبود، مناسبات میان زن و مرد نیز مناسبات ستمگرانه و ظالمانه نبود. اما همین که مناسبات تولیدی به مناسبات ستمگرانه مبدل گردید، روابط میان زن و مرد نیز به مناسبات ستمگرانه و ظالمانه تبدیل شد. بنابراین ریشه ستم جنسیتی، مناسبات تولیدی ستمگرانه استوار بر سیستم طبقاتی می‌باشد. لذا راه اساسی نابودی ستم جنسیتی از میان برداشتن سیستم طبقاتی و مناسبات تولیدی ستمگرانه است.»

او صریحاً بیان نمود که ستم بر زن از ابتدای پیدایش بشریت وجود نداشته، بدین اساس او بطور مختصر به تشریح دوره مادر سالاری پرداخت و خاطر نشان نمود که این دوره در زندگی انسان معاصر بیشتر از یکصد و نود هزار سال دوام نمود. در این دوره زنان و مردان نقش مساوی در تولید احتیاجات داشتند، بناءً دارای قدرت و حقوق

داعشیان گفت که ستم در این مناطق برده دارانه است و تعدادی از زنان در مناطق تحت تسلط داعشیان به بردگی کشیده شده اند. او تاکید ورزید که مبارزه علیه داعشیان بخشی از مبارزه علیه اشغالگری ارتجاعی یک نیروی اشغالگر خارجی است و باید با قاطعیت هر چه تمامتر به پیش برده شود.

این دختر جوان وظیفه مبارزاتی زنان علیه اشغالگران امپریالیست، رژیم دست نشانده، اشغالگران داعشی و طالبان را چنین ارزیابی نمود:

« به این ترتیب وظیفه مبارزه علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی و فریب‌کاری‌های آنان در قبال زنان افغانستان و اعمال ستم بر آنان، وظیفه عمده مبارزاتی جنبش انقلابی زنان افغانستان است. در عین حال لازم است که علیه شوونیسم زن ستیز طالبان و مقدم بر آن علیه شوونیسم غلیظ زن ستیز ارتجاعی اشغال‌گرانه خارجی داعشیان نیز مبارزه صورت بگیرد. اگر این وظایف مبارزاتی به صورت جدی و در چهارچوب حد لازم و ضروری آن پیش برده نشود، کلیت مبارزه علیه ستم بر زن ناقص می‌ماند و مبارزه علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده نیز درست و همه جانبه پیش برده نمی‌شود.» در اخیر محفل قطعنامه "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" توسط یکی از زنان انقلابی به خوانش گرفته شد. قطعنامه تلاش اشغالگران امپریالیست به رهبری اشغالگران امریکایی بخاطر افزایش نیرو به افغانستان را محکوم نموده و آنرا تداوم اشغال افغانستان نامید و خواهان خروج بی قید و شرط اشغالگران از افغانستان گردید.

قطعنامه صریحا بیان نمود که با تسلیمی حزب اسلامی به اشغالگران امپریالیست پروسه تسلیمی احزاب جهادی (هفتگانه و هشتگانه) به اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده تکمیل گردید. هم چنین قطعنامه تسلیمی حزب اسلامی را به اشغالگران و رژیم دست نشانده به معنی حمایت بیشتر اشغالگران از شوونیسم جنسیتی بیان نمود. قطعنامه "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" موضع خود را در قبال اشغالگران امپریالیست، رژیم دست نشانده و حزب اسلامی چنین بیان نمود:

« دسته هشت مارچ زنان افغانستان روز هشتم مارچ را در حالی برگزار می‌نماید که زنان ستم‌دیده افغانستان مورد ستم مضاعف قرار دارند و با انواع شکنجه‌های روحی و جسمی رو برو اند.

دسته هشت مارچ زنان افغانستان این روز را در حالی برگزار می‌کند که حزب اسلامی و امیر مفلوکش با امضاء توافقنامه به اصطلاح صلح به رژیم دست نشانده پیوسته است.

با تسلیم شدن گلبدین به رژیم دست نشانده اشغالگران، پروسه تسلیمی احزاب جهادی به اشغالگران و رژیم دست نشانده تکمیل گردید.

تسلیمی حزب اسلامی به رژیم دست نشانده بیان‌گر آن است که شوونیسم جنسیتی رژیم پوشالی غلیظتر از قبل خواهد گردید. پشت سر این شوونیسم غلیظ جنسیتی، امپریالیست‌های اشغال‌گر ایستاده‌اند. ستم جنسیتی همان طوری که از ستم طبقاتی ناشی می‌شود، با ستم امپریالیستی نیز در پیوند تنگاتنگ قرار دارد. امپریالیسم اشغال‌گر امریکا، همان طوری که در زمان امارت اسلامی طالبان با سکوت مهر تأیید بر شوونیسم غلیظ جنسیتی امارت اسلامی طالبان زد، حالا با کمک‌های مالی به حزب اسلامی و کشاندن آن در کنار رژیم دست نشانده این شوونیسم را حمایت می‌نماید.

حتی زن بدون محرم شرعی حق بیرون شدن از خانه را نداشت. تمام این مقررات زن ستیزانه توسط طالبان مو به مو بر زنان تحمیل گردید و حتی در جریان خانه جنگی های خانمانسوز دختران و زنان توسط طالبان و جهادی‌ها بعنوان غنیمت مورد تجاوز و حتی خرید و فروش قرار گرفتند و بعنوان برده جنسی به کشورهای خارجی فروخته شدند. این دختر پرشور انقلابی علت ایجاد دسته ۸ مارچ زنان افغانستان و ادامه مبارزات شان را تا کنون این طور بیان نمود:

«دسته ۸ مارچ زنان افغانستان افتخار دارد که در دهم جنوری و هشتم مارچ ۱۹۹۸ (۱۳۷۶) در ضدیت علیه شوونیسم زن ستیزانه غلیظ طالبان یا به عرصه وجود گذاشت. در آن زمان شاه شجاع سوم یعنی سردمدار قبلی رژیم پوشالی و تعداد زیادی از قدرت‌مندان سابق و کنونی در رژیم دست نشانده رسماً از طالبان گسست نکرده بودند و امپریالیست‌های امریکایی و انگلیسی و متحدین شان نیز بزنس مبارزه برای به اصطلاح دفاع از حقوق زنان را شروع نکرده بودند.

باز هم دسته هشت مارچ زنان افغانستان افتخار دارد که وقتی افغانستان تحت اشغال امپریالیستی قرار گرفت و یک رژیم مرکب از جهادی‌ها و ملیشه‌های سابق توسط اشغالگران به جای امارت اسلامی طالبان نشانده شد، به عنوان اولین دسته مبارز زنان کشور در مخالفت و مبارزه علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی قرار گرفت.

برای ما از همان زمان روشن بود که اشغالگران امپریالیست حقوق زنان را توجیه‌گر تجاوز و اشغالگری‌شان ساخته اند. بنابراین ما بدون درنگ پیوستن به بزنس وارداتی امپریالیستی دفاع از حقوق زنان توسط امپریالیست‌های اشغالگر را قاطعانه رد کردیم، علیه دونه‌های اشغالگر این بزنس، موضع‌گیری نمودیم و علیه آن‌ها بدون تأمل دست به مبارزه زدیم.

برای ما واضح بود که نیروهای جهادی و ملیشه‌های سابق شامل در ترکیب رژیم دست نشانده، به ویژه رهبران شان، تا مغز استخوان شوونیست مردسالار و زن ستیز هستند و اساساً موقف طبقاتی، طرز تفکر و ایدئولوژی‌شان زن ستیزانه و مردسالارانه است. آن‌ها در زمان قدرت دولت به اصطلاح اسلامی‌شان از هیچ نوع ستم بر زنان دریغ نمی‌کردند و از جمله در جریان خانه جنگی‌های خانمانسوز ارتجاعی در میان‌شان، زنان و دختران را غنیمت جنگی محسوب می‌کردند. به همین سبب برای ما در همان اولین لحظات شکل‌گیری رژیم دست‌نشانده توسط اشغالگران امپریالیست به خوبی معلوم بود که رژیم دست نشانده رژیمی نیست که بتواند در راه از بین بردن ستم بر زنان و تأمین حقوق زنان گام‌های اساسی بردارد.»

این دختر جوان مبارزه علیه اشغالگران امپریالیست و اشغالگران داعشی را بعنوان دشمنان عمده کشور و مردمان کشور الزامی دانست و در ضمن بیان نمود که مبارزه علیه اشکال ستمی که توسط طالبان در مناطق تحت کنترل‌شان بر زنان اعمال می‌گردد نیز ضروری می‌باشد. او بر پیش‌برد این مبارزه بعنوان بخشی از مبارزه علیه کلیت شوونیسم مرد سالارانه در جامعه تاکید ورزید. او خاطر نشان ساخت که این مبارزه به این خاطر الزامی است که از یکسو زنان در مناطق تحت کنترل طالبان در رنج اند و شوونیسم مردسالارانه غلیظ نیمه فیودالی بر آنها اعمال می‌گردد و از سوی دیگر امپریالیست‌های اشغالگر و رژیم دست نشانده با بهانه قرار دادن به اصطلاح مبارزه علیه آنها اشغالگری وطن‌فروشانه خود را توجیه می‌نمایند.

به همین ترتیب در مورد ستم بر زنان در مناطق تحت کنترل

بکشاند و آن‌ها را در دستگاه رژیم دست نشانده شریک سازد و همه با هم دیدگاه‌های شوونیستی زن ستیزانه‌شان را پیش ببرند. ما اعلام می‌کنیم که: اگر طالبان با پذیرش قرارداد امنیتی رژیم پوشالی با اشغال‌گران به بخشی از این رژیم تبدیل گردند و رژیم بخواهد یک‌بار دیگر دسته‌های قرون وسطایی سرکوبگر زنان را فعال سازد، باید لشکری از ملالی‌ها و ناهیدها را در مقابل خود ببیند.

هر گاه جنبش زنان نتواند در مقابل این صف‌بندی‌ها و پیچیدگی‌ها به مقابله برخیزد و مبارزات جدی خویش را پیش ببرد، همان طوری که گرایش‌های ناسالم تسلیم طلبانه در قبال امپریالیسم و مرتجعین در درون جنبش زنان بروز نموده و به پیش می‌رود، جنبش زنان با آسیب‌های جدی روبرو خواهد شد.

زنان مبارز و انقلابی باید هر لحظه و در هر زمان و مکان ترفندهای امپریالیست‌های اشغالگر و دست نشانده‌شان را فاش نموده و بدون کوچک‌ترین تزلزل و ناپایداری مبارزات خویش را پیش ببرند.

زنان انقلابی کشور باید به شدت تلاش نمایند که بین زنان غیر متشکل کار سیاسی را گسترش داده و حرکات خودبخودی‌ای را که به وجود می‌آید به حرکات سازمان یافته و آگاهانه بدل نمایند و مهر خود را بر تحولات آتی جامعه بزنند.

محو ستم بر زنان فقط با محو طبقات و محو امپریالیسم امکان پذیر است. دامن زدن به جنبش زنان و تلاش برای رهایی زنان در افغانستان، می‌تواند بسیاری از سنن و عنعنات ارتجاعی فیودالی را ضربت زده و رژیم پوشالی را وادار به عقب‌نشینی نماید. به عبارت دیگر هر قدر جنبش زنان در افغانستان رشد نماید و در جهت رهایی زنان جدی‌تر عمل نماید به همان اندازه می‌تواند پیروزی‌های بیشتری به دست آورد و مقدار زیادی بار ستم را کاهش دهد و خط و مرز دقیق میان جنبش‌های بی‌بخش زنان و جنبش‌های ریفورمیستی که توسط آن‌جی‌اوها و زنان تسلیم شده به اشغال‌گران و رژیم دامن زده می‌شود، بکشد.

دسته هشت مارچ زنان افغانستان معتقد است که مبارزه علیه ستم جنسیتی بخشی از مبارزه علیه کل نظام مستعمراتی - نیمه فیودالی حاکم بر جامعه است و باید مبارزه علیه ستم جنسیتی در راستای کلیت مبارزه علیه اشغال‌گران و رژیم پوشالی به پیش برده شود.

در ضمن در قطعنامه، مضحکه انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی سال آینده رژیم دست نشانده تحریم گردیده و از تمامی توده‌های ستمدیده و بخصوص زنان ستمدیده خواسته شده تا فریب این عوام فریبی را نخورند و به پای صندوق‌های رای نروند.

محفل به ساعت ۵ بعد از ظهر خاتمه یافت و شرکت کنندگان با روحیه عالی از دست اندر کاران محفل تشکر نموده و محفل را قوت قلبی برای خود و مبارزه پیش روی خواندند و سالون را با خوشحالی ترک نمودند.

واحد "دسته هشت مارچ زنان افغانستان"

در شهر ولایت

۹ مارچ ۲۰۱۷ (۱۹ حوت ۱۳۹۵ خورشیدی)

تسلیمی حکمت‌یار پیام آور صلح در افغانستان نمی‌باشد، بلکه زمینه ساز هر چه بیشتر تفرقه و دامن زدن به اختلافات قومی، لسانی، ملیتی و مذهبی در کشور است.

زن ستیزی رژیم دست نشانده در واقع با توافق و همنوایی اشغال‌گران امپریالیست صورت می‌گیرد. این ادعا که زنان افغانستان بعد از سرنگونی رژیم طالبان توسط اشغال‌گران و شکل‌دهی یک رژیم دست نشانده به آزادی رسیده‌اند، یک ادعای دروغ و میان تهی است. محرومیت عمیق و وسیع زنان، یکی از نتایج اجتناب ناپذیر این وضعیت است.»

قطعنامه دقیقاً روی سیاست فریب کارانه انجوها و انجوایزه نمودن مبارزات زنان مکث نموده و ایجاد انجوها را در افغانستان یکی از اشکال ستم امپریالیستی دانسته و موضوع ایجاد انجوها و انجوایزه شدن مبارزات زنان را چنین بررسی نمود:

«یکی دیگر از اشکال ستم امپریالیستی در افغانستان ایجاد انجوها و انجوایزه نمودن مبارزات زنان است. انجوایزه شدن مبارزات زنان و اتخاذ سیاست ایجاد و تقویت به اصطلاح نهادهای جامعه مدنی، اتحادهای سیاسی بر مبنای منافع اشغال‌گران را به دنبال داشته و به شدت به جنبش زنان ضربه زده است. اکثریت زنانی که در این نهادها گرد آمده‌اند و نیز زنانی که به چوکی‌های بلند دولتی رسیده‌اند به زنان مسالمت‌جو، اصلاح‌طلب، تسلیم‌طلب و مبلغ و مروج به اصطلاح دموکراسی امریکایی تبدیل گردیده‌اند.

اشغال‌گران امپریالیست و رژیم دست نشانده، هدف‌مندانۀ فعالیت‌های زنان کشور را به سمت دل‌خواه سیاست‌های امپریالیستی خویش سوق می‌دهند، آنها بخوبی درک نموده‌اند که از این طریق بهتر می‌توانند روحیه میهن پرستانۀ زنان را از بین ببرند و آن‌ها را به سمت تسلیم‌طلبی سوق دهند.»

اکیداً باید خاطر نشان ساخت که مبارزه اصولی و قاطع علیه انجوبی‌سازی مسئله زنان که توسط اشغال‌گران و رژیم دست نشانده وسیعاً شایع گردیده است، بخش مهمی از مبارزه و مقاومت علیه اشغال‌گران و رژیم پوشالی، منجمله مبارزه و مقاومت علیه شوونیسم مردسالارانه امپریالیستی، فیودالی و بورژواکمبرادوری آن‌ها است.

در مدت ۱۶ ساله که از اشغال افغانستان توسط اشغال‌گران امپریالیست می‌گذرد، اشغال‌گران امپریالیست تحت بهانه "آزادی زنان از قید اسارت طالبان" و شعار دروغین "دموکراسی" استقلال کشوری بنام افغانستان را به تاراج بردند و رژیمی دست نشانده بر مسند قدرت تکیه زد. در این مدت نه تنها زیربنای اقتصادی کشور ما را نابود نموده‌اند بلکه در تمام ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دار و ندار مردم ما را به طرف نابودی سوق داده‌اند. هر چه از دوام اشغالگری در افغانستان می‌گذرد به همان اندازه جلوه‌های ستم و ستمگری تجاوزکارانه اشغال‌گران متبازر می‌گردد و امروز دیگر کسی به جز خائنین ملی، تسلیم طلبان و تسلیم شده‌ها دیگر فریب شعار دروغین اشغال‌گران و رژیم دست نشانده را نمی‌خورد.

قطعنامه در مورد پروسه صلح اشغال‌گران و رژیم دست نشانده با طالبان موضعش را رک و صریح اینطور بیان نمود:

«رژیم پوشالی نه تنها بصورت جدی برای رهایی زنان از ستم جنسیتی تلاش نمی‌نماید، بلکه حسب منافع بادارانش و کل نظام فرتوت مستعمراتی - نیمه فیودالی، تلاش می‌نماید تا طالبان را به پروسه صلح

گزارشی از محفل تجلیه

هشتم مارچ در ولایت ...

همچنان در جریان محفل روی مبارزات حق طلبانه زنان مفصلا صحبت شد. طوریکه مبارزات زنان باید در پیوند با تضاد عمده کشور به پیش برده شود. مبارزه حق طلبانه زنان بدون پیوند با مبارزه علیه امپریالیسم نمیتواند به پیش رود. جنبش زنان علی الخصوص "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" که رسالت تاریخی را بر عهده گرفته است باید در قدم نخست مبارزه علیه اشغال کشور را در اولویت خود قرار دهد و در پیوند با این مبارزه علیه شوونیسم مردسالار حاکم بر جامعه به مبارزه بپردازند.

زنان نباید فراموش کنند که در کشور اشغال شده افغانستان، استقلال سیاسی اهمیت دارد.

بدین ترتیب یک تن دیگر از سخنران ها، شکل فریبنده آزادی بورژوازی زنان را با ستم فئودالی مقایسه نمود و تذکر داد که ستم بورژوازی بر زنان شکل مضاعف تری را دارد. در نظام فئودالی صرف ستم خانگی بر زنان اعمال میگردد، ولی در نظام بورژوازی علاوه بر ستم خانگی ستم اجتماعی نیز بر زنان اعمال میگردد.

در نظام بورژوازی زنان به کالای تجارتي تبدیل میگردند. ولی شکل ستم در نظام بورژوازی خیلی فریبنده تر است. در ظاهر بعضی آزادی های رونیایی برای زنان داده میشود ولی در اساس از ستم بر زنان کاسته نمیشود.

وی افزود که: "در کشور اشغال شده افغانستان که کل کشور و مردم کشور از آزادی برخوردار نیستند، زنان که نیم پیکر جامعه را تشکیل میدهند نیز نمیتوانند از آزادی برخوردار باشند."

در ختم محفل روی ضرورت جنبش زنان در جامعه تاکید صورت گرفت و هر یک از اشتراک کنندگان با تعهد هرچه راسخ تر در عرصه مبارزه زنان تاکید به عمل آوردند.

نتیجه گیری این نشست مشترک برین شد که زنان باید دوشادوش مردان در مبارزه استقلال طلبانه کشور شرکت کنند و در پهلوی مبارزه استقلال طلبانه به مبارزه علیه برتری طلبی جنسی نیز بپردازند و تاکید صورت گرفت که وظیفه تک تک ما این است که سیاست شوم امپریالیستهای اشغالگر و رژیم دست نشانده شان را در رابطه به کل کشور و مردم کشور افشاء نماییم.

واحد "دسته هشت مارچ زنان" در شهر ولایت

۱۰ مارچ ۲۰۱۷ (۲۰ حوت ۱۳۹۵)

بار دیگر هشتم مارچ روز جهانی زن فرا رسید و ما توانستیم عصر روز جمعه مورخ ۲۰ حوت ۱۳۹۵ خورشیدی مصادف با دهم مارچ ۲۰۱۷ میلادی ازین روز خجسته تاریخی تجلیل به عمل آوریم.

نشست مشترکی را که درین خصوص تشکیل داده بودیم، سه ساعت دوام کرد و در طی این مدت مجموعاً ۶ تن از رفقای دست اندرکار مراسم تجلیه روز جهانی زن، به سخنرانی پرداختند و روی مسائل مبارزات زنان و اهمیت مبارزه آنان در کشور مستعمره - نیمه فئودال افغانستان روشنی انداختند.

والی ولایت هشتم مارچ امسال را در تالار ولایت و ریاست امور زنان این ولایت نیز تجلیل نمود. البته تجلیل امسال آنان با هدیه دادن ها و تحایف برای زنان همراه بود. آنان برای یک تعداد از زنان در روز جهانی زن چادر بعنوان تحفه توزیع نموده بودند که این مطالب نیز در افتتاح محفل تجلیه مان به بحث گرفته شد. چرا رژیم پوشالی و حامیان بین المللی اش روز هشتم مارچ - روز جهانی زن را چنین تجلیل میکنند؟ و چرا رژیم پوشالی این روز را بیشتر بعنوان روز تحفه دهی تبدیل نموده است؟ این روز خجسته تاریخی دارای اهمیت مبارزات سیاسی فراوانی است که از بطن مبارزات برحق زنان آزادیخواه جهان سر بلند میکند. مبارزاتی که لبه تیز آن متوجه نظام غارتگر امپریالیستی - ارتجاعی حاکم بر جهان است. دلیل چنین کار کاملاً واضح و روشن است. رژیم دست نشانده و حامیان بین المللی شان ازین روز تجلیل به عمل می آورند تا یک قشر کوچکی از زنان و دختران این جامعه را بتوانند تطمیع نموده و دور رژیم دست نشانده جمع کنند تا بتوانند از طریق آنان تبلیغات تسلیم طلبانه و وطنفروشانه شان را به نفع اشغالگری و توجیه اشغالگری و دست نشاندهی رژیم پوشالی پیش ببرند و میخواهند طوری وانمود سازند که اشغالگران امپریالیستی و در راس آن امپریالیسم لجام گسیخته امریکا حامی چنین روزی میباشد.

سپس یکی از سخنرانان به توضیح تاریخچه هشتم مارچ پرداخت و نقش زنان و اهمیت مبارزات سیاسی و چگونگی شکل گیری و تثبیت جایگاه هشتم مارچ را به سمع حاضرین رساند. همچنان چگونگی شکل گیری رژیم دست نشانده فعلی را از زمان به قدرت رسیدنش تا حال به بحث گرفت و از ترکیب رژیم دست نشانده که چگونه نیروهای شوونیست قهار در آن سهم داده شدند و امپریالیستهای اشغالگر چگونه آنان را حمایت و پشتیبانی میکنند و از دموکراسی دم میزنند و از حقوق زنان ظاهراً دفاع میکنند، نیز به تفصیل بحث صورت گرفت و نتیجه گیری این صحبت ها وضاحت کاملی بود بر ماهیت رژیم پوشالی و تثبیت دست نشاندهی و چاکر پیشگی شان بر آستان امپریالیستهای اشغالگر.

اسناد محفل اول:

پارچه آهنگ غزل:

دنیاست و خوب دنیا لیکن وفا ندارد
دارد چو بی وفایی یک آشنا ندارد

دنیاست ت

هرچیز در شکستن آواز می بر آرد
اما شکست دل ها هرگز صدا ندارد

دنیاست و خوب دنیا لیکن وفا ندارد
دارد چو بی وفایی یک آشنا ندارد

دنیاست ت

شخصی که بینوا شد خانه بدوش گردد
در هر کجا که باشد بیچاره جا ندارد

دنیاست و خوب دنیا لیکن وفا ندارد
دارد چو بی وفایی یک آشنا ندارد

دنیاست ت

افتاده عشق را بالای خاک دیدم
گفتم به این ادیبی یک بوریا ندارد

دنیاست و خوب دنیا لیکن وفا ندارد
دارد چو بی وفایی یک آشنا ندارد

دنیاست ت



افتتاحیه

زنده باد هشت مارچ

و جانفشانی های فراوان زنان و دخترانی است که در تاریخ مبارزات آزادیخواهانه زنان ثبت گردیده است.

هشتم مارچ روز جهانی زن با خون هزاران زن و دختری رقم خورده که برای آزادی و برابری اجتماعی و رفع هرگونه تمایز جنسی مبارزه نموده اند.

بنابراین ما نیز به پاس مبارزات زنان آزادیخواه و مبارز، این روز خجسته تاریخی را تجلیل میکنیم تا باشد گامی برای ریشه کن کردن انواع ظلم و ستم اجتماعی به پیش برداشته باشیم.

روز جهانی زن بر همه شما مبارکباد!

محفل امروزی ما در برگیرنده مقالات، اشعار و پارچه آهنگی است که توسط "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" تهیه شده است.

اینک از انانسر برنامه تقاضا مندم که به روی استیژ آمده و مدیریت برنامه امروزی مان را به دست گیرد.

زنده باد هشتم مارچ

زنده باد مبارزات آزادیخواهانه زنان و دختران

دلیر افغانستان!

"دسته هشت مارچ زنان افغانستان"

انانسر برنامه :

گمان مدار که رنجت ز دیده پنهانست

که درد تو و من و ما همیشه یکسان است

بیا که دست دهیم و دوباره مشت شویم

بروی واژه ی تبعیض خط درشت شویم

بیا رفیق که ننگ است مرد و زن بودن

به زیر سایه ی تبعیض در کفن بودن

دوبال شهپر و راهی ی آفتاب شویم

دو مصرع غزل ناب انقلاب شویم

روز جهانی زن مبارکباد!

خانم ها و آقایان سلام!

تشریف آوری شما عزیزان را در محفل امروزی که به مناسبت تجلیل از روز جهانی زن تدویر یافته خیر مقدم عرض میکنم.

همانطوری در افتتاحیه محفل گفته شد، به احترام مبارزات زنان آزادیخواه و مبارز، این روز خجسته تاریخی را تجلیل میکنیم تا توانسته باشیم ما نیز در کنار سایر هم قطاران خود در سراسر گیتی، قدمی برای ریشه کن کردن انواع ظلم و ستم اجتماعی برداشته باشیم و میدانیم که درین راه تنها نخواهیم بود.

هستند مردان آزادیخواه و عدالت پروری که دوشادوش زنان جامعه قدم میزنند و به این پایه از درک رسیده اند که زنان نیمی از پیکر جامعه هستند و به این خاطر است که دوشادوش زنان مبارز و آزادیخواه به مبارزه می پردازند - و - هستند مردان ظالمی که زنان را در چهار دیواری خانه محبوس میسازند و حق و حقوق او را در همان حول و هوش حصار خانه و خانواده میپندارند و فکر میکنند زنان سایه مردان اند.

اینجاست که جامعه به دو بخش متضاد تقسیم میگردد. یک طرف حق و عدالت و طرف دیگر ظلم و قساوت! ما بخواهیم و نخواهیم چه زن باشیم و چه مرد در یکی از این موضعگیری ها خواسته و نخواستہ قرار میگیریم.

پس بهتر است که با اندیشه پاک اجتماعی بتوانیم برای خانه تکانی های عظیم به سوی فردای بهتری که هیچ اثری از ظلم و قساوت نباشد، گام برداریم.

ما درین روز انتظار داریم تا مردان خانواده هایمان با حمایت قاطع و همه جانبه دوشادوش ما گام بردارند، ما را حمایت کنند تا دست در دست هم و پا به پای هم بتوانیم بر تمام ظلم و ستم اجتماعی خط بطلان بکشیم.

زنده باد هشتم مارچ

زنده و سرفراز باد زنان و مردان آزادیخواه سرزمینم

تشکر میکنم ازینکه در محفل امروزی ما اشتراک نموده و با اشتراک گرم تان محفل ما را رنگین ساخته اید.

باید خاطر نشان سازم که "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" از تمامی زنان و مردان مبارز و انقلابی کشور میخواهد که در مبارزه علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم

دست نشانده و اشغالگران مرتجع داعشی، ما را همراهی نمایند.

بله هموطن!

مبارزه به تنهایی امکان پذیر نیست! همیشه گفته اند: "یک دست صدا ندارد."

مبارزه نیازمند صفوف فشرده زنان میباشد. هر قدر صفوف زنان برای مبارزه فشرده تر گردد، به همان میزان میتوان دوشادوش مردان مبارز و انقلابی، دشمنان وطن را به عقب راند و بالاخره با بیرون راندن نیروهای اشغالگر امپریالیستی و سرنگونی رژیم دست نشانده شان و اشغالگران مرتجع داعشی و ایجاد دیکتاتوری دموکراتیک خلق بسوی رفاه و آسایش و برای محو هر گونه ستم به پیش خواهیم رفت.

بله هموطن!

اشغالگران امپریالیستی با روی کار آوردن رژیمی دست نشانده در طی پانزده سال گذشته جزء تجاوز نظامی همه جانبه، بمباران های ممتد بر خانه و کاشانه مردم ما، دامن زدن فقر، بیکاری، فساد و دربدری و به تعقیب آن انقیاد طلبی، تسلیم طلبی و تطمیع فراوان زنان و دختران چیز دیگری به ارمغان نداشته و در یک کلام کشور ما را به مستعمره تمام عیار خویش بدل ساخته اند.

اگر میخواهیم که واقعا از رنج و بدبختی های جاری نجات یابیم، یگانه راه نجات مبارزه است.

مبارزه و مقاومتی که در چوکات مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی صورت بگیرد. بدون این دیگر چاره ای نیست.

من از پشت این تریبون از تمامی زنان و دختران میخواهم که برای رسیدن به اهداف والای زنان به "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" بپیوندند.

باز هم تاکید میکنم که بدون وحدت همه نیروهای انقلابی و اقشار زحمتکش جامعه اعم از زنان و مردان بیرون راندن نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم دست نشانده شان امکان پذیر نیست.

زنده باد هشتم مارچ روز جهانی زن

پیش بسوی اتحاد و وحدت همه نیروهای انقلابی

درین قسمت از محفل از خواهرمان **خانم سمیه جان** تقاضا نمودم که **تاریخچه دسته ۸ مارچ زنان افغانستان** را به سمع شما برساند. تا آمدنش لطفا تشویق نمایید.

تاریخچه مبارزاتی دسته هشت مارچ زنان افغانستان

طلبانه افتاده و با فرستادن افراد شان به لوی جرگه ها و پارلمان رژیم دست نشانده، در پهلوی رژیم نشانده قرار گرفتند. تنها کاری را که آنها در لوی جرگه ها و پارلمان رژیم توانستند انجام دهند این بود که صدای اعتراض علیه بنیادگرایی را بلند نمایند و عملاً مبارزه علیه بنیادگرایی را عمده بسازند. آنها با ادعای اینکه موجودیت بنیادگرایان و جنایتکاران مشروعیت لوی جرگه ها و پارلمان را زیر سوال می برد، به مشروع بودن پارلمان رژیم دست نشانده در یک کشور اشغال شده مهر تائید گذاشتند. وقتی کشور تحت اشغال باشد و رژیم دست نشانده اشغالگران بر آن حاکمیت پوشالی داشته باشد، چه فرقی می کند که چه کسانی در لوی جرگه ها و پارلمان رژیم باشند؟ معنای این بیانات این است که اگر در لوی جرگه ها و پارلمان چنین رژیمی جنایتکاران و بنیادگرایان نباشند گویا لوی جرگه ها و پارلمان می تواند مشروعیت داشته باشد!

اینها حتی در انتخابات ریاست جمهوری رژیم شرکت کردند و عملاً به نفع کرزی، این شاه شجاع سوم، کمپاین انتخاباتی براه انداختند و احزاب راجستر شده تشکیل دادند. اینها ادعا دارند که زیر بیرق احزاب راجستر شده و در پارلمان به کار توده یی پرداخته و ماهیت رژیم را از تربیون خود رژیم افشا نموده اند. آیا توده ها در پارلمان هستند؟ آیا کار توده یی در زیر بیرق حزب راجستر شده، که قانون اساسی رژیم دست نشانده را قبول کرده و به رسمیت شناخته است، برای بسیج توده ها در امر پیشبرد مقاومت ملی و مردمی و انقلابی امکان دارد؟ آیا افرادی که زیر بیرق حزب راجستر شده جلب و جذب می شوند به درد مقاومت ملی مردمی و انقلابی می خوردند؟ نه خیر!

دسته هشت مارچ زنان افغانستان از همان ابتدای تجاوز اشغالگران و شکلگیری رژیم دست نشانده، با دید روشن از وضعیت موجود و با تعیین مواضع اصولی در مسیر درست انقلابی، اعلام نمود که دشمن عمده کنونی کشور و مردمان کشور و در نتیجه دشمن عمده زنان افغانستان، اشغالگران و رژیم دست نشانده است. دسته هشت مارچ زنان افغانستان از آن زمان تا حال عمدتاً در داخل کشور و همچنان در خارج از کشور به اندازه توان علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده و پوشالی، به عنوان دشمنان عمده کشور، مردمان کشور و زنان کشور به شیوه خویش رزمیده است.

دسته هشت مارچ زنان افغانستان باورمند است که نه پارلمان تربیون انقلابیون است و نه نهادهای جامعه مدنی و نه هم احزاب راجستر شده. ما از تربیون خویش و به طریقه خویش مبارزات مانرا پیش برده ایم و ادامه میدهم. باور ما این است که آگاهی توده ها با رفتن در بین توده ها به دست می آید، نه با رفتن در پارلمان رژیم دست نشانده و زیر بیرق احزاب راجستر شده و آنهم در یک کشور مستعمره.

دسته هشت مارچ زنان افغانستان در مبارزه علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده از تمامی اشکال مبارزاتی انقلابی ملی - دمکراتیک دوشا دوش سایر نیروهای ملی و انقلابی در خدمت به تدارک، برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی استفاده به عمل می آورد و برین اساس تلاش مینماید که در تمامی عرصه های مبارزاتی فعالانه و به طور خستگی ناپذیر سهم گرفته و مبارزاتش را پیش ببرد.

با روی کار آمدن امارت اسلامی طالبان، سیاست ارتجاعی و استبدادی شدیدی بالای کشور و مردمان کشور و خصوصاً زنان کشور اعمال گردید. خلق های کشور زخم ناسور ناشی از استبداد طالبی را با گوشت و پوست خود لمس کردند و خصوصاً زنان کشور رنج های عظیمی را متحمل شدند. تحقیر، توهین، سرکوب فرهنگی، قتل عام های پیهم و زن ستیزی آنها در ضد انسانی ترین شکلش در دستور روز قرار گرفت. یک دوره تاریک و سیاه خصوصاً برای زنان افغانستان به وجود آمد. در این دوره تمام آزادی های مدنی و اجتماعی خصوصاً آزادی زنان کاملاً سلب گردید. برای دختران حتی اجازه رفتن به مکتب داده نمی شد، زنان حق نداشتند بدون محرم از خانه بیرون شوند و زنان و دختران در ملاء عام شلاق زده می شدند.

در چنین شرایطی که در داخل افغانستان برای زنان امکان بلند نمودن صدا و اعتراض وجود نداشت و کوچکترین اعتراض به بی رحمانه ترین شکل سرکوب میشد، یک تعداد زنان با احساس و آزادیخواه با الهام گیری از اندیشه های انقلابی، در محیط پناهندگی و در مناطق پشت خط دیورند دسته هشت مارچ را تشکیل داده و مبارزات حق طلبانه خود را در زمان امارت اسلامی طالبان شروع نمودند. آنها محافل و گردهمایی هایی را در پشت خط دیورند ترتیب داده و صدای اعتراض شانرا بلند کردند. در آن زمان این محافل و گرد همایی ها سر و صدای زیادی را ایجاد نمود. دسته هشت مارچ زنان افغانستان از جانب محافل ارتجاعی و بنیادگرای پاکستان (سیاه صحابه، جمعیت علمای مولوی فضل الرحمن، ضرب مومن و حیدر کرار و ...) که از طالبان پشتیبانی و حمایت میکردند، مورد تهدید قرار گرفتند. اما دسته هشت مارچ زنان افغانستان علیه این تهدیدات ایستادگی نموده و مبارزاتش را ادامه داد. با ادامه این مبارزات تعدادی از زنان افغانستانی در بعضی نقاط اروپا با دسته هشت مارچ زنان افغانستان همناهی نشان داده و به آن دسته پیوستند.

استبداد ارتجاعی طالبان به یک معنی زمینه ساز تجاوز مستقیم امپریالیست های امریکائی و متحدین شان بر کشور گردید. امپریالیست های امریکائی و متحدین شان دایناسورهای آمده از آن سوی مرزهای تاریخ را در ابتدا بخاطر تامین اهداف خویش تقویت کردند و به امارت رساندند، ولی بعد از آنکه حاکمیت آنها را به نفع خویش ندیدند، به بهانه مبارزه با تروریسم، احیای دیموکراسی، اعاده حقوق زنان و ... افغانستان را مورد تهاجم قرار دادند. یکبار دیگر کشور تحت اشغال مستقیم متجاوزین خارجی قرار گرفته و حالت مستعمراتی را به خود گرفت.

با اشغال کشور و شکل گیری رژیم دست نشانده توسط اشغالگران نه تنها افراد، محافل، گروه ها و احزاب ارتجاعی از به وجود آمدن وضع جدید استقبال نموده و هر کدام در تلاش شدند که در تشکیل رژیم دست نشانده توسط امپریالیست ها سهم بیشتر داشته باشند؛ بلکه تعدادی از افراد، گروه ها، محافل و سازمانهایی که ادعای های انقلابی داشتند و خود را باورمند به اندیشه های پیشرو عصر میدانستند نیز مواضع تسلیم طلبانه اتخاذ کردند. یک دسته راه تسلیمی کامل را در پیش گرفته و عملاً در تشکیل رژیم دست نشانده سهم فعال گرفتند و به جمع خائنین ملی پیوستند. دسته دیگر که در تعیین تضادها و دشمنان عمده و غیر عمده مشکل داشتند، به مواضع تسلیم

با تشکر از خواهرمان سمیه جان

با دردها عادت مکن، آواز شو، فریاد شو

خط چلیپا کش به غم، از قید و بند آزاد شو

برخیز و بشکن این قفس، نیم زمین مال تو است

نیم قشنگ آسمان بهر پر و بال تو است

ظلم و ستم را نه بگو، یک راه نو آغاز کن

در آسمان سهم خود تا اوج ها پرواز کن

در شهر گلها گل بمان، با سنگ فکران سنگ شو

وقتی که حق میخواستی درگیر رزم و جنگ شو

دخپرونی به دی برخه کی له گلالی جان خخه هیله کوم چی خپله مقاله تاسو ووايي مننه

دښخو آزادی او طبقاتی ټولنه

دښخو د آزادی په اړه بیلابیلی نظری شتون لری هره نظریه له بیلابیلو اړخونو نوموړی موضوع ته کتنه کړی ده له نوموړو نظریو خخه یوه نظریه دښخی دآزادی مساله ده د نوموړی نظریه پر بنسټ ترڅو چی نړی په طبقاتو ویشل شوی ښخی آزادی ته رسیدلی نشی. په یوازنی توگه د ښخو د حل لاره په افغانستان کی د نوی دیموکراتیک انقلاب بریالی توب ده.

پاتی د نوی چه په ۱۸۵۷ کال کی دامریکا دنیویارک ښار دنساجی په فابریکه کی ښخینه کارگرانو دناوړه کاری شرایطو له کلبه په لاریون لاس پوری کړ او دنوموړوشرايطو دبدلون غوښتونکی شول، نوموړی لاریون په تاوتریخوالی واوښت او یوشمیر کارگری ښخی ووژل شوی اوځینی ټپیانی شولی، په ۱۹۰۸ کال او دنیویارک دپینسی خخه ۵۰ کاله ورسته یوځل بیا ښخو دخپلو حقونو ترلاسه کولو لپاره لاریون وکړ. خو داخل دکارخونو مالکانو زیارکښی ښخی په کارخانو کی زندانی کړی او کارخانی ته یی اور واچو چی په پایله کی ۱۲۹ ښخی ووژل شوی او یو زیات شمیر یی ژوبلی شولی.

نن دمارچ اتمه دښخو نړیواله ورځ ده دغه ورځ په نړیواله کچه هرکال لمنځل کیږی، په افغانستان کی دغه ورځ دلاس پوځی رژیم له خواه په نمایشی توگه لمنځل کیږی. یرغلگر ځواکونه او لاس پوځی رژیم ادعا لری چی دوی دښخو ملاتړی دی او ښکیلاکر ځواکونه خو حتا خپل یرغل هم دښخو ترآزادی پوری تړی کله چی دوی په افغانستان باندي برید وکړ نو دتروریسم اومخدره توکو مبارزی ترڅنگ دښخو دآزادی مسله هم مطرح کړله خو په تیروپنځلس کلونو کی برعکس افغانستان کی ښخی له بیلابیلو ستونزو او ربرونو سره مخامخ دی. په افغانستان کی ښخی وژل کیږی، سوځول کیږی اوسنگساریږی، دښخو دآزادی مساله یوه اجتماعی (ټولنیز) تضادونو له جملی خخه یو مهم تضادونه شمیرل کیږی چی اصلاً یو ماورای طبقاتی تضاد ده خو رینسه په طبقاتو کی لری.

او کله چی ټولنه په طبقاتو وویشل شوه حاکمو طبقو دخپلو موخو ته دی رسیدلو لپاره محکومی طبقی تر خپل یوغ لاندی راوستلی. په خاصه توگه د فیوډالی نظام په راتلو سره ښخه تر نن ورځی پوری په ټوله نړی کی په سخته کړاونو کی ژوند کوی.

په دویم انترناسیونال کی ومنل شوه او له همغی ورځ راهیسی دغه ورځ دښځو دنړیوالی ورځ په نوم یادپیری. ژوندی د وی اتم د مارچ د ښځو نړیواله ورځ!

“اتم د مارچ افغانستان د ښځوو ډله”

په آلمان کی دزیارکښو ښځو فعاله کالارا ستگین (-۱۹۳۳ ۱۸۵۷) دکارگرو ښځو لپاره دآلمان په قانون کی دتعدیل غوښتونکی شوه نوموړی دی لس ساعته کار پرځای اته ساعته کار او دزیرون پرمهال درخصتی غوښتونکی شوه، په ۱۹۱۰ کال کی دامریکا دسوسیالست گوند نماینده غوښتنه وکړه چی باید یوه ورځ دښځودورځ په نوم یاده شی چی نوموړی غوښتنه په ۱۹۱۱ کال کی

له گلالی جان څخه دیره مننه

بیا بیا که فضا گرد کائنات شویم

که آرزوی بزرگست و این جهان تنگ است

برای حلقه مردان روزگار نویس

حیات بی تپش و خفته، مایه ننگ است

فضای کشور افغان و روح سرکش من

دو پاسبان نبرد و دو سنگر جنگ است

سرم زمشت حوادث فرو نمی آید

سر مبارزه سر نیست، صخره سنگ است

زتارهای دلم شور خلق میخیزد

چه خوش هنر به هنرمند خود هماهنگ است

گمان مبر که من از کارزار خسته شدم

که هستی جرس از فیض شورش زنگ است

حال خواهرمان **م.ر جان** شعری را تهیه نموده خدمت تان تقدیم می نماید تا آمدنش تشویق نماید.

عرض سلام خدمت تمام شما!

تشکر میکنم از اینکه برایم فرصتی داده شد تا لحظه ای در خدمت تان باشم. من هم روز جهانی زن را تبریک عرض میکنم و پارچه شعری دارم که امیدوارم مورد توجه تان قرار گیرد.

به نام نامی مردم

به نام نامی مردم

به نام آرزوهای طلائی رنگ نورانی

به تو ای دشمن خونخوار و آزادی

به تو ای عامل بی شرم استعمار

بدون احترام و بی سلام از من
 که هستم دختر آزاده افغان
 که هستم در حصار محبس تاریک زندان ها
 تنم از ضربت شلاق تان چون آسمان نیلی است
 به روی صورتتم آثار داغ و ضربه ها پیداست
 به جای آب،
 جانم از شرنگ مرگ لبریز است
 شما جلادها شب را
 به زندانم کشانیدید
 شما در تیره گی هایش
 ربودید از کف من گوهر تابان عفت را
 چو سگها وحشیانه حمله آوردید به دامانم
 به دست احمقان پست و هر جا هم ملوث شد
 و زندان شما با آنهمه وحشت برای مردمی چون من
 حصار و سنگری باشد
 که در آن لاله های سرخ می رویند
 و از دیوار فولادین آن فریاد خشم ما
 به سربازان آزادی توان و روح می بخشد
 و این فریاد در گوش شما آهنگ مرگی هست بی تردید
 تو ای فرمانروای رهن و ترسو
 به جلادت بگو جسم مرا بر دار آویزد
 به جلادت بگو یکبار جانم را فدای ملتتم سازد
 که بعد از مرگ باشم قدرتی در قلب انسانها
 که بعد از مرگ نامم زنده تر گردد
 نهال آرمانم بارور گردد
 چرا چون بید می لرزید
 چرا ای بزدلان از خویش میترسید
 که زندانهایتان از مردم آزاده لبریز است
 شما بیهوده میکوشید
 تلاش و عزم ما بالاتر از هر کوششی باشد
 سپاه عقل بر اقلیم ظالم چیره میگردد
 و تو ای رزل
 و قبل ازینکه کاخ آرزوهایت فرو ریزد
 به جلادت بگو جسم مرا بر دار آویزد
 طناب دار را برگردن یک دختر اندازد
 و اما ملت من گر مدال افتخارم رشته دار است
 من آنرا به دست خود به دور گردن اندازم
 که حق خویش را در پیشگاه تو اداء سازم

با تشکر از خواهر مان م.ر جان!

یک اتفاق ساده مرا بی قرار کرد
 باید نشست و یک غزل تازه کار کرد
 در کوچه می گذشتم و پایم به سنگ خورد
 سنگی که فکر و ذکر دلم را دچار کرد
 از ذهن من گذشت که با سنگ می شود
 آیا چه کارها که در این روزگار کرد
 با سنگ می شود جلوی سیل را گرفت
 طغیان رودهای روان را مهار کرد
 با سنگ روی سنگ نهاد و اتاق ساخت
 بی سرپناهها همه را خانه دار کرد
 یا می شود که نام کسی را بر آن نوشت
 با ذکر چند فاتحه، سنگ مزار کرد
 یا مثل کودکان شد و از روی شیطنت
 زد شیشه‌ای شکست و دوید و فرار کرد
 با سنگ مفت می شود اصلا به لطف بخت
 گنجشک‌های مفت زیادی شکار کرد
 یا می شود که سنگ کسی را به سینه زد
 جانب از او گرفت و به او افتخار کرد
 یا سنگ روی یخ شد و القصه خویش را
 در پیش چشم ناکس و کس شرمسار کرد
 ناگاه بی مقدمه آمد به حرف، سنگ
 این گونه گفت و سخت مرا بی قرار کرد:
 تنها به یک جوان فلسطینی ام بده
 با من ببین که می شود آنگه چه کار کرد!

دخپرونی به دی برخه کی له ملالی جان خخه هیله کوم چی خپله مقاله تاسو وواپی. مننه

محلی پولیس او دښځي پروړاندي تاوتریخوالی

محلی لاس پوځی پولیس د هیواد په گوټ، گوټ، په ښځو جنسی تیری کړی دی. چی دهغه له جملی څخه په جوزجان ولایت کی دمحلی پولیسو جنایت یادولی شو، په نوموړی ولایت کی محلی پولیسو په یوکور باندي چاپه واچوله او په نوموړی کور کی په ښځو باندي جنسی تیری وکړ. دنوموړی ښځو دکورنیو غړی وایی چی دوی د عدالت لپاره هره دروازه وټکوله خو هیڅ څوک پیدا نشو چی زمونږ غږ واورى.

گرانو هیواد والو

د جوزجان غمیزه په افغانستان کی ددغه وحشی صفته ځواکونو د جنایاتو یوه وړه بیلگه ده، که چیری وغواړو په افغانستان کی دپوشالی رژیم دمحلی پولیسو ټول جنایاتو څخه چی دښځو په وړاندي ترسره کړی دی یادونه وکړو شاید دنوموړی لیکنی له حوصلی بهر وی. که مونږ وغواړو چی په افغانستان دغسی ظلمونه ته دپای ټکی کیږدو په لمړی سر کی باید یرغل گر ځواکونه له هیواده وشړو او لاس پوځی رژیم ړنگ کړو او په دغه هیواد کی یو نوی دمکراتیک دولت رامنځ ته کړو.

ژوندی د وی اتم د مارچ د ښځو نړیواله ورځ!

“اتم د مارچ افغانستان د ښځوو ډله”

په ۲۰۰۱ کال غربی امپریالستانو دامریکایی امپریالیسم په رهبری په افغانستان باندي برید وکړ، غربی امپریالستانو چی کله افغانستان ترخپل ښکیلاک لاندی راوست. خپل یرغل د تروریزیم سره مبارزه، دمخدره توکو مخنیوی او دښځو آزادی تر عنوان لاندی توجیه کړ.

خو په عمل کی امریکایانو له ارتجاعی او دښځو ضد ډلو او گوندونو څخه په افغانستان کی ملاتړ وکړ په تیرو پنځه لس کلونو کی په افغانستان کی ښځی له بیلابیلو ستونزو سره مخامخ دی. خو د لاس پوځی رژیم په چوکاټ کی محلی مزدور پولیس تر ټولو ډیر دښځو پر وړاندي پرتاوتریخوالی کی ښکیل دی. دنوموړو ځواکونو طرحه په لمړی ځل د امریکایی یرغل گرو ځواکونو د عمومی قوماندان ډیویډ پټریوس لخواه منځ ته راغله نوموړی قوماندان په عراق کی د سنی جنگیالیو پروړاندي دغسی ځواک رامنځ ته کړ چی دغه ځواک په عراق څه ناڅه بریالی ثابت شو خو په افغانستان کی دمختلفو دلیلونو له وجی دغه طرحه ډیره بریالی نشوه، خو دغه ځواک (حربکیان) په افغانستان کی په بیلابیلو برخو کی لاس په جنایت پوری کړ چی دهغه له جملی څخه دښځو په وړاندي تاوتریخوالی یادولی شو.

له ملالی جان خخه دیره مننه

مثل یک درنای وحشی تا افق پرواز کن
 قصه ای دیگر برای فصل سرما ساز کن
 زندگی تکرار زخم کهنه ی دیروز نیست
 بال های خسته ات را رو به فردا باز کن

درین قسمت از محفل از **برادرمان ک.ی.م جان** ، تقاضا میکنم که به روی استیژ آمده و پیامی را که در وصف مادر دارد برایتان بخواند. لطفا خوب تشویق اش نمایید.

در وصف مادر

من به پرواز نمی اندیشم

به تو می اندیشم به تو که بهتر از اندیشه ی یک پروازی



روز جهانی زن، مبارک!

این شعر را تقدیم میکنم به مادر عزیزم و تمام مادران دنیا ...



یک حرف و دو حرف بر زبانم

الفاظ نهاد و گفتن آموخت

دستم بگرفت و پا به پا برد

تا شیوه راه رفتن آموخت

پس هستی من زهستی اوست

تا هستم و هست دارمش دوست

با تشکر

تشکر از برادرمان ک.ی.م جان

یکی در خواب می میرد، یکی بیدار میمیرد

یکی بیمار، بی دارو، یکی افکار می میرد

یکی در زندگی از خویشتن بیزار می میرد

یکی یکدم، یکی کم کم

یکی مانند من بسیار می میرد

یکی یکجا، یکی هر جا

یکی گم گشته در امشب، یکی آوازه در فردا

یکی در خانه خود، در ته آوار می میرد

یکی در باغ با تیشه

یکی از شاخه تا ریشه

یک گرد گل شب بود

یکی هم بوته خود رو

به دشت خار می میرد

یکی در بلبل خوش خوان آوازش

یکی هم در پرستوهای پروازش

یکی در آهوی آزادگی در چنگل گرگی

یکی هم رمه رمه، گوسپندی وار می میرد

یکی یک گوشه جاده

ز پا و پویه افتاده

یکی در سرو ایستاده

برای سرفرازی های خود بر دار می میرد

یکی چادر نشین روبروی ارگ باداری

گدای نان گه و گاهی

و مرده کودکش در آرزوی تیکه یی از مرغ یا ماهی

که دودش می رسد از کاخ ها، روز و شبانگاهی

به روی برف و یخ، در سرپناه بی در و دیوار می میرد

یکی در پیش پای خود

یکی هم تا فرای خود

یکی در دل، یکی در تن

یکی آری، یکی انگار، می میرد

ولی در این همه هر گونه مردن ها

بگو میهن !

که هر یک بینوا یکبار می اید، چرا صد بار می میرد؟

چرا صد بار می میرد؟

چرا صد بار می میرد؟

در این قست محفل از خواهرمان **ب. ر جان** می خواهیم آنچه را تهیه دیده اند خدمت تان تقدیم نماید تا آمدنش

تشویق نمائید.

من هم به نوبه خود روز جهانی زن را تبریک عرض میکنم

شعری را آماده کرده ام که امیدوارم مورد توجه تان قرار بگیرد.

پیکار ما

در جهان تا ظلم باشد بر قرار

تا نظام زور باشد استوار

ضد ظلم و زور رزمیدن بیاست

ظالمان را سرنگون کردن رواست

زند بادا رزم ما پیکار ما

مرده بادا دشمن غدار ما

ابر و باد و ریزش باران نکوست

سیل مست و غرش توفان نکوست

تا بروبد این همه گرداب را

پاک سازد این همه مرداب را

سرزمین خشک گردد سبزه زار

کوهساران جمله گردد لاله زار

با تشکر از خواهر مان ب. ر جان

من و تو از تبار بی کسانیم

درین دنیا چه کس را کس بدانیم

کسی نشنیده فریاد کمک را

کمک کن تا برای هم بمانیم

حال از جناب آقای مبارز می‌خواهم آنچه تهیه دیده اند به سمع شما برساند تا آمدنش تشویق نمائید

این مقاله ارسالی یکی از دوستان دسته است، دوستی که خودش نتوانسته است در محفل شرکت نماید.

ضرورت ایجاد جنبش زنان در افغانستان

حتی به خشونت متوسل شد و در قندهار مخالفین فئودالی محافظه کار این " نهضت " را قهرا سرکوب نمود.

جنبش زنان در افغانستان به مفهوم نسبتا وسیع آن در واقع در دوره دموکراسی کذایی ظاهر شاهی (۱۳۴۲ - ۱۳۵۲) زمینه تبارز پیدا نمود. تا این زمان، مکاتب دخترانه در شهرها و بخشی از روستاهای کشور تا حد معینی گسترش یافته و یک قشر زنان با سواد به وجود آمده بود که در موسسات تعلیمی و اداری دولتی و در سطح محدودی در رشته طبابت به کار اشتغال داشت. درین دوره، همانگونه که جنبش های سیاسی گوناگون، بنا به موجودیت اوضاع مساعد کشوری و بین المللی، زمینه تبارز یافت، برای اولین بار زنان و دختران نیز بصورت نسبتا وسیعی در فعالیت های سیاسی دخیل شدند و یک جنبش نسبتا وسیع زنان، بیرون از کنترل دربار و حتی در مخالفت با آن به وجود آمد. در مواجهه با چنین وضعیتی، دربار دست به سرکوب نزد، بلکه در مقام رقابت، " جمعیت زنان " (د میرمنو تولنه) را به وجود آورد، یک زن وفادار به دربار را وزارت بخشید و به زنان حق شرکت در انتخابات پارلمانی و حق وکالت " اعطا " نمود. درین دوره، جنبش زنان، با خصوصیت ضد دولتی، در مکاتب دخترانه، دانشگاه کابل و همچنان در میان زنان و دختران شهری شاغل در بیرون از خانه، وسعت یافت. به این ترتیب، این جنبش کماکان از خصوصیت شهری بودن و عدم حضور در روستاهای کشور یعنی از عدم حضور در میان هشتاد در صد نفوس زنان کشور رنج می برد.

با خاتمه یافتن دوره دموکراسی کذایی ظاهر شاهی و شروع دوره پنجساله استبداد داود خانی که این بار بنام " جمهوریت " پیش برده می شد، یکبار دیگر جنبش های سیاسی مخالف، و طبعاً جنبش سیاسی مخالف در میان زنان نیز، با فتور مواجه شدند. اما اصلاحات دامن زده شده از بالا در مورد زنان، توسط حاکمیت همچنان ادامه یافت.

کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ و به دنبال آن تجاوز قوای صد و پنجاه هزار نفری سوسیال امپریالیستی شوروی بر افغانستان و اشغال این کشور، سراسر جامعه را به شدت تکان داد و همه اقشار و طبقات جامعه وهمه

ناعادلانه خواهد بود اگر بگوییم که زنان افغانستان در طول تاریخ سازمان یا حرکتی سیاسی را تشکیل نداده اند، اما درست خواهد بود اگر بگوییم که حرکت های سیاسی زنانه در گذار تاریخ افغانستان، حرکت هایی از سوی زنان روشنفکر یا زنان حکومتی بوده است و این حرکت های سیاسی هرگز نتوانسته فراگیر شود و تا سطح زنان روستا به پیش رود. امروز وقت آن رسیده که ما جنبشی همه گیر تشکیل دهیم، جنبشی که اصلی ترین ویژگی آن حضور گسترده زنان خانه دار و زنان روستایی به معنای واقعی آن باشد.

می خواهم اشاره ی کوتاهی به حرکت های سیاسی زنان در طول تاریخ افغانستان داشته باشم:

اصلاحات در مورد وضعیت زنان در افغانستان برای اولین بار در زمان سلطنت امان الله خان (۱۲۹۸ - ۱۳۰۷ شمسی) شروع شد. این حرکت که " نهضت نسوان " یعنی جنبش زنان نامیده شد، حرکت روبنایی اصلاحی ای بود که توسط دربار و بصورت مشخص توسط شخص شاه امان الله دامن زده شد. طبعاً دامنه این حرکت محدود بود و حتی در شهر کابل به یک جنبش وسیع زنان مبدل نگردید، چه رسد به شهر های دیگر و دهات سراسر کشور.

اما همین حرکت محدود نیز با عکس العمل شدید ارتجاع فئودالی مواجه گردید و حتی قبل از سقوط سلطنت امان الله خان تا حد زیادی کنار گذاشته شد. سقوط سلطنت امان الله خان (۱۳۰۷ شمسی) در عین حال به معنی کنار گذاشته شدن کامل " نهضت نسوان " بود.

با شروع دوره نخست وزیری شاه محمود کاکای دیگر ظاهر شاه که دربار از حصار دیرین استبداد با گام های لرزان بیرون خزید و به جنبش سیاسی دوره هفت شورا (سال ۱۳۲۸ شمسی) برای مدتی زمینه بروز داد، اصلاحات دوره امانی در مورد زنان نیز یکبار دیگر از سر گرفته شد. علیرغم اینکه گشایش سیاسی دوره شاه محمود خان یک گشایش کوتاه مدت بود و به زودی جایش را به دوره استبدادی ده ساله نخست وزیری داود خان (۱۳۳۲ - ۱۳۴۲) داد، اما " نهضت نسوان " دامن زده شده توسط دربار ادامه یافت. داودخان برای ادامه این " نهضت "

متحدشان و به وجود آمدن " دولت اسلامی "، یک عقبگرد عظیم در مورد مسئله زنان در افغانستان را رقم زد. این عقبگرد، تقریباً تمامی دستاورد های بدست آمده جنبش زنان را به سوی نابودی سوق داد، کار زنان شهری در بیرون از خانه را وسیعاً محدود ساخت، تعداد دختران شامل در دانشگاه ها و مکاتب را وسیعاً تقلیل داد، حجاب اجباری را سرتاسری ساخت و زنان و دختران جوان و حتی خورد سال را به گروگانان و غنایم جنگی خانه جنگی های ددمنشانه باند های مختلف بنیادگرا تبدیل نمود. حتی دادگاه عالی دولت اسلامی، یک فتوا نامه شرعی مبنی بر بستن کامل مکاتب دخترانه، اخراج دختران و زنان از دانشگاه ها، دفاتر دولتی، کارخانجات و رادیو و تلویزیون صادر کرد. دولت اسلامی به دلیل تشتت، تفرقه درونی و عدم هماهنگی شدید ارگان های مختلف خود، قادر نگردید این فتوا نامه را بطور کامل تطبیق نماید. در واقع تطبیق کامل همین فتوا نامه، امری بود که توسط امارت اسلامی طالبان جامه عمل پوشید.

امارت اسلامی طالبان تقریباً تمامی مکاتب دخترانه را بست، دختران را از دانشگاه ها اخراج کرد، تمامی زنان شهری را مکلف به برقع پوشی نمود، کار بیرون از خانه زنان شهری را کاملاً از میان برد، مسافرت زنان بدون سرپرست مرد را ممنوع قرار داد و حتی بازار و حمام زنانه را به روی زنان بست. دسته های باند بد نام " امر به معروف و نهی از منکر " طالبان در کوچه ها و جاده های شهر های مختلف کشور، زنان و دخترانی را که حجاب شان مطابق به میل آنها نمی بود، در ملاء عام شلاق می زدند و تحقیر و توهین می کردند.

یکی از بهانه های فریبکارانه امپریالیست های امریکایی و انگلیسی برای اشغال افغانستان، از بین بردن شوونیزم غلیظ مرد سالارانه امارت اسلامی طالبان و تامین حقوق زنان است.

به این دلیل می گوئیم که این بهانه ی فریبکارانه ای بیش نبود که آنها بجای امارت اسلامی طالبان، رژیم دست نشانده ای را رویکار آورده اند که نیروهای ارتجاعی و شخصیت های مرد سالار و زن ستیز، بخش اعظم ترکیب آن را تشکیل داده اند. بینش این نیروها و شخصیت های ارتجاعی و اساس سیاست های شان، صرفنظر از تفاوت های جزئی، در واقع همان بینش و سیاست طالبان است. به همین جهت با اشغال افغانستان توسط امپریالیست های امریکایی و متحدین شان و رویکار آمدن رژیم دست نشانده آنها، مسئله زنان به مثابه گروگانی در دست غربی ها برای توجیه اشغال کشور و خیانت ملی مورد استفاده قرار گرفته و می گیرد، بدون اینکه کدام تفاوت اساسی در وضعیت توده های وسیع زنان به وجود آمده باشد.

البته هویدا است که یک قشر کوچک زنان توسط غرب و دولت دست نشانده پروروانده شده و به صورت نمایشی به روی صحنه آورده شده است تا زن ستیزی بنیادگرایان حاکم در رژیم دست نشانده را بپوشاند، اما افراد شامل در این قشر کوچک پروروانده شده توسط غرب و دولت دست نشانده، نه تنها به وزارت و وکالت رسانده شده اند، بلکه به مثابه سرمایه داران دلال تازه به دوران رسیده به بازار نیز راه یافته اند. (از بیانیه دسته هشت مارچ زنان افغانستان)

اما متأسفانه در یک و نیم دهه اخیر که امریکا کشور را اشغال کرد و دست نشانندگان خود را روی کار آورد، ما هیچ جنبش و سازمان زنانه سیاسی نداشته ایم. البته منظور من نهادهایی را که با پول های این کشور یا آن کشور ایجاد شده و مثلاً می خواهد حضور زنان در دولت را

زنان و مردان را به درون تلاطمات سیاسی و جنگ کشاند. از یکجانب رژیم دست نشانده اتحاد جماهیر شوروی " سازمان دموکراتیک زنان " وابسته به حزب مزدور حاکم را، به ویژه در شهرهای تحت حاکمیت اشغالگران و رژیم، وسعت بخشید، فرمانی در مورد لغو ازدواج های اجباری، " شیر بها " و طویانه و تثبیت حق ازدواج آزادانه زنان و دختران (فرمان نمبر هفت) صادر کرد، زنان را در بعضی موقعیت های دولتی بالا کشید و تا حدی در امور مربوط به اردو و پولیس دولتی دخیل ساخت و مکاتب دخترانه را توسعه داد. اما از جانب دیگر در مقاومت سرتاسری ای که علیه اشغالگران سوسیال امپریالیست و رژیم دست نشانده شان در سراسر روستاهای کشور و همچنان در شهرها بپا خاست، زنان و دختران خواسته یا نا خواسته وسیعاً شامل گردیدند.

فرمان نمبر هفت رژیم در سطح وسیعی نتیجه معکوس ببار آورد. ازدواج های اجباری در خفا گسترش یافت و مقدار " شیر بها " مخفیانه بیشتر گردید. زور گویی های بروکراتیک بخاطر اجرای اجباری این فرمان، خود زمینه ساز تصاحب " مجانی " دختران جوان توسط اوباش های وابسته به رژیم گردید. بد تر از همه، باند های ملیشه وابسته به رژیم، در مناطق جنوب، غرب و شمال کشور، دست باز یافتند که زنان و دختران جوان و زیبا را هر زمانی که بخواهند، تصاحب نمایند. وقتی این دست درازی ها وسعت یافت، زنان و دختران جوان وسیعاً به برقع پوشی روی آوردند تا از چشمان حریص ملیشه های ددمنش مصئون بمانند.

فرمان نمبر هفت رژیم، مهریه را از بین نبرد، بلکه مقدار آن را به سیصد (۳۰۰) افغانی پائین آورد. بنابراین اصل مهریه گیری و مهریه دهی پا بر جا باقی ماند و صرفاً مقدار آن نا چیز تعیین گردید؛ یعنی معامله خرید و فروش به حال خود باقی ماند ولی قیمت به شدت تنزل داده شد.

مهم ترین فرمان رژیم، یعنی فرمان نمبر هشت، که فرمان مربوط به اصلاحات ارضی بود، اساساً یک فرمان شوونیستی و صرفاً مردانه بود. درین فرمان حق ملکیت دهقانان بر زمین بصورت خانوادگی و صرفاً برای مردان خانواده ها تثبیت شده بود و توزیع زمین برای زنان بصورت مستقل اصلاً در نظر گرفته نشده بود.

جنايات و ددمنشی های رژیم و باداران شان، اکثریت عظیم زنان افغانستانی را نیز همانند مردان این کشور، در مخالفت با اشغالگران و رژیم دست نشانده شان قرار داد. زنان وسیعاً در مقاومت ضد شوروی دخیل گردیدند. اما به دلیل سلطه روز افرون نیروهای بنیاد گرای وابسته به غرب و ارتجاع منطقه و عرب بر این مقاومت، نقش شان صرفاً یک نقش سنتی باقی ماند. این نیروها به زنان اجازه ندادند که فعالانه در مقاومت ضد شوروی شرکت نمایند. آنها درین جنگ کشته می شدند، عزیزان شان را از دست می دادند، توسط نیروهای دشمن مورد تجاوز قرار می گرفتند و وسیعاً به آوارگی کشانده می شدند؛ اما اجازه نداشتند که اسلحه بردارند و بصورت مسلحانه در مقاومت شرکت نمایند. حتی نیروهای چپ مخالف شوروی و رژیم دست نشانده اش، که طی چند سال اول مقاومت در مبارزات مسلحانه بصورت نسبتاً وسیع شامل بودند، زنان و دختران را وسیعاً به فعالیت های جنگی سوق ندادند.

وقوع فاجعه هشت ثور ۱۳۷۱ یا تحویلدهی قدرت توسط بقایای رژیم بازمانده از دوران اشغال، به بنیاد گرایان اسلامی و ملیشه های

کنند و حمد و ثنای اشغالگران را بجا آورند. برای ما وزارت زنان ساختند، برای ما شبکه زنان ساختند، برای ما پروژه پروموت آوردند و صدها پروژه و برنامه ساختند تا اشغالگری شان را آرایش نمایند.

اما مشکل من و مشکل ۱۵ میلیون زن افغانستانی با برگزاری کنفرانس و سمینار دو روزه و یک بیلیون صدا و امثال هم حل نمی شود، اگر قرار بود حل شود، مطمئناً در همین یک و نیم دهه حل شده بود. پس باید نتیجه بگیریم که تا ما زنان خودمان برنخیزیم و خودمان برای حق مان مبارزه نکنیم، همین آش است و همین کاسه!

من رقم ۱۵ میلیون زن را به دلیل نفوس افغانستان در داخل کشور که در حدود ۳۰ میلیون نفر است می گویم. مسلماً تعداد زنان باید بیشتر از مردان باشد، چون مردان افغانستان عملاً در دو جبهه در حال جنگ هستند: در جبهه حکومتی و در جبهه طالبان و در کشتارهای اشغالگران نیز بیشتر مردان تلفات می دهند.

۱۵ میلیون زن، این رقم خیلی بزرگی است! خواهر من، در شرایط کنونی این ۱۵ میلیون نفر زیر چندین ستم قرار دارند: ستم امپریالیستی، ستم فیودالی و ستم بورژوا کمپرادوری که عمومی است و بر مرد و زن افغانستان است و نتیجه آن سلب استقلال و آزادی کشور و مردمان کشور، استثمار و فقر مستولی بر دهقانان و کارگران. اما ستم چهارم ستم مردسالاری یا پدر سالاری است که زنان از آن در رنج هستند.

یک زن خانه دار دست کم ۱۶ ساعت از ۲۴ ساعت شبانه روز را در حال جان کندن است، بشور، بپز، جارو کن، بزا، بزرگش کن و وسیله آرامش شوهرت را فراهم کن! دست آخر هم از تو به عنوان "نان خور اضافی!" یا چی می دانم "بیکاره!" یاد می شود یا می گویند "تو که از صبح تا شب خانه هستی، تو چی می فهمی ماندگی و کار چی است؟" و هزار و یک رقم نیش و کنایه. این است وضعیت زنان خانه دار، اما وضعیت زن دهقان و زن کارگر! ۸ تا ۱۰ ساعت را یا در محل کار یا در روی زمین کار می کنند، بعدش در حالی که نیش و کنایه شوهر، پدر، برادر، مادرشوهر و بعضی اوقات مادر را می شنوند، نان پخته می کنند و متباقی کارهای بشور و بپز و بچه داری را ادامه می دهند. زنان دهقان و کارگر کسانی اند که از همه دیرتر می خوابند و از همه زودتر بیدار می شوند. این تازه یک بخشی از زندگی آنان است، در بعد دیگر باید هزار و یک رقم فحش و پورزه را بشنوند و خود را کر بندازند و چه می دانم به خواهشات جنسی همکارت یا رییس که فکر می کند "زن بیرون" هستی، چون از چهار دیواری خانه بیرون آمدی، با هزار نفرت جواب رد بدهی.

ما آن ۱۵ میلیونی هستیم که هم زیر ستم هستیم، هم زجر می کشیم و هم فکر می کنیم باید منتظر باشیم یا در یک تظاهرات مدنی شرکت کنیم و خیلی صلح جویانه از دولت دست نشانده بخواهیم که عاملان فلان قضیه قتل و تجاوز و... را مجازات کنند. همان کاری که در ۱۶ سال گذشته اصلاً صورت نگرفته است.

ما باید راه درست مبارزه را پیدا کنیم و برای پیدا کردن آن باید زیر یک چتر قرار بگیریم، باید متحد شویم و جنبشی را تشکیل دهیم که از صدقه هیچ کشور یا سازمان خارجی و یا رژیم پوشالی تشکیل نشده باشد. ما باید متحد شویم، برای خودمان، برای نسل بعدی ما! و اینجا نقطه آغاز است.

از ۱۱ فیصد به ۱۳ یا ۱۴ برساند، نیست. چون اینها نه کار سیاسی می کنند و نه توده زنان افغانستان از حضور آنان آگاه است. اگر می گویم اشغال، منظورم دقیق همین کلمه است و نمی خواهم حاشیه روی کنم. هر چند امریکا با شعار احقاق حقوق زنان به افغانستان آمد و کارهای اندکی نیز انجام داد تا خاک به چشم ما زده باشد، اما حقیقت این است که امریکا به افغانستان آمد تا اهداف خود را متحقق کند. مهره های امریکا در افغانستان جنگسالارانی اند که از انجام هیچ جنایتی در افغانستان دریغ نکرده اند. آنها همه جنایت کاران تاریخ افغانستان اند، اما من به شدت نگران نسلی هستم که تاریخ این دو دهه را خواهند خواند و از این جنایتکاران وطن فروش به عنوان قهرمان یاد خواهند کرد. باید چشم مان را باز کنیم، باید از دایره قومیت بیرون شویم، باید عینک تعصب را برداریم و حقیقت را ببینیم.

ما امروز در شرایطی هستیم که به اصطلاح پرچم داران دموکراسی پشت خاین ترین، وطن فروش ترین و مرتجع ترین سیاسیون ایستاداند. امروز همه ما شاهد هستیم که انواع خشونت علیه زنان افغانستان صورت می گیرد.

(۱) زرينا دختر ۲۳ ساله باشنده ولایت بلخ به اثر خشونت های خانوادگی گوشه‌هایش توسط شوهرش بریده میشود.

(۲) پروین دختر ۲۰ ساله باشنده ولایت بامیان که حین رفتن به یکی از کورس‌های آموزشی به ضربات شدید چاقو از سوی فرد ناشناس بقتل میرسد.

(۳) نسیمه باشنده قریه جوند ولایت بادغیس با اتهام داشتن رابطه نامشروع با پسر خاله اش از سوی پدرش تیرباران شد.

(۴) بیک بی بی دختر ۲۳ ساله در روستای «خمبیل» یفتل بالا، توسط مولوی صفی الله مسوول طالبان در ولسوالی یفتل بدخشان به خاطر رد خواستگاری مسوول طالبان و سرپیچی از دستور او، تیرباران شد.

(۵) معصومه باشنده قریه خمبیل بالای ولایت بدخشان به اثر لث کوب توسط شوهرش شدیداً زخمی شده زمانیکه اقارب متضرر می‌خواهند وی را به شفاخانه انتقال دهند در میسر راه وفات میکند.

(۶) یاسمین باشنده ولایت کندز دو ماه قبل از سوی افراد ناشناس اختطاف گردیده بود و اکنون که آزاد گردیده در یکی از خانه های امن ولایت کندز زندگی میکند و ادعا دارد که درین مدت بیشتر از ۲۰ بار مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است.

این فقط چند قضیه‌ای بود که در کمتر از دو هفته به رسانه‌ها درز کرده بود، حالا شما فکر کنید که این آمار در یک ماه و یک سال چقدر خواهد بود؟

خواهر من، برادر من! اینجا آن جایی است که ما باید از دایره امن مان بیرون بیاییم، باید فکری برای این وضعیت بکنیم، باید خودمان آستین بالا بزنیم، مخصوصاً ما زنان. ما باید خودمان به این وضعیت یک "نه" محکم بگوییم و رشته کار را به دست خودمان بگیریم. در این یک و نیم دهه گذشته نهادها و سازمان های زنان با میلیاردها دالر فندهایی که امریکا و کشورهای غربی دادند، بوجود آمدند تا صد زن از میان ۱۵ میلیون زن افغانستانی روی یک چوکی نرم با معاش چند هزار دالری بنشینند و به نام زن افغانستانی روی استیج های جهانی سخنرانی

با تشکر از آقای مبارز

نظام فاسد امپریالیستی
رسیده در کمال و اوج مستی
الا هم سنگران وقت قیام است
که باید برکنیم او را زهستی

در این قسمت محفل سرودی را تهیه دیده ایم که خدمت تان تقدیم میکنیم. لطفا تا آمدن گروه سرود تشویق شان نمایید.

درود بر هشت مارچ

(پارچه سرود اجراء شده توسط گروه ترانه دختران)



درود ما ، درود ما به آن زنان
به آن زنان انقلابی جهان
درود ما ، به هشت مارچ به روز زن
به آن نبرد انقلاب بی امان
به انقلاب آتشین و بی امان
بی امان
به سوی یک هدف شویم همه روان
ما روان
هو هو
" به اتفاق و با همی و یکدلی
روانه ایم و میرویم و میرسیم
هو هو
به اتفاق و با همی و یکدلی
روانه ایم و میرویم و میرسیم"
درود ما ، درود ما به آن زنان
به آن زنان انقلابی جهان
درود ما ، به هشت مارچ به روز زن
به آن نبرد انقلاب بی امان

شعار ما، مبارزات بی امان
برای جنبش رهائی زنان
ندای ما ، " در اتحاد و یکدلی
برای کافه ملل برابری "
خموش باد، ظلم های ظلم ها

ظلم ها

" مباد زنده امتیاز جنس ها

جنس ها "

هو هو

" یکی شویم برادران و خواهران

برادران و خواهران یکی شویم

هو هو

یکی شویم برادران و خواهران

برادارن و خواهران یکی شویم "

درود ما ، درود ما به آن زنان

به آن زنان انقلابی جهان

درود ما ، به هشت مارچ به روز زن

به آن نبرد انقلاب بی امان

مبارزات، مبارزات با دوام

به سرنگونی کنونی نظام

ندای ما ، " در اتحاد و یکدلی

برای کافه ملل برابری "

نبرد های ما زنان این زمان

این زمان

زخشم توده ها نهفته جانیان

جانیان

" هو هو

یکی شویم برادران و خواهران

برادارن و خواهران یکی شویم

هو هو

یکی شویم برادران و خواهران

برادارن و خواهران یکی شویم "

درود ما ، درود ما به آن زنان

به آن زنان انقلابی جهان

درود ما ، به هشت مارچ به روز زن

به آن نبرد انقلاب بی امان ---- ۳

با تشکر!

ما تن به زور گویی ی طوفان نمی دهیم

امواج عزم راسخ ما رهنمای ماست

شب تیره، ره دراز و ما خسته خسته ایم

عشق رسیدن است که راز بقای ماست

درین قسمت از محفل از تقاضامندم تا زمزمه شعری را خدمت تان تقدیم کنند. تا آمدن شان تشویق

کنید لطفا.

در وصف زن

به یک شب خون مردانه در و دیوار را بشکن

دماغ دشمن مغرور مردم خوار را بشکن

هزاره کیست؟ پشتون کیست؟ تاجیک کیست؟ ازبک کیست؟

اساس فرقه سازی های استعمار را بشکن!

خاینین ملی دست نشانده و اشغالگران مرتجع داعشی
کار و پیکار کنیم، تا بتوانیم جهانی بسازیم، که عاری
از هرگونه ظلم ستم و رنج و بدبختی باشد و مساوات و
عدل و انصاف جای آنرا بگیرد.

درین روز خجسته تاریخی که به تجلیل مراسم هشتم
مارچ آمده ایم جای دارد به عرض برسانم که ما آمده ایم
تا با حضورمان جهان را دگرگون کنیم.

ما نیامده ایم تا پس از مرگ مان بگویند از کرم خاکی
هم بی آزارتر و از گاو مظلوم تر بود.

ما باید وجودمان، نفس کشیدن مان، راه رفتن مان، نگاه
مان، لبخند زدن مان هر یک مانند تیغ تیزی بر چشم و
گلوی بدکاران و ستم کاران باشد.

ما باید تمامی حرکات مان، رفتارمان، گفتارمان در جهت
سمت و سو دادن جامعه به سوی یک انقلاب عظیم
اجتماعی بر محور مقاومت همه جانبه ملی مردمی و
انقلابی متمرکز گردد.

ما به دنیا نیامدیم تا همچون گوسفندی زندگی کرده
باشیم که پس از مرگ مان گرگ و چوپان و سگ رمه
هر سه ستایش مان کنند.

ز زندان ناله زنجیر می آید به گوش امشب

تو چون یک مشت آهن شو، سپس با قوت بازو

عرض ادب و احترام دارم خدمت حاضرین در تالار و
تشکر میکنم ازینکه برایم فرصتی داده شد تا چند
لحظه در خدمت تان باشم.

من هم به نوبه خود هشتم مارچ روز جهانی زن را
به تمام زنان آزادیخواه جهان، علی الخصوص زنان
آزادیخواه سرزمینم و تمام حاضرین در تالار تبریک و
تهنیت عرض میکنم.

امسال خواستیم در کنار شما و دست در دست شما، هم
گام، همراه و هم صدا شویم!

خواستیم در یکصد و ششمین سالگرد روز زن، رویای
هزاران ساله زنان برای آزادی و برابری را با شما فریاد
کرده باشیم.

خواستیم فریاد کنیم که مبارزات زنان نشانه اتحاد
و همدلی و ادامه مبارزه آنان علیه هرگونه تبعیض و
اشکال ستم بر زن است.

امیدواریم تا بتوانیم دست در دست هم، پا به پای هم،
همصدا، همکلام شده و با تشریک مساعی زن و مرد در
کنار هم برای آرمان والای انقلاب و مقاومت همه جانبه
ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و

دختران خانواده هایشان را درین راه بسیج نمایند و درین راه شانه به شانه هم گام بردارند تا باشد ادعایی که در فکر و ضمیرشان نهاده شده، جامه عمل پیوشد و باشد تا بصورت مشترک یا همه به پیروزی برسیم و یا هیچ کس!

چون هشتم مارچ است و امروز به تجلیل این روز خجسته تاریخی گرد آمده ایم، شعری را که مخاطب آن شعر، بیشتر خانم ها و دخترخانم هاست، خدمت تان عرض میکنم که امیدوارم مورد پسندتان واقع شود.

ما باید جهان را دگرگون کنیم و برای دگرگونی این جهان هیچ راه دیگری غیر از تشریک مساعی زن و مرد در کنار هم وجود نخواهد داشت.

زنان نیم پیکر جامعه ما را تشکیل میدهند و ما نه میتوانیم ونه حق داریم نیم پیکر جامعه انسانی را نادیده بگیریم.

جای دارد از تمامی مردان انقلابی و دموکرات که چنین ادعاهائی دارند صمیمانه تقاضا کنم که باید نقطه قوتی باشند برای زنان و دختران خانواده هایشان، زنان و

با اینکه تو درگیر درد سوختن بودی

با اینکه در دنیای نامردان تو زن بودی

شلاق نامردی به روی صورت ات می خورد

آماج رنج بی شمار تاختن بودی

اندام نرم و نازک تو جرم سنگین بود

حقدار انواع ستم ها و زدن بودی

در دادگاه مرد مُثله می شدی هر روز

محکوم بر خاموشی و لب دوختن بودی

با اینکه مادر بودی، خواهر بودی و همسر

هر لحظه ی عمرت شکار سوطن بودی

می سوختی از ظلم و رنج مرد سالاری

در گیر درد و رنج های خویشتن بودی

وقتیکه پای مادر میهن به میدان بود

تو پاسدار و پاسبان این وطن بودی

با این همه درد که روی شانه هایت بود

زیباترین گل، گل نه، سرو این چمن بودی

وقتی که دست آسمان از خون تو رنگ است

سهم تو از روی زمین هر ذره اش سنگ است

وقتی شکار لذت و خودخواهی مردی

وقتی که از دنیا و از خود نیز دلسردی

وقتی که گوش و چشم این دنیا کر و کور است

وقتی دلیل برتری مردها زور است

آب از سرت بالا شده عصیانگری کن

قدرت بگیر، انکار از این برتری کن

حالا بیا و آستین بالا نما خواهر

ظلم و ستم را از زمین بالا نما خواهر

یوغ که روی گردنت انداخته بشکن

هر کس برایت این قفس را ساخته بشکن

ترس و حراس مردها را از دلت گم کن

بر هرچه ظلم و ظالم و ظلمت تهاجم کن

ظلم و ستم را با ستمگر ریشه کن کن

با هرچه ظالم جنگهای تن به تن کن

طرح نظام نو در این عالم بپا کن

دنیای نو برجای این دنیا بنا کن

با تشکر از

صدای جنس زن فریاد کردم
دلهم را با سرودن شاد کردم
به موسیقی ناب سرزمینم
ره و سبک نوی ایجاد کردم

در ختم محفل باز هم از خواهر عزیزمان **خانم سمیه جان** تقاضا مندم تا قطعه نامه دسته هشت مارچ زنان افغانستان را به سمع تان برساند تا آمدش تشویق نماید.

چون قطعه نامه دسته هشت مارچ زنان افغانستان، بصورت متحدالمال یک قطعه نامه در نقاط مختلف کشور بود، بدین لحاظ در ختم نشریه درج گردیده است تا از تکرار آن در نشریه جلوگیری شده باشد. لطفاً به صفحه ۶۰ مراجعه نمایید.

با تشکر از خواهر مان **سمیه جان**

عاقبت ای خاک جان بخش وطن می سازمت!
گر هزاران ره شوی ویرانه من می سازمت
گاه بیل اندر کف و گاهی قلم یعنی که من
با قلم
با بیل
ای خاک کهن می سازمت
من قوی بازویم و با آبرو و کارگر
با غبار صورت و خون بدن می سازمت
خصم گر همچون شهیدان پیکرم در گور کرد
من برون از گور گشته با کفن می سازمت
من برون از گور گشته با کفن می سازمت!!

با تشکر از حضور گرم یکایک شما عزیزان، باز هم در پایان محفل روز جهانی زن را تبریک عرض میکنم و امیدوارم که اگر در جریان محفل با کمی و کاستی از طرف ما روبرو شده باشید، عفو نمایید.

به امید روزی که بتوانیم در کنار هم، دست در دست هم، استقلال و آزادی کشورمان را به ارمغان بیاوریم.

پیش به سوی مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیستی و خائنین ملی دست نشانده شان و اشغالگران مرتجع داعشی!

زنده باد هشتم مارچ!

زنده باد مبارزات قهرمانانه زنان آزادیخواه سرزمینم!

ختم محفل امروزی را اعلام میکنم.

افتتاحیه

قهرمان را زنده نگه دارند و هم از منع خشونت و منع تبعیض علیه زنان و هم چنین از برقراری تساوی حقوق میان زنان و مردان دفاع نمایند.

ما این روز را به این خاطر تجلیل می‌نماییم تا یادآوری کنیم که از تجارب مثبت و منفی و فداکاری و قهرمانی این زنان که پیش رفتند و تسلیم نشدند آموخته و سرمشق گرفته و ادامه دهنده راه شان می‌باشیم.

برگزاری محافل گوناگون هشتم مارچ در سراسر جهان نشان‌دهنده آن است که زنان می‌توانند دوشادوش مردان انقلابی برای ایجاد جامعه‌ای که در آن نشانی از ستم نباشد گام بردارند و مبارزات خود را به پیش برند. برگزاری چنین محافلی بیان‌گر آن است که حقوق زنان تحفه‌آهدایی اشغال‌گران امپریالیست و رژیم‌های ارتجاعی نبوده بلکه این حق با زور و خون از آن‌ها گرفته شده است.

ما در این روز یادآوری می‌کنیم که از مبارزات زنان مبارز و قهرمان درس ایثار و فداکاری را آموختیم، و آموختیم تا در مقاومت علیه امپریالیست‌های اشغال‌گر، رژیم دست‌نشانده و هم‌چنین علیه اشغال‌گران داعشی از قربانی نهراسیم و با قبول تمام سختی‌ها و مصائب مبارزات مان را با جدیت هرچه بیشتر به پیش ببریم و مبارزه علیه سایر نیروهای قرون و سطایی را به فراموشی نسپاریم. بناءً ما این روز خجسته را به پاس مبارزات زنان مبارز افغانستان و جهان تجلیل می‌نماییم، تا باشد گامی در جهت رهایی زنان و ریشه کن نمودن استعمار، استثمار و ستم برداشته باشیم.

در چنین شرایطی که زنان در افغانستان به شدیدترین وجه مورد ستم قرار دارند، زنان مبارز و انقلابی باید هر چه بیشتر صفوف خویش را فشرده ساخته و در جهت بسیج و سازمان‌دهی زنان ستم‌دیده برای برپایی و پیش‌برد مقاومت همه‌جانبه ملی مردمی و انقلابی بخاطر بیرون راندن قهری اشغال‌گران امپریالیست و سرنگونی رژیم دست‌نشانده بکوشند. از طریق این مبارزات است که دوشادوش با مردان مبارز و انقلابی می‌توان اشغال‌گران را از کشور بیرون راند و خائنین ملی را از مسند قدرت به زیر کشید و با استقرار جامعه دموکراتیک نوین به سمت جامعه عاری از ستم به پیش رفت. بناءً از تمام زنان مبارز افغانستان می‌خواهیم که برای پیش‌برد این اهداف والا به "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" به پیوندند.

محفل امروزی ما شامل سخن‌رانی‌ها، مقالات، دکلمه‌ها و سرودهای انقلابی می‌باشد. امیدواریم تا آخر محفل ما را همراهی نمایید.

خانم‌ها و آقایان درودهای گرم ما نثار تان باد!

تشریف‌آوری شما عزیزان را در گرامی‌داشت از هشتم مارچ روز جهانی زن خیر مقدم می‌گوییم.

روز هشتم مارچ روزی است که دولت امپریالیست امریکا به روی زنانی که بخاطر بدست آوردن حقوق خود تظاهرات نموده بودند، آتش گشودند و جاده‌های شهر نیویارک امریکا را بخون زنان کارگر گلگون نمودند. امپریالیزم امریکا بخاطر تحکیم هر چه بیشتر منافع سرمایه‌داران به این خون‌ریزی بسنده ننمود بلکه تعدادی از زنان را بازداشت و زندانی و به محاکمه کشانید.

ما خوشحالیم از اینکه روز هشتم مارچ را با شما و در کنار شما تجلیل می‌نماییم و یاد و خاطرات زنان قهرمان شهر نیویارک امریکا و بقیه زنان قهرمانی را که علیه بیدادگران زمان جنگیدند و جان‌های شان را فدا ساختند زنده نگه میداریم.

به همین ترتیب ما این روز را تجلیل می‌نماییم تا یاد و خاطره زنان قهرمان و مبارز افغانستان را که علیه استعمار انگلیس و سوسیال امپریالیزم شوروی مبارزه نموده و جان‌های شان را فدا ساختند و هم‌چنین آن زنان افغانستانی را که امروز که در زیر چتر اشغال‌گران به شدیدترین وجه مورد ستم قرار می‌گیرند، دست به خودسوزی می‌زنند، سوزانده می‌شوند و یا به اشکال گوناگون به قتل می‌رسند و مورد تجاوزات جنسی و وحشیانه قرار می‌گیرند، گرامی بداریم.

امروز در داخل افغانستان اشغال‌گران امپریالیست و رژیم دست‌نشانده شان این روز را تجلیل می‌نمایند. آن‌ها با این تجلیل می‌خواهند وانمود سازند که این روز از طرف اشغال‌گران به زنان اهدا گردیده است!

ما این روز را تجلیل می‌نماییم تا با صدای بلند بگوئیم که این روز، روزی نیست که از طرف امپریالیست‌ها و یا رژیم‌های ارتجاعی به زنان اهدا شده باشد، بلکه این روز مانند روز اول می‌روزی است که زنان در اثر مبارزات خونین و قربانی‌های زیاد بدست آورده‌اند. روز هشتم مارچ روزی است که بنام زنان قهرمان و مبارز گره خورده و ثبت تاریخ گردیده است.

این روز، روزی است که زنان مبارز بدون در نظر گرفتن قوم، نژاد، مذهب، رنگ و زبان در کنار هم ایستادند و جاده‌های شهر نیویارک امریکا را با خون خود گلگون نمودند. امروز نیز زنان جهان راه زنان مبارز را ادامه داده در سراسر جهان بدون در نظر داشت قوم، ملیت، زبان، نژاد و مذهب در کنار یکدیگر می‌ایستند و این روز را تجلیل می‌نمایند تا هم یاد و خاطره زنان

انانسر برنامه:

خانم ها و آقایان درودهای گرم ما را پذیرا شوید!

رسانه ها تجاوزات جنسی از طرف قوماندانان مسلح رژیم دست نشانده و یا بقتل رساندن دختر و یا زنی از طرف پدر و یا شوهرش نباشیم.

امروز لت و کوب و آزار و اذیت های خیابانی برای زنان به یک امر عادی تبدیل گردیده است. آن چیزی که امروز بیشتر از همه برای زنان افغانستان در زیر پر و بال اشغالگران نگران کننده است، تجاوزات جنسی و قتل زنان است که به طور وسیع و وحشیانه صورت می گیرد. تمام این ستم ها با ستم امپریالیستی گره خورده است.

در شرایط کنونی افغانستان زنان مبارز فقط با درک این وضعیت و بالا بردن آگاهی سیاسی خویش می توانند دوشادوش مردان مبارز و انقلابی برای نابودی ستم امپریالیستی، ستم طبقاتی و ستم شوونیستی مردسالار مبارزات عادلانه خود را پیش برند و با بیرون راندن اشغالگران از کشور، سرنگونی رژیم دست نشانده و ایجاد جامعه نوین به سوی جامعه عاری از هر نوع ستم حرکت نمایند.

در این قسمت محفل از خواهرمان " — جان تقاضامندیم آنچه را که تهیه دیده اند به سمع شما برسانند. لطفاً کف بزنید!

ستم بر زن در افغانستان با ستم امپریالیستی گره خورده است

اولین بیدادگری طبقات با ستم مرد بر زن شروع گردید. از زمانی که مالکیت خصوصی بر وسایل تولید به وجود آمد، زن وابسته به پدر و شوهر گردید و مهرتائید بر بردگی زن گذاشته شد. پایه بردگی زن علل اجتماعی و اقتصادی دارد. از زمان ایجاد طبقات زن به عنوان جنس درجه دوم قلمداد و قابل خرید و فروش گردید. یا به عبارت دیگر زن به عنوان کالا عرضه گردید.

امروز زنان افغانستان در زیر بال و پر اشغالگران امپریالیست مورد تجاوزات جنسی وحشیانه قرار می گیرند، گوش و بینی و لب های شان بریده می شود، انگشتان دست و پای شان قطع می گردد، سوزانده می شوند و بقتل می رسند. هیچ باز پرسى وجود ندارد تا به این مشکل و ستم وحشیانه رسیدگی نماید. زیرا زن در چنین سیستمی کالا است و ملکیت مرد به حساب می آید.

امروز صدها دختر خورده سال و جوان در اثر قحطی و گرسنگی توسط پدر به پول ناچیز به خاطر زنده ماندن چند روزه فامیل

روز هشتم مارچ روز جهانی زن را به شما حضار گرامی و تمامی زنان جهان و بخصوص زنان ستم دیده افغانستان مبارکباد می گویم.

یکبار دیگر روز هشتم مارچ روز جهانی زن فرا رسید. این روز باز هم در حالی فرا رسیده است که در افغانستان اشغال شده، زنان با انواع و اقسام ستم، آزار و اذیت جنسیتی روبرو اند.

این روز در حالی فرا رسیده است که تمام این جنایات در حق زنان در زیر چتر اشغالگران و رژیم دست نشانده صورت می گیرد. دامنه این جنایات آنقدر وسیع و گسترده است که نمی توان آنرا در چند سطر و یا چند صفحه بیان نمود.

با حضور اشغالگران امپریالیست نه تنها تغییرات مثبتی در زندگی زنان بوجود نیامده بلکه روز بروز دامنه خشونت، بریدن گوش، بینی و لب، قطع انگشتان دست و پا و هم چنین تجاوزات جنسی و قتل زنان وسیعتر و گسترده تر گردیده است.

امروز در افغانستان اشغال شده موضوع خشونت علیه زنان سر لوحه تمام رسانه ها است. شبی نیست که از طریق

از زمانی که طبقات پا به عرصه وجود گذاشت، زنان محکوم گردیده، تحت استثمار و ستم قرار گرفته و سنن و قوانین غیر انسانی بالای شان تطبیق گردیده است.

زمانی که دوره مادر سالاری از میان رفت و دوره پدر سالاری شروع گردید زنان تحت ستم مردان قرار گرفتند. از آن به بعد مردان از زنان کار کشیدند و آنان را به عنوان اشیاء جنسی قابل تملک قلمداد نمودند. این برخورد با زنان تا به امروز ادامه یافته است. یعنی پس از اهلی نمودن حیوانات یا شروع مال داری و هم چنان شروع زراعت، زیر دست بودن زنان به عنوان همسران نیز شروع گردید. جامعه مرد سالار تا کنون توانسته مالکیت خود را بر زن بطور مستمر نگهدارد.

از زمان تقسیم جامعه به طبقات تا الحال زن همیشه چون کالائی مورد معامله قرار گرفته است. از آن پس، زن اسیر اقتصادی و بنده شهوت مرد و افزار ساده توالد و تناسل گردید و مرد در خانه فرمانروای مطلق شد.

امروز در افغانستان اشغال شده کسانی که حکم می‌رانند میهن‌فروش‌ترین و خاین‌ترین افرادند. با تسلیم شدن حزب اسلامی به اشغالگران و رژیم دست‌نشانده این دستگاه کاملتر گردید. لذا قوی‌ترین رگه‌های فساد، رذالت، فحشا و جنایت در وجودشان نهادینه شده است.

آن‌چه که امروز ستون فقرات این همه ستم‌ها را تشکیل می‌دهد و از موجودیت این ستم‌ها با آتش و خون پاس‌داری می‌کند، در حقیقت قدرت سیاسی‌ای است که توسط اشغالگران امپریالیست بر توده‌های زحمت‌کش تحمیل گردیده است.

پایان دادن به این شب‌های سیاه طولانی فقط با مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی اعم از زنان و مردان زحمت‌کش جهت بیرون راندن اشغالگران امپریالیست و سرنگونی رژیم دست‌نشانده امکان‌پذیر است.

زننده باد دسته هشت مارچ زنان افغانستان!

مرگ بر اشغالگران امپریالیست و خاینین ملی!

فروخته می‌شوند. امروز تعداد زیادی از زنان هزاره جات و دیگر مناطق کشور به فقدان مواد غذایی و حداقل حفظ‌الصحه به شدیدترین امراض ساری مبتلا گردیده‌اند. هر روز صدها بار توهین و تحقیر می‌شوند، در سرمای زمستان و گرمای تابستان در زیر زمینی‌های نمناک و مغاره‌های کوه زندگی را سپری می‌کنند.

این حادثات بیان‌کننده درد و رنج و غم زنان، توأم با اشک و آه و ناله است. این حادثات بیان‌گر جنایات اشغالگران و رژیم پوشالی در قرن ۲۱ است. این حادثات بطور واضح و آشکار بیان‌کننده آن است که عفت، شرف و حیثیت زنان در زیر چتر اشغالگران به باد فنا رفته و گل عفت‌شان پرپر می‌شود.

تمام این مسائل نه افسانه است و نه هم خواب و خیال، بلکه واقعیت‌هایی از جنایات قلدرمنشان تفنگ‌بدست و اراکین بلند پایه دولتی است که مورد حمایت اشغالگران و رژیم پوشالی قرار دارند.

در طول ۱۶ سالی که از عمر ننگین رژیم پوشالی می‌گذرد، هزاران جنایاتی از این قبیل اتفاق افتاده که هیچ‌کدام مورد تعقیب و پی‌گرد قرار نگرفته است و بعد از این هم قرار نخواهد گرفت.

با تشکر از خواهر مان م. جان.

در پیچ و تاب طره خوبان سیم‌تن
در ژرفنای جام
وندر طنین خنده بی‌باک دختران
هنگامه «نشاط جوانی» نهفته است.
اما دریغ و درد که این خنده‌های مست
آوازه سرور
افسانه نشاط
از کید روبه‌بان ستم پیشه زبون
در شام‌گاه تیره افسون‌ناکسان
اندر گلوی دختر دهقان فسرده است.
اما دریغ و درد که اندر دیار ما
گرگان حيله گر
در قلب این مگاک به یغما همی برند
پیمانانها زهستی بی‌انتهای خلق
با حیل و فسون.

در این قسمت محفل خواهرمان فاطمه جان افغان می‌خواهم شعر زیبایی را دکلمه نماید. تا آمدنش تشویق نمایید.

خیزید تا که محشر سرخی بپا کنیم

عهدی سپرده ایم به مردم، به جا کنیم	خیزید تا که محشر سرخی بپا کنیم
سره‌های دشمنان زن‌شان جدا کنیم	با دست خشم خلق و شمشیر انقلاب
در موج آن، چو ماهی مستی‌شنا کنیم	جاری شود چو سیل خروشنده ز خون
بروی نعل مرتجعین رقص‌ها کنیم	درافت‌خار مرگ پراز ننگ دشمنان
با طعم تازیانه‌ی خود آشنا کنیم	پشت هر آنکه پشت به مردم نموده است
با مرز سرخ سنگر خود را جدا کنیم	خطی کشیم بین ترقی و ارتجاع
یعنی گره زکار ستم‌دیده واکنیم	بندیم دست غارت بیداد سخت سخت
دامان جهل و وحشت و ظلمت رها کنیم	روشن کنیم دیده ز خورشید معرفت
زخم درون سینه مردم دوا کنیم	همچون طبیب حاذق دمی شویم ما
دین کبیر خلق زگردن اداء کنیم	ما را به اشک و خون جگر پروریده اند
"سرمد" بپا که کام دل‌شان روا کنیم	خلقی به صد امید به ما بسته اند دل

با تشکر از خواهر مان فاطمه جان.

امروز فقط حرف‌های احمقانه بی‌خطر اند
 گره بر ابرو نداشتن، از بی‌احساسی خبر می‌دهد،
 و آنکه می‌خندد، هنوز خبر هولناک را نشنیده است.
 این چه زمانه ایست که
 حرف زدن از درختان عین جنایت است
 وقتی از این همه تباهی چیزی نگفته باشیم!
 کسی که آرام به راه خود می‌رود گناهکار است
 زیرا دوستانی که در تنگنا هستند
 دیگر به او دسترسی ندارند.

برشت

حال از گروه موسیقی می‌خواهم با سرود انقلابی خویش محفل ما را رنگین تر سازند. تا آمدن شان تشویق نمایید.

پارچه آهنگ اول:

دو موجود ز هستی گرامی تر است

یکی میهن و دیگرش مادر است

به شام غریبان قسم

به صبح یتیمان قسم

دو موجود ز هستی گرامی تر است

یکی میهن و دیگرش مادر است

ستایش کنم زن که او مادر است

که مادر سزاوار زیب و فر است

به شام غریبان قسم

به صبح یتیمان قسم

دو موجود ز هستی گرامی تر است

یکی میهن و دیگرش مادر است

تو ای مادر من تو ای میهن من

شوم خاک در آغوشت ای سرور من

به شام غریبان قسم

به صبح یتیمان قسم

دو موجود ز هستی گرامی تر است

یکی میهن و دیگرش مادر است

به هر دین و آیین به هر کیش و راه

سر سجده باشد به مادر روا

به شام غریبان قسم

به صبح یتیمان قسم

دو موجود ز هستی گرامی تر است

یکی میهن و دیگرش مادر است



پارچه آهنگ دوم (شعر از سیروس ۱ جنوری ۲۰۱۷)

میهن

برای میهنی پر مهر و آباد
برای توده های شاد و آزاد
برای گونه ی طفل یتیمان
برای رزم نو سنگر کنیم حاد
قسم بر توده ها و اشک مادر
قسم بر آستان مرز و بندر

دیگر نیست اش کنیم این خصم بدکار
دیگر غرق اش دهیم در آب و یکسر
هر آن خصمی که با میهن بتازد
نموی سبز این میدان بکاهد
قسم بر پاکِ خون شهیدان
که خاک آن دیگر، از خون بگرید
چسان محوش کنیم، گورش ببینیم
نخواهیم تا دیگر رویش ببینیم
بپاخیزیم دیگر هجرش دهیم زار
دیگر نیست اش کنیم، خوارش ببینیم

سرود سرخ و رنگین باز خوانیم
شعار مرگ، به هر کین باز خوانیم
سرود جنگِ خلق و عشقِ توده
برای سبز بالین باز خوانیم
برای محو این ظلمت و ذلت
بپاخیزیم، بپاخیزیم با همت
بکاریم گندم بیداد و انبوه
بسازیم میهنی با شان و شوکت



با تشکر از گروه موسیقی

تا کی درون ظلمت شبها گریستن؟
 یا در پناه پرده پندار های پوچ
 بر آستان عشق و هوس دیده دوختن؟
 فریاد ها کشید!
 توفنده سیل سرکش زور آزما شوید!
 رزمنده سر کنید!
 رنگین چکامه های ستم سوز خویش را.
 تا موج روستا، "طغیان شهرها"
 توفنده تر شود،
 وز دوش توده ها، یک باره بگسلد
 زنجیر های حيله و تزویر و بندگی.
 وانگاه در طلیعه خورشید رستخیز
 مستانه سر کنیم
 زیبا ترانه های شگوفان زندگی
 از بوستان خرم و از مرغزار سبز
 وز شهر و روستا
 همواره بشنویم، امواج و پرخروش
 موج طنین خنده مغرور دختران...

در این قست محفل از آقای "ی. می" خواهیم آنچه را تهیه دیده اند خدمت تان تقدیم نمایند. تا آمدن شان تشویق نمایید.

حماسه میوند

درود تان باد

پریزادگان زمین، پرورندگان زمان، مادران دهر
زنان! درود تان باد

که در سیاهی قرون

گل مشت تان به رزم یک لحظه وانشد

و ایمان به صلح و عشق از یادتان جدا نشد

تا آنکه بند را از پای خسته وا کنید

و خود را از حبس قرن ها رها کنید

حال حاصل رزم تان را به میدان

شیپورها یاد می کنند

جهانیان به شوق نام تانرا فریاد می کنند

بر خرمن گل ها فراز آئید

و بر سکوی هشت مارچ

تا آنچه هست و نیست

در پیشگاه تان قیام کند

و زمان صلح جو

مرهمی از عاطفه تان وام کند

و بر درفش رزم تان پیچد باد

و جهان بانگ بر دارد

مادران، زنان، همراهان

روز تان مبارک.

حال می خواهم شعری از عبدالاله رستاخیز تحت نام حماسه میوند را خدمت تان تقدیم نمایم. این شعر در مورد زن قهرمانیکه (ملالی) لشکر شکست خورده افغانستانی ها را در میوند به پیروزی هدایت می کند سروده شده است.

ملالی با عبدالله ازدواج می کند، در شب عروسی زمانیکه عبدالله می خواهد بر دست ملالی حنا (خینه) بگذارد، ملالی به عبدالله می گوید برای تو شرم است که مردم علیه تجاوزکاران انگلیس در میوند مشغول جنگ اند و تو می خواهی بر دستم حنا بگذاری. عبدالله از جا می خیزد و به صف رزمندگان علیه تجاوزکاران انگلیسی می پیوند. زمانیکه عبدالله کشته میشود ملالی بیرق رزمندگان را بلند می کند. این هم شعر حماسه میوند.

حماسه میوند

قرنها در بستر سرد زمین

باد زهر اگین مغرب سرکش و مغرور

هر زمان،

انسان محنت آشنای شرق را

با هزاران حيله و نیرنگ و افسون پلید

تا پسین شوم بیخودهمرهی می کرد

از دغای جیره خوران فرنگ

پیکر رنجور دهقان زیر پای ناکسان فتنه جو در میان تیره قبرستان نابودی فرو

بس جوانان روی نعش آدمیخواران بخون خفتند

خاک را با خون پاک خویش آغشتند

تا به کوهستان خاور، آتش پیکار بالا شد

تا خروشان باد شرق

بر دژ بیداد دد خویان مغرب حمله پیدا شد

در نخستین جرقه رزم و ستیز

کز محیط آریانا زین کهن ویرانه تا امروز

عرصه بیداد دزدان است

چابک و سوزنده در پرواز

شعله ها در کاخ جور برده سازان کرد
 عاقبت در صبحگاهی روشن و رخشان
 لشکر آزادگان در پهنه میوند
 هر کجا آماده پیکار
 سینه ها از کین دشمن سخت مالمال
 دست ها در کار
 تا کشند از روزگار دشمن میهن دمار
 با طلوع آتش پیکار خونین مادران
 از عقب گاه جوانان کوزه ها بر دوش
 سینه ها پر جوش
 سوی سنگر آب می بردند
 ناگهان از کید دشمن رخنه اندر لشکری آزادگان افتاد
 آه... پرچمدار افغان کشته شد
 پرچم رزم دلیران هم بخاک افتاد
 اندرین هنگامه از اقصی لشکر دختری
 قهرمان شیر زن نام آوری
 آذرخشی تند گامی شعله آسا همچو برق
 با سرود رزم بر لب سوی پرچم در شتاب
 ساغر چشمان او از باده آزادگی بیتاب
 او ملالی دخت با ایمان شرق
 دختری زحمتکش دهقان شرق
 پرچم افغانیان بردوش کرد
 گفتگوی ناکسان خاموش کرد
 دیده ها یک لحظه شد حیران او
 نعره مردانه بر لشکر کشید
 کز نهیبش خاطر دشمن پریشان شد
 روی بسوی رزم جویان این چنین فریاد زد
که په میوند شهید نشوی
خدای زما لالیه بی ننگی ته دی ساتنه
 این ندا در لشکری آزادگان افتاد
 راد مردان همچو شیران در نبرد
 دشمنان افتان و خیزان در گریز
 بعد از آن در دفتر تاریخ خلق
 با خطی زرین
 در کنار نام آن دخت دلیر! قهرمان بنوشته اند
 آری آری بعد از آن پیوسته تا امروز
 باد خاور سرکش و طوفنده و مغرور
 چون پیام فتح و پیروزی
 بر سموم سرد و زهر آگین دشمن نیک پیروز است، پیروز است

این دختر افغان که از طبقه زحمتکش بود و ماهیت انقلابی ضد تجاوز و اشغالگری داشت، پرچم مبارزه را بدست گرفت و تا آخرین نفس های زندگی آنرا بر افراشته نگهداشت. گرچه این دختر افغان در این میانه شهید می شود، اما ایستادگی و مقاومت او در مقابل تجاوزکاران انگلیسی ستودنی است و قطره های خون او حماسه میوند را راه گشای آیندگان مبارزان راه آزادی می سازد.

پس از شهادت آن دختر خون های رزم آوران بجوش می آید و صف خود را فشرده تر می کنند و بر ضد کاستی ها و ناراستی ها هر چه بیشتر عصیان می کنند. دختر افغان با سرود گرم زنده باد آزادی بر لب به پیشواز مرگ زودرس می رود، اما از خون او هزاران فدایی دیگر پدید می آید و راه او را ادامه می دهند.

زنان آگاه، پیشتاز و از خود گذشته که توقف را نمی شناسند و شاید آنرا ننگ می دانند دلبسته حرکت رفتن و پویائی اند، با هر چه دشواری و نا همواری و ستم به مبارزه و ستیز بر می خیزند. برای بدست آوردن ارزش های انسانی پیکار می کنند.

امروز ملالی ها، ناهیدها و هزاران زن قهرمان که برای رهایی میهن عزیز خود مبارزه کرده اند و جان های شان را از دست داده اند، در تاریخ پر افتخار ما برای همیشه زنده و جاوید اند.

روحشان شاد و یاد شان گرامی باد

بر آر دست به پیکار و قهرمانی کن **ز بهر حفظ وطن خیز و جان فشانی کن**
درین مبارزه با کاروان آزادی **تو در مصاف دلیران هم عنانی کن**

بانوی هموطنم

سر تعظیم فرود می آورم

به چنین شوکت و تابوت شکنی

لیک از پا منشین

چونکه یک عمر ستم

تو زنا مردی مردان دیدی

این طلسمی که شکستی کنون

گام اول، ولی

سازنده است

بانوی هموطنم

زندگی را به فردا رقم باید زد

نگذار بیش از این

عزت دختر فردا به یغما ببرند.

با تشکر از آقای " ی . "

از طرف دیگر ستم جنسیتی از استثمار طبقاتی ناشی می‌شود. لذا تا زمانی که در جامعه طبقات و استثمار وجود داشته باشد، تأمین حقوق مساوی میان مردان و زنان نیز ناممکن است. همان طوری که ستم جنسیتی با ستم امپریالیستی گره خورده است، امپریالیست‌ها که خود متشکل از استثمارگران جهانخوار هستند، حامی استثمارگران و طبقات ستم‌گر بومی می‌باشند.

زنان وقتی به آزادی کامل می‌رسند که این عوامل اساسی از میان برداشته شود. این بدان معنی نیست که زنان تا زمان برداشتن این موانع بنشینند و نظاره‌گر باشند، بلکه مبارزات زنان علیه ستم جنسیتی به نوبه خود ضربات مهلکی بر مناسبات مبتنی بر استثمار طبقاتی و ستم امپریالیستی وارد می‌نماید.

پس بر زنان رزمنده است که مبارزه برای تأمین حقوق و آزادی‌شان را با مبارزه بخاطر استقلال و آزادی ملی و مبارزه برای یک جامعه و جهان فارغ از استثمار طبقاتی عمیقاً پیوند دهند.

در این قسمت محفل از خواهرمان "ع. ل. ز. ه" تقاضا نمودم تا دکلمه زیبایی را به سمع شما برساند. تا آمدنش تشویق نمایید.

از زمانی که اشغال‌گران امپریالیست کشور ما را به مستعمره خود تبدیل نمودند مبارزات زنان کشور مضمون و شکل بسیار حساسی را به خود گرفته است. اشغال‌گران امپریالیست و رژیم دست‌نشانده سخت تلاش می‌ورزند که با دادن امتیازاتی به قشر کوچکی از زنان افغانستان، مسئله زنان را مورد استفاده سوء قرار دهند و طوری وانمود سازند که زنان افغانستان به آزادی رسیده‌اند. با این حرکات فریب‌کارانه می‌کوشند تا زنان موضوع استقلال کشور و آزادی مردمان کشور را به فراموشی بسپارند.

وظیفه و رسالت زنان مبارز است تا با توطئه‌های اشغال‌گران و رژیم دست‌نشانده به مبارزه برخیزند و آن را خنثی نمایند. از طریق مبارزات انقلابی است که زنان می‌توانند رابطه میان استقلال و آزادی کشور و مردمان کشور را با آزادی و حقوق زنان، برای زنان روشن سازند. بدون تأمین استقلال و آزادی ملی کشور و مردمان کشور، آزادی حقیقی برای توده‌های ستمدیده و بخصوص زنان نمی‌تواند به وجود آید. از سوی دیگر بدون تأمین آزادی و حقوق حقه زنان، استقلال و آزادی واقعی ملی نیز نمی‌تواند به دست آید. دلیل آن روشن است. وجه مهمی از ستم جنسیتی را ستم جنسیتی امپریالیستی تشکیل می‌دهد که پیوند با ستم ملی امپریالیستی قرار دارد و در شرایط اشغال امپریالیستی نقش عمده بازی می‌نماید.

برخیز!...

ای مرکز یأس و نا رسایی!

ای محور فقر و بینوایی!

تا چند کرخت و سرد و بی‌جان،

چون پیکر خشک مومیایی؟

ننگ است به بازوی توانا

آویخته کاسه گدایی

مرگست رهین بخت بودن

با این همه شور کد خدایی

ای خفته به بستر مذلت!

بشنو سخنی ز این فدایی:

برخیز ز خواب مرگ برخیز

برخیز و به حادثات بستیز

ای مأمَن آرزو و آمال!
تا کی به سَم زمانه پامال؟
این سان که تویی ندیده دوران
بیچاره و بینوا و بی حال
بودی چو عقاب و آسمان ریخت
در کنج قفس ترا پر و بال
آخر چه شد آن جهان گشایی
آن عصر پُر از شکوه و اجلال؟
تا عظمت پار باز گردد
زین بعد فرو گذار اهمال
برخیز ز خواب مرگ برخیز
برخیز و به حادثات بستیز
ای دوست! جهان نه جای خواب است
هستی همه رهن اضطراب است
از بهر زمین فلک کند کار
گل حاصل زحمت سحاب است
هر کس ره ارتقاء بیوید
هر ذره به فکر آفتاب است
قانون تکامل است جاری
بنگر به جهان چه انقلاب است
آخر تو چرا نَجَنبِی از جا
تا کی اثر تو در حجاب است
برخیز ز خواب مرگ برخیز
برخیز و به حادثات بستیز
امروز زمان، زمان کار است
آسوده کسی که بیقرار است
خشتی که بدست عشق مانند
شالوده کاخ افتخار است
آن سر که ز فکر خلق عاریست
شایسته حلقه‌های دار است
از سنگ ستم شکسته بهتر
آن دل که به سینه بی شرار است
منشین به امید غیر زین بیش
میهن به ره تو انتظار است
برخیز ز خواب مرگ برخیز
برخیز و به حادثات بستیز

با تشکر از خواهر مان ع.ل.ز.د.

بر سینه ات نشست

زخم عمیق کاری دشمن

اما

ای سرو ایستاده نیافتادی

این رسم توست که ایستاده بمیری.

بزرگترین بدبختی آدمی این است که در برابر ستم جرأت طغیان را از دست دهد.

جان کلام!

زندگی این جا است که طغیان برضد بیدادگری دوام یابد. لحظه ای که انسان ستم را به آسانی تحمل کند آن زمان شوم ترین دوره حیاتش آغاز می‌گردد...

" برشت "

حال از خواهر مان **تهمینه وفا** می‌خواهم که با سخنانش به گرمی محفل ما بیافزاید. تا آمدنش تشویق نمائید.

راه اساسی مبارزه علیه ستم بر زنان

مبدل گردید، روابط میان زن و مرد نیز به مناسبات ستمگرانه و ظالمانه تبدیل شد. بنابراین ریشه ستم جنسیتی، مناسبات تولیدی ستمگرانه استوار بر سیستم طبقاتی می‌باشد. لذا راه اساسی نابودی ستم جنسیتی از میان برداشتن سیستم طبقاتی و مناسبات تولیدی ستمگرانه است.

لازم است نکات مهم درین مبحث را کمی بیشتر مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهیم.

بطور تقریبی تاریخ موجودیت انسان‌های اولیه در روی زمین به بیشتر از ۲ میلیون (۲۰۰۰۰۰۰) سال می‌رسد. اما انسان‌های معاصر در حدود دوصد هزار (۲۰۰۰۰۰) سال پیش وجود داشته‌اند. بنابراین انسان‌های اولیه انسان گونه‌هایی بودند که در نهایت به انسان‌های معاصر تکامل کردند و جای‌شان را به انسان‌های معاصر دادند. نه تنها انسان‌های اولیه در طول دوران موجودیت بیشتر از یک میلیون و هشتصد هزار (۱۸۰۰۰۰۰) ساله خود، بلکه انسان‌های معاصر نیز در طول دوران موجودیت بیشتر از یکصد و نود هزار (۱۹۰۰۰۰) ساله خود در داخل مناسبات تولیدی و غیر طبقاتی کمون اولیه زندگی می‌کردند.

مناسبات تولیدی طبقاتی اولیه و در پهلوی آن خانواده مردسالار (متشکل از یک مرد و چند یا چندین زن که اولین نشانه‌های ستمگری جنسیتی مردسالارانه بود) در کمتر از ده هزار (۱۰۰۰۰) سال پیش در جهان پدیدار گردید.

روز جهانی زن را به تمامی زنان تحت ستم افغانستان و جهان تبریک عرض می‌کنم. این روز را به تمامی مردان طرفدار حقوق و مبارزات زنان نیز تبریک می‌گویم. روز هشت مارچ را بطور خاص به تمامی زنان و مردان حاضر در محفل امروزی مبارک باد می‌گویم.

روز هشت مارچ یا روز جهانی زن، روز تجلیل از مبارزات زنان علیه ستم است. بنابراین خیلی لازم است که بطور خاص در چنین روزی در مورد راه اساسی مبارزه علیه ستم بر زنان حرف بزنیم. دانستن راه اساسی مبارزه علیه ستم بر زنان در قدم اول مستلزم آن است که علت اساسی تحت ستم قرار گرفتن و قرار داشتن زنان را بدانیم.

تحت ستم بودن زنان یک امر طبیعی نیست، بلکه یک امر اجتماعی-اقتصادی است. به عبارت دیگر تحت ستم بودن زنان دلیل بیولوژیکی و طبیعی ندارد، بلکه دلیل اجتماعی-اقتصادی دارد. به همین جهت ستم بر زنان غیر قابل اجتناب و دایمی نبوده است و بعد از این نیز غیر قابل اجتناب و دایمی نخواهد بود.

رابطه میان تکامل مناسبات تولیدی جامعه در کل و تکامل مناسبات تولیدی نسل انسان یا مناسبات میان زن و مرد بطور خاص، مستقیماً رابطه میان کل و جزء است. تا زمانی که مناسبات تولیدی جامعه بطور کل مناسبات ستمگرانه نبود، مناسبات میان زن و مرد نیز مناسبات ستمگرانه و ظالمانه نبود. اما همین که مناسبات تولیدی به مناسبات ستمگرانه

به وجود آمد. تعدادی از مردان در قبایل مالدار گله‌های حیوانات اهلی و در قبایل زراعت پیشه، ابزار زراعتی و غلات ذخیره شده و زمین‌های زراعتی را در اختیار گرفتند. در نتیجه طبقات به وجود آمدند و اولین طبقه مالک از رؤسا و جنگ‌جویان قبایل تشکیل گردید. به این ترتیب، دوران مناسبات کمون اولیه پشت سر گذاشته شد و در اثر آن روابط میان زنان و مردان نیز به روابط و مناسبات ستم‌گرانه و ظالمانه تبدیل گردید.

مردهای طبقه مالک قرابت و قوانین مربوط به ارث را بر اساس "حق پدری" تعیین کردند و قرابت بر اساس "حق مادری" و در کل "حق مادری" از میان رفت و "مردسالاری" و "پدرسالاری" بر مناسبات میان زنان و مردان و والدین و اولاد حاکم گردید.

بنابراین با وجودی که ستم بر زنان یکی از قدیمی‌ترین نوع ستم است، اما این بدان معنا نیست که زنان همیشه و از ابتدای پیدایش بشریت تحت ستم مردها قرار داشته‌اند. استثمار، ظلم و ستم انسان‌ها بالای هم‌دیگر از نقش‌های متفاوت جنسی و طبیعی انسان‌ها ناشی نمی‌شود، بلکه مبتنی بر رابطه متفاوت شان با نیروهای مؤلده - شامل نیروی کار و وسایل تولید (ابزار کار و موضوع کار) - و همچنان مبتنی بر نقش شان در جریان تولید و توزیع تولیدات و بطور خلاصه ناشی از وجود نظام اجتماعی طبقاتی است.

لذا منشاء ستم جنسیتی، طبقاتی بودن جامعه است. تنها با پیش‌برد مبارزه برای تأمین حقوق زنان در متن مبارزه برای از بین بردن نظام اجتماعی طبقاتی می‌توان ستم جنسیتی را پایان بخشید. تا زمانی که نظام اجتماعی طبقاتی وجود داشته باشد اشکال گوناگون استثمار و ستم، منجمله ستم جنسیتی بر زنان، نیز وجود خواهد داشت.

بنابراین راه اساسی مبارزه علیه ستم بر زنان، مبارزه برای انقلاب اجتماعی بخاطر پایان دادن به استثمار طبقاتی و سایر اشکال ظلم و ستم انسان‌ها علیه هم‌دیگر است.

این است دور نمای غایی مبارزاتی ما. اما برای متحقق شدن این دور نمای غایی مبارزاتی، ما باید مراحل مختلف مبارزاتی را مؤفقانه پشت سر بگذاریم و به اهداف حداقل و حداکثر انقلابی خود دست بیابیم.

در شرایط کنونی افغانستان دست‌یابی به اهداف حداقل انقلاب، مستلزم عبور مؤفقانه از مرحله مبارزاتی مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغال‌گران امپریالیست، اشغال‌گران مرتجع داعشی و رژیم دست‌نشانده است. بدون پیش‌برد چنین مقاومتی سخن گفتن از پیش‌برد مبارزه اساسی برای نابودی ستم بر زنان یک یاوه‌گویی محض است.

به این ترتیب انسان‌های اولیه و انسان‌های معاصر در مجموع بیشتر از ۹۹/۵٪ زندگی اجتماعی‌شان را در مناسبات کمون اولیه یعنی در مناسبات فاقد استثمار طبقاتی و ستم جنسیتی سپری کرده‌اند و صرفاً کمتر از ۰/۵٪ یعنی کمتر از نیم فیصد زندگی اجتماعی‌شان را در مناسبات مبتنی بر استثمار طبقاتی و ستم جنسیتی بسر برده‌اند.

اگر صرفاً مجموع زندگی اجتماعی انسان‌های معاصر را در نظر بگیریم می‌بینیم که در بیشتر از ۹۵٪ حیات اجتماعی‌شان در داخل مناسبات کمون اولیه یعنی مناسبات فاقد استثمار طبقاتی و ستم جنسیتی قرار داشته‌اند و فقط در کمتر از ۵٪ حیات اجتماعی‌شان در داخل مناسبات تولیدی مبتنی بر استثمار طبقاتی و ستم جنسیتی قرار داشته‌اند.

چرا انسان‌های اولیه و انسان‌های معاصر برای مدت‌های طولانی در داخل مناسبات کمون اولیه بسر برده‌اند؟ زیرا که در طول این مدت، امرار معاش، دفاع در مقابل حیوانات وحشی و مقابله با آب و هوا و شرایط نامناسب طبیعی برای انسان‌ها خیلی سخت بود و آن‌ها مجبور بودند که به شکل گروهی زندگی کنند. در تمام این مدت، ابزار کار انسان برای تهیه غذا و پناه‌گاه بسیار ابتدایی و حاصل نیروی کار انسان بسیار کم بود. شیوه اصلی تهیه غذا جمع‌آوری دانه‌ها، میوه‌ها و ریشه‌های گیاهان وحشی و شکار حیوانات کوچک بود. این غذا قابل ذخیره کردن نبود و انسان‌ها فقط می‌توانستند به اندازه احتیاجات روزانه‌شان مواد غذایی تهیه کنند. در نتیجه اضافه از احتیاجات روز مره ذخیره‌ای به وجود نمی‌آمد تا کسی بتواند آن را به صورت خصوصی صاحب شود.

چون زنان و مردان نقش مساوی در تولید احتیاجات قبیله داشتند دارای قدرت و حقوق مساوی نیز بودند. کار میان زنان و مردان عموماً به صورت طبیعی تقسیم شده بود. زنان به دلیل نقش شان در تولید مثل، معمولاً در یک محل ساکن بودند و علاوه بر تولید مثل بیشتر به جمع‌آوری دانه‌ها، میوه‌ها و ریشه‌های گیاهان وحشی می‌پرداختند. برعکس کار اصلی مردان شکار حیوانات بود که گاهی نتیجه می‌داد و گاهی نتیجه نمی‌داد. به همین جهت قبایل متکی بر تجمع و کار زنان در یک محل بودند. در نتیجه، قرابت‌ها بر اساس "حق مادری" بود و هر فرد مربوط به قبیله مادری خود بود. "حق مادری" عامل بسیار مهمی بود که باعث شده بود زنان در قبیله از ارزش و مقام خاصی برخوردار گردند.

انسان‌ها به تدریج با زراعت و مال‌داری آشنا شدند و با اختراع و تکامل ابزار کار از ابزار چوبی و سنگی به ابزار فلزی مسی، برنجی و آهنی حاصل کارشان را افزایش دادند و توانستند غلات را ذخیره کنند، گله‌ها حیوانات اهلی به وجود آورند و یا به کشت و زرع بپردازند. از این جا بود که ثروت‌اندوزی

با تشکر از خواهر مان تهمینه وفا

سلام بر زنانی که با راه انداختن جنبش رهایی بخش زنان علیه بیدادگری و ستم جنسیتی که زنان را از حقوق شان محروم ساخته و به عقب دیوارهای خانه زندانی نموده به مبارزه برخاسته اند.

این واقعیت تلخ را باید بطور واضح و روشن بیان نمود که: تا زمان موجودیت طبقات در جامعه میلیاردها زن در زیر بار ظلم و ستم به سر می بردند، علیه آن‌ها تبعیض جنسیتی و ستم مرد سالارانه اعمال می گردد، محرومیت از تمامی حقوق سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر آن‌ها تحمیل می شود و زنان از شرکت فعال در این عرصه‌ها محروم می مانند. تمام این واقعیت‌های تلخ ریشه در مناسبات ظالمانه اجتماعی و تولیدی دارد و به همین ترتیب ریشه این مناسبات در پیوند تنگاتنگ با ستم امپریالیستی قرار دارد. در کشورهای عقب مانده و اشغال شده ای همچو افغانستان حتی اهانت و حقارت نسبت به زنان روا داشته می شود و آن‌ها را موجودات ناقص العقل به حساب می آورند. در حالی که استعداد و توانمندی زنان کم تر از استعداد و توانمندی مردان نبوده و نیست. این موضوع را علم نیز به اثبات رسانده است که زنان به قدر کافی از استعداد و توانمندی ای که مردان برخوردارند، برخوردار می باشند. این شایعات و برخوردهای غیر انسانی در مورد زنان از طرف طبقه حاکمه ارتجاعی در سطح جهان و بخصوص کشورهای عقب مانده تبلیغ و ترویج می گردد.

قابل یاد آوری است که در مدت تقریباً پنج دهه جنگ در افغانستان، در زیر سلطه نظام هایی که با زور سرنیزه و سلطه اجانب به وجود آمده، چه در جنگ مقاومت علیه سوسیال امپریالیزم، چه در جنگ‌های ارتجاعی و خانمانسوز تنظیم‌های جهادی، چه در دوران سیاه و تحجر گرایی طالبانی و چه بعد از اشغال افغانستان توسط امپریالیزم امریکا و متحدینش، زنان در تمام عرصه‌های زندگی از حقوق اساسی شان محروم ساخته شده اند.

بناء ما روز جهانی زن را به خاطری تجلیل می نمایم که از یک طرف قهرمانی‌ها و فداکاری‌های زنان مبارز جهان و بخصوص زنان مبارز افغانستان را که جان‌های شان را بخاطر آزادی و استقلال از دست داده اند گرامی بداریم و از سوی دیگر زنان را به دور یک خط انقلابی بخاطر رهایی‌شان از قید هرگونه ظلم و ستم و استثمار فراخوانیم. این یگانه راهی است که زنان و مردان انقلابی دوشادوش هم با سایر زحمتکشان کشور می توانند کاخ هرگونه ظلم، استثمار و ستم را ویران کنند و بر فراز ویرانه های آن درفش استقلال و آزادی را به اهتزاز در آورند و جامعه ای عاری از ظلم و ستم را بنا سازند.

باز هم از گروه سرود می خواهیم تا با سرود انقلابی دیگری محفل ما را گرم تر سازند. لطفاً تشویق شان نمایید.

سرود نار جنگ (پارچه آهنگ سوم)

مشعل دوستی ما روشنی کردیم

نی فریب خوریم نی جدا گردیم

پر زورتریم از دلان خون

با کینه با جنگ ما در نبردیم

آید ندای صلح بر پا به پیش

ای تشنه های صلح با ما به پیش

بهر زندگی بهر نسل نو

زیر لوای صلح یکجا به پیش

“ابوالقاسم لاهوتی“

تاکی نار جنگ سوزاند جهان

تاکی غرق خون جسم کودکان

برخیز بهر صلح ای نوع بشر

خلق هر کشور اهل هر زبان

ما بیشماریم در هر دیاریم

عادی مردمان افواج کاریم

قتل و غارت را هم اسارت را

از همه دنیا ما بر میداریم

می‌روم رویای خود پیدا کنم

می‌روم رویای خود پیدا کنم
 لحظهٔ دیروز را رسوا کنم
 می‌روم تا از برای میهنم
 لشکر زحمت‌کشان یک‌جا کنم
 در پی آزادی این زندگی
 می‌روم تا خویشتن دریا کنم
 تا کنون دیوانگی را رفته ام
 حالیا فرزاندگی برپا کنم
 می‌روم تا در فروغ زندگی
 «سینه را جولانگه دریا کنم»
 در پی آزادی این مرز و بوم
 می‌روم تا رزم نو برپا کنم
 در پی رویای خود، ای میهنم
 جان خود در راه تو اهدا کنم
 در پی آزادی این سرزمین
 نسل نو هم‌گام با فردا کنم
 عزت "سیروس" و "آهنگر" شوم
 شعلهٔ این سرزمین، "اخگر" شوم
 تا بسازم اقتدار ملک خود
 وز برای ملت من سنگر شوم
 کسب استقلال و آزادی خوش است
 انقلاب و راه آبادی خوش است
 هم‌گنان من توئی ای هم‌وطن
 هم‌کلام من توئی ای هم‌وطن
 عشق و هستی حاصل این زندگی است
 رمز هستی راز و رمز زندگی است
 پس بیا با ما بیا ای نوجوان
 تا بسازیم لشکری از هم‌رهان
 برکنیم بنیاد ظلم و زور را
 عدل و داد آید اندر آن زمان
 هم بسازیم سرزمین خود ودان
 هم بسازیم این زمین خود ودان

حال از خواهرمان **ترنم طنین** می‌خواهیم با سخنان خود به گرمی محفل ما بیافزاید. تا آمدنش تشویق نمایید.

ابعاد مختلف مبارزه علیه ستم بر زن در افغانستان کنونی

جنگی مورد تجاوز، تصاحب و حتی خرید و فروش و قرار گرفتن در مسیر بردگی جنسی در کشورهای خارجی قرار می‌گرفتند.

در آن زمان صدها زن و دختر جوان منطقه شمالی توسط به اصطلاح جهادی‌های خارجی شامل در صفوف نیروهای جنگی طالبان پس از اختطاف مفقود شدند که به احتمال زیاد باید به بیرون از کشور انتقال یافته باشند. سرنوشت تمامی این زنان و دختران هنوز معلوم نیست. این جنایت تا هنوز روح و روان اقارب دور و نزدیک آن زنان و دختران مفقود شده و سایر مردمان منطقه و کشور را رنج می‌دهد.

دسته ۸ مارچ زنان افغانستان افتخار دارد که در دهم جنوری و هشتم مارچ ۱۹۹۸ (اواخر سال ۱۳۷۶) در ضدیت علیه شوونیزم زن ستیزانه غلیظ طالبان پا به عرصه وجود گذاشت. در آن زمان شاه شجاع سوم یعنی سردمدار قبلی رژیم پوشاری و تعداد زیادی از قدرت‌مندان سابق و کنونی در رژیم دست‌نشانده رسماً با طالبان قطع رابطه کرده بودند و امپریالیست‌های امریکایی و انگلیسی و متحدین شان نیز بزنس مبارزه برای به اصطلاح دفاع از حقوق زنان را روی دست نداشتند.

بازهم دسته هشت مارچ زنان افغانستان افتخار دارد که وقتی افغانستان تحت اشغال امپریالیستی قرار گرفت و یک رژیم مرکب از جهادی‌ها و ملیشه‌های سابق توسط اشغال‌گران به جای امارت اسلامی طالبان نشانده شد، به عنوان اولین دسته مبارز زنان کشور در مخالفت و مبارزه علیه اشغال‌گران امپریالیست و رژیم پوشاری قرار گرفت.

برای ما از همان زمان روشن بود که اشغال‌گران امپریالیست حقوق زنان را توجیه‌گر تجاوز و اشغال‌گری‌شان ساخته‌اند. بنابراین ما بدون درنگ پیوستن به بزنس وارداتی امپریالیستی دفاع از حقوق زنان توسط امپریالیست‌های اشغال‌گر را قاطعانه رد کردیم، علیه دونه‌های اشغال‌گر این بزنس موضع‌گیری نمودیم و علیه آن‌ها بدون تأمل دست به مبارزه زدیم.

برای ما واضح بود که نیروهای جهادی و ملیشه‌های سابق، شامل در ترکیب رژیم دست‌نشانده، به‌ویژه رهبران شان، تا مغز استخوان شوونیزم مردسالار و زن ستیز هستند و اساساً موقوف طبقاتی، طرز تفکر و ایدیولوژی‌شان زن ستیزانه و مردسالارانه است. آن‌ها در زمان قدرت دولت به اصطلاح اسلامی شان از هیچ نوع ستم بر زنان دریغ نمی‌کردند و از جمله در جریان خانه جنگی‌های خانمان‌سوز ارتجاعی در میان شان، زنان و دختران را غنیمت جنگی محسوب می‌کردند. به همین سبب برای ما در همان اولین لحظات شکل‌گیری رژیم دست‌نشانده توسط اشغال‌گران امپریالیست به خوبی معلوم بود که رژیم دست‌نشانده رژیمی نیست که بتواند در راه از بین بردن ستم بر زنان و تأمین حقوق زنان گام‌های اساسی بردارد.

اکنون ۱۵ سال و چند ماه از شروع اشغال افغانستان توسط امپریالیست‌های امریکایی و انگلیسی و متحدین شان و شکل‌گیری رژیم دست‌نشانده می‌گذرد و ما می‌توانیم در تجربه

فرارسیدن ۸ مارچ روز جهانی زن در سال ۱۳۹۵ را به تمامی زنان و دختران ستم‌دیده جهان و افغانستان به خصوص زنان و دختران حاضر در محفل امروزی و تمامی مردان آزادی‌خواه و مدافع مبارزات زنان تبریک عرض می‌کنم. ظرف چند دقیقه‌ای که وقت شما را می‌گیرم، می‌خواهم به صورت مختصر در مورد ستم بر زنان در جامعه افغانستان صحبت نمایم. تلاشم این است که هرچه بیش‌تر مختصر صحبت نمایم. با این‌همه اگر سخنانم کمی طولانی شد، امیدوارم به بزرگی خودتان مرا عفو کنید.

وقتی امریکایی‌ها و انگلیسی‌ها در خزان سال ۲۰۰۱ به افغانستان لشکر کشی نمودند و پس از سرنگون ساختن امارت اسلامی طالبان، کشور ما را اشغال کردند، یکی از بهانه‌های اصلی شان در توجیه این لشکر کشی تجاوزکارانه و اشغال‌گرانه، از بین بردن شوونیزم زن ستیزانه طالبان و تأمین حقوق زنان افغانستان بود.

چرا می‌گوییم که شعار از بین بردن شوونیزم زن ستیزانه طالبان و تأمین حقوق زنان افغانستان فقط بهانه‌ای در توجیه تجاوز و اشغال‌گری امپریالیست‌ها بود؟ زیرا تا وقتی که منافع امپریالیست‌های امریکایی و انگلیسی ایجاب می‌نمود آن‌ها یک‌جا با وابستگان پاکستانی و عرب‌شان در ایجاد، تقویت و گسترش تحریک اسلامی طالبان سهم گرفتند و طالبان را به امارت رساندند. در آن زمان حکومت‌های امریکا و انگلیس، زن ستیزی و شوونیزم مردسالارانه غلیظ فیودالی طالبان را نادیده می‌گرفتند و سرنوشت زنان افغانستان اصلاً برای‌شان مطرح نبود. دقیقاً همان‌گونه که تمامی خصلت‌های ضد دموکراتیک و ضد حقوق بشری طالبان را نادیده می‌گرفتند. وقتی بوی نفت و گاز و بوی تأمین منافع استراتژیک شان در آسیای میانه از طریق طالبان به مشام شان می‌رسید، چیز دیگری برای‌شان اهمیت نداشت. بنابراین آن‌ها نیز به صورت مستقیم و غیر مستقیم مسئولیت رنج‌ها و دردهای تحمیل شده بر زنان توسط زن ستیزی غلیظ طالبان را بر عهده داشتند.

اما وقتی اوضاع فرق کرد و منافع شان را در رفتن امارت اسلامی طالبان دیدند، تمامی خصلت‌های ضد دموکراتیک، ضد حقوق بشری و ضد زن را علیه طالبان علم کردند، درست مثل این‌که خودشان درین مورد هیچ‌گونه مسئولیتی بر عهده نداشته بوده باشند.

در نخست باید بگویم که زن ستیزی امارت اسلامی طالبان واقعاً فوق‌العاده شدید و خشن بود. آن‌ها نه تنها تمامی مکاتب دخترانه در سراسر کشور را بستند، بلکه حتی حمام‌های زنانه را مسدود کردند و تمامی زنان را از ادارات و رادیو-تلویزیون اخراج کردند. در زمان امارت اسلامی طالبان فقط داکتران زن در شفاخانه‌ها به صورت اجباری کار می‌کردند. دسته‌های شلاق‌دار طالبان، زنان و دخترانی را که برقع‌پوشی و پوشش دل‌خواه طالبان را صد فیصد رعایت نمی‌کردند در ملای عام شلاق می‌زدند و آن‌ها را وادار می‌کردند که تمامی مقررات زن ستیزانه را موبه‌مو مراعات نمایند. در آن زمان در جریان خانه جنگی‌های خانمان‌سوز ارتجاعی، زنان و دختران توسط طرفین درگیر به عنوان غنیمت

به بردگی کشانده اند، باید با قاطعیت پیش برده شود. این مبارزه در واقع بخشی از مبارزه علیه اشغال‌گری ارتجاعی یک نیروی اشغال‌گر خارجی است و باید با قاطعیت پیش برده شود.

بر علاوه لازمی است که مبارزه علیه اشکال گوناگون ستم نیمه فیودالی بر زنان را که در مناطق تحت کنترل طالبان و توسط آن‌ها اعمال می‌گردد پیش برده شود. پیش‌برد این مبارزه که بخشی از کلیت مبارزه علیه شوونیزم مردسالار حاکم بر جامعه است، به این خاطر ضروری است که اولاً بخش مهمی از زنان کشور از آن رنج می‌برند و ثانیاً اشغال‌گران امپریالیست و رژیم پوشالی با بهانه قرار دادن و به اصطلاح مبارزه علیه آن، اشغال‌گری و وطن‌فروشی‌شان را توجیه می‌کنند و شعارهای دروغین در دفاع از حقوق زنان سر می‌دهند و بدین طریق از آن سوء استفاده می‌نمایند. بنابراین لازم و ضروری است که باید علیه آن به صورت جدی و در خدمت به وظایف مبارزاتی ملی ضد اشغال‌گران امپریالیست و ضد رژیم پوشالی مبارزه صورت بگیرد. به خصوص جدا لازم است که علیه زن ستیزی‌های ددمنشانه جهادی‌های خارجی موجود در صفوف طالبان، که از یک‌جهد داعشیان بالقوه محسوب می‌شوند، با قاطعیت مبارزه شود.

به این ترتیب وظیفه مبارزه علیه اشغال‌گران امپریالیست و رژیم پوشالی و فریب‌کاری‌های آنان در قبال زنان افغانستان و اعمال ستم بر آنان، وظیفه عمده مبارزاتی جنبش انقلابی زنان افغانستان است. در عین حال لازم است که علیه شوونیزم زن ستیز طالبان و مقدم بر آن علیه شوونیزم غلیظ زن ستیز ارتجاعی اشغال‌گرانه خارجی داعشیان و هم‌چنان داعشیان بالقوه موجود در صفوف طالبان نیز با قاطعیت مبارزه صورت بگیرد. اگر این وظایف مبارزاتی به صورت جدی و در حد لازم و ضروری آن پیش برده نشود، کلیت مبارزه علیه ستم بر زن ناقص می‌ماند و مبارزه علیه اشغال‌گران امپریالیست و رژیم دست نشانده نیز درست و همه جانبه پیش برده نمی‌شود.

پشه ای در استکان آمد فرود

تا بنوشد آنچه واپس مانده بود

کودکی از شیطنت بازی کنان

بست با دستش دهان استکان

پشه دیگر طعمه اش را لب نزد

جست تا از دام کودک وارهد

خشک لب میگشت حیران راه‌جو

زیر و بالا بسته هر سو راه او

روزی می جست در دیوار و در

تا به آزادی رسد بار دیگر

هرچه بر جهد و تکاپو می فرود

راه بیرون رفتن از چاهش نبود

آن قدر کوبید بر دیوار ســـــ

تا فرود افتاد خونین بال و پر

جان گرمی بود و آن نعمت لذیذ

لیک آزادی گرامی تر عزیز

عملی یک‌ونیم دهه گذشته ببینیم که: نه شوونیزم زن ستیزانه در اساس مورد ضربت قرار گرفته و نه حقوق اساسی زنان کشور تأمین گردیده است.

اگر از تمامی ستم‌های نیمه فیودالی مسلط بر زنان افغانستان از قبیل خشونت‌های خانوادگی و غیر خانوادگی، آزار و اذیت‌های خیابانی، گوش و بینی بریده شدن‌ها، ازدواج‌های اجباری، مورد معامله و خرید و فروش قرار گرفتن‌ها، خون‌بها داده شدن‌ها، محروم شدن از درس و تعلیم، محروم شدن از حقوق موروثی، محروم شدن از اولاد در صورت طلاق، زن بیوه ملک موروثی خانواده شوهر متوفی دانسته شدن، تبدیل شدن زندان‌های زنانه و خانه‌های امن رژیم به محل تجمع بردگان جنسی، عوامل گوناگون خودکشی‌ها و خودسوزی‌های زنان و دختران جوان، خودفروشی‌های اجباری و غیره، بگذریم می‌بینیم که دونه‌های اشغال‌گر قبل از همه مستی اندکی از زنان مدافع اشغال‌گری امپریالیستی را از لحاظ مالی تأمین می‌کنند تا آن‌ها به اصطلاح مبارزه برای حقوق زنان کشور را ترجمه و تفسیر وطن‌فروشانه نمایند و آن را در ضدیت با استقلال‌طلبی کشوری و آزادی‌خواهی ملی قرار دهند.

در حالی که درست برعکس این ترجمه و تفسیر وطن‌فروشانه، در شرایط اشغال کشور و حاکمیت پوشالی رژیم دست نشانده که وظیفه مبارزاتی ملی ضد اشغال‌گری امپریالیستی و ضد رژیم پوشالی در رأس همه وظایف مبارزاتی قرار می‌گیرد، وظیفه مبارزاتی برای حقوق زنان باید در پیوند با مبارزه ملی ضد اشغال‌گری امپریالیستی و حاکمیت پوشالی رژیم دست نشانده قرار گرفته و در تابعیت از آن پیش برده شود. اگر مبارزه برای حقوق زنان در شرایط فعلی در پیوند با مبارزه ملی ضد اشغال‌گری قرار نداشته و در تابعیت از آن پیش برده نشود، نه تنها یک مبارزه اصیل نیست، بلکه در نهایت فقط می‌تواند تلاشی در خدمت به اشغال‌گران امپریالیست و رژیم دست نشانده باشد.

بنابراین در شرایط کنونی مبارزه علیه ستم بر زن بخش جدایی ناپذیری از مبارزه ملی ضد اشغال‌گری امپریالیستی و ضد رژیم دست نشانده است و باید با جدیت و قاطعیت و در خدمت به آن پیش برده شود.

در واقع بزنس امپریالیستی وارداتی به اصطلاح دفاع از حقوق زنان که یک بزنس میلیارد دلاری است، برای آن‌که بازار گرم داشته باشد و کاروبار شاغلین مردانه و زنانه و هم‌چنان دونه‌های آن نیز پر رونق باشد، باید انواع گوناگون ستم بر زنان هم‌چنان وجود داشته باشد و ادامه یابد. در غیر آن نه بزنس مذکور باقی می‌ماند و نه کار و بار پر رونق دونه‌ها و شاغلین آن. مبارزه علیه این بزنس و دونه‌ها و شاغلین آن در شرایط کنونی بخشی از وظیفه عمده مبارزاتی ضد اشغال‌گران امپریالیست است و باید در خدمت به آن پیش برده شود. هم‌چنان ضروری است که باید مبارزه علیه اشکال گوناگون ستم نیمه فیودالی بر زنان که فوقاً برشمردیم و مستقیماً توسط رژیم دست نشانده و عمال آن عملی می‌گردد در ابعاد مختلف آن پیش برده شود.

هم‌چنان مبارزه علیه زن ستیزی غلیظ داعشیان که بر بخش‌های معینی از کشور تسلط یافته اند و تعدادی از زنان آن مناطق را

با تشکر از خواهر مان "ترنم طنین".

دنیای رؤیای من
 من در رؤیای خود دنیایی را می بینم
 که در آن هیچ انسانی
 انسان دیگر را خوار نمی شمارد
 زمین از عشق و دوستی سرشار است
 و صلح و آرامش، گذرگاه‌هایش را می آراید
 من در رؤیای خود دنیایی را می بینم که در آن
 همه‌گان راه گرامی آزادی را می شناسند
 حسد جان را نمی گزد
 و طمع روزگار را سیاه نمی کند.
 من در رؤیای خود دنیایی را می بینم که در آن
 سیاه یا سفید
 از هر نژادی که هستی
 از نعمت‌های گسترده زمین سهم می برد.
 هر انسانی آزاد است
 شور بختی، از شرم سر به زیر می افگند
 و شادی، همچون مروارید گران قیمت
 نیازهای تمامی بشریت را بر می آورد.
 چنین است دنیای رؤیای من!

در این قسمت محفل از **برادر مان سیروس** تقاضامندم تا آنچه را تهیه دیده است به سمع شما برساند. تا آمدنش تشویق نمائید.

زنی را میشناسم من! (شعری از فریبا شش بلوکی - از کتاب شبانه)

صدای جنس زن فریاد کردم
 دلم را با سرودن شاد کردم
 به موسیقی ناب سرزمینم
 ره و رسم نوی ایجاد کردم

دروود و عرض ادب و احترام دارم خدمت همه‌گی حضار گرامی که در محفل تجلیلیه از هشتم مارچ روز جهانی زن قدم رنجه فرمودید. من هم به نوبه خود روز ۸ مارچ روز جهانی زن را به همه زنان جهان و بخصوص زنان ستمدیده افغانستان تبریک می گویم.

شعری از فریبا شش بلوکی به خدمت تان میرسانم.

زنی را میشناسم من که شوق بال و پر دارد
 ولی از بس که پر شور است دو صد بیم از سفر دارد
 زنی را میشناسم من که در یک گوشه خانه
 میان شستن و پختن درون آشپز خانه
 سرود عشق میخواند نگاهش ساده و تنه‌است
 صدایش خسته و محزون امیدش در ته فرداست

زنی را میشناسم من که میگوید پشیمان است
 چرا دل را به او بسته کجا او لایق آنست
 زنی هم زیر لب گوید گریزانم از این خانه
 ولی از خود چنین پرسد
 چه کس موهای طفلم را پس از من میزند شانه
 زنی آبستن درد است زنی نوزاد غم دارد
 زنی می گرید و گوید به سینه شیر کم دارد
 زنی را میشناسم من که می میرد ز یک تحقیر
 ولی آواز میخواند که این است بازی تقدیر
 زنی با فقر میسازد زنی با اشک میخوابد
 زنی با حسرت و حیرت گنااهش را نمیداند
 زنی را میشناسم من که شعرش بوی غم دارد
 ولی میخندد و گوید که دنیا پیچ و خم دارد
 زنی را میشناسم من
 که هر شب کودکانش را به شعر و قصه میخواند
 اگرچه درد جانکاهی درون سینه اش دارد
 زنی میترسد از رفتن که او شمعی ست در خانه
 اگر بیرون رود از در چه تاریکست این خانه
 زنی شرمنده از کودک کنار سفرهء خالی
 که ای طفلم بخواب امشب
 بخواب آری و من تکرار خواهم کرد سرود لای لالایی
 زنی را میشناسم من که رنگ دامنش زرد است
 شب و روزش شده گریه که او نازای پر درد است
 زنی را میشناسم من که نای رفتنش رفته
 قدم هایش همه خسته
 دلش در زیر پاهایش زند فریاد که بسه
 زنی را میشناسم من
 که با شیطان نفس خود هزاران بار جنگیده
 و چون فاتح شده آخر به بدنامی بدکاران تمسخروار خندیده
 زنی آواز میخواند زنی خاموش میماند
 زنی حتی شبانگاهان میان کوچه میماند
 زنی در کار چون مرد است
 بدستش تاول درد است
 زبس که رنج و درد دارد
 فراموشش شده دیگر جنینی در شکم دارد
 زنی در بستر مرگ است زنی نزدیکی مرگ است
 سراغش را که میگیرد نمیدانم؟
 شبی در بستر کوچک زنی آهسته میمیرد
 زنی هم انتقامش را ز مرد هرزه میگیرد

با تشکر از برادر مان سیروس.

ای نور چشم "رابعه"، ای خواهر "ملال"
پهنای زندگی،
چون سینه تنگ نظران تنگ و تار نیست
هر ذره زین جهان
چون هوش رهنمای
روشن ستاره ایست به صحرای زندگی
باری، زخود بر آی!
در انجمن در آی!

بدترین بیسواد، بیسواد سیاسی است!

وی کور و کر است، درک سیاسی ندارد و نمی‌داند که هزینه‌های زندگی از قبیل قیمت نان، مسکن، دارو و درمان همگی وابسته به تصمیمات سیاسی هستند. او حتی به جهالت سیاسی خود افتخار کرده، سینه جلو می‌اندازد و میگوید که: «از سیاست بیزار است».

چنین آدم سبک مغزی نمی‌فهمد که بی توجهی به سیاست است که زنان فاحشه و کودکان خیابانی می‌سازد، قتل و غارت را زیاد می‌کند و از همه بدتر بر فساد صاحبان قدرت می‌افزاید.

"برشت"

در این قسمت محفل خواهر مان **آیدا دانش** قطعنامه دسته هشت مارچ را به سمع شما می‌رساند. تا آمدنش تشوق نمائید.

چون قطعنامه دسته هشت مارچ زنان افغانستان، بصورت متحدالامال یک قطعنامه در نقاط مختلف کشور بود، بدین لحاظ در ختم نشریه درج گردیده است تا از تکرار آن در نشریه جلوگیری شده باشد. لطفاً به صفحه ۶۰ مراجعه نمایید.

از حضور گرم یکایک شما عزیزان که تا آخر محفل ما را همراهی نمودید جهانی سپاس. باز هم در پایان محفل، روز جهانی زن را به همه شما تبریک عرض می‌کنم. به امید آن روزی که بتوانیم همه باهم در جنبش انقلابی وسیع زنان کشور رؤیای چندین هزار ساله زنان برای آزادی و برابری را فریاد کنیم.

ختم محفل امروز را اعلام می‌کنم.



برای رهایی زنان از قید مناسبات عقب مانده و ارتجاعی به انقلاب نیاز است

رژیم دست نشانده در سال ۲۰۰۹ قطعنامه مبارزه با خشونت علیه زنان را امضا کرد که تنها جنبه شکلی دارد و حتی سازمان‌های حقوق بشری هم که وابسته به ارگانهای امپریالیستی است عمل کرد رژیم در رابطه با این قطعنامه را بسیار ضعیف ارزیابی کرده‌اند و مورد نقد قرار داده‌اند، ولی در زمان قدرت کرسی رژیم حرکتی به مراتب ارتجاعی‌تر علیه حقوق زنان از خود نشان داد. کرسی "قانون احوالات شخصیه" را، که توسط شورای علمای شیعه صادر شده بود، رسماً تأیید و امضا نمود. این قانون به قدرت مردان در خانواده می‌افزاید. طبق این قانون حقوق اولیه بسیاری از زنان شیعه افغانستان نقص می‌گردد. این قانون به زنان حکم می‌کند که بدون اجازه شوهر مجاز به سفر و حتی خارج شدن از خانه نیستند. زنان نباید با مردان خارج از فامیل حتی در محل کار و مراکز تعلیمی یکجا بنشینند. در ماده ۱۳۲ این قانون آمده است که:

«زن موظف است، در هر زمان نیازهای جنسی شوهرش را ارضاء کند». ماده‌های دیگر این قانون به دلایلی حقوق زنان را خیلی محدود می‌کند. در این قانون سن ازدواج دختران از ۱۸ سال به ۱۶ سال کاهش می‌یابد. همچنان هرگونه حق زنان در طلاق و نگهداری فرزندان‌شان از آنان گرفته شده است. طبق این قانون زنان تنها وظیفه فرمان برداری از مردان را دارند.

۱۶ سال اشغال افغانستان نشان می‌دهد که امپریالیست‌ها و رژیم‌های دست نشانده آن‌ها نه قادر اند و نه خواهان آن هستند که با سنت‌های ارتجاعی و عقب مانده و ضدزن مبارزه کنند. آن‌ها مجبورند هر چه بیشتر خود را به این سنت‌ها و نیروهایی که نماینده این گونه سنت‌های ارتجاعی هستند هماهنگ سازند. برای رهایی زنان از قید مناسبات عقب مانده و ارتجاعی، به نظام انقلابی و مردمی احتیاج است که مناسبات ارتجاعی و عقب مانده را سرنگون نماید و مناسبات نوین و انسانی را جاگزین آن سازد؛ مناسباتی که هدفش خاتمه دادن هرگونه ستم و نا برابری باشد.

"ب."

شوونیزم مرد سالار در کشور مستعمره و نیمه فیودالی افغانستان یکی از مسایل مهم است. ستم بر زنان اساساً مرتبط به مناسبات و شیوه تولیدی است. در کشور مستعمره - نیمه فیودال افغانستان ستم بر زن ستم مضاعف است، یعنی ستم جنسیتی نیمه فیودالی و ستم جنسیتی امپریالیستی یکجا گردیده زنان را به صورت مضاعف مورد ستم قرار می‌دهد.

افغانستان کشوری است که در آن تضاد جنسیتی یکی از تضاد های مهم جامعه می باشد و توجه به آن لازمی است. این تضاد اساساً مربوط است به کل کشور. در صورتی که کل جامعه در قید اسارت باشد و تمامی مردمان آن از آزادی برخوردار نباشند زنان نیز نمی‌توانند آزاد باشند. جنبش زنان باید دید روشن در رابطه با تضادهای موجود در جامعه داشته باشد. در شرایطی که کشور در اشغال یک یا چندین کشور امپریالیستی باشد، وظیفه کل مردم آن سرزمین است که جهت آزادی کشور به مبارزه پردازند. البته آزادی جنسیتی نیز باید مورد توجه قرار گیرد و آنرا نباید نادیده بگیریم. زیرا شعارهای فریبنده رژیم مزدور خیلی از زنان را در توهم قرار داده است و این شعارها برای بسیاری از زنان این باور را ایجاد کرده است که زنان به حقوق حقه شان دست یافته‌اند. ایجاد وزارت امور زنان و نصب یک زن در وزارت تحصیلات عالی و خیلی از کرسی های مهم دولتی که نصیب زنان گردیده مبارزه حق طلبانه زنان را مشکل ساخته است و زنان را در توهم قرار داده است.

سیاست رژیم پوشالی در رابطه به زنان نتیجه اشغال امپریالیستی است و در تباری با این سیاست به پیش برده می شود. این سیاست ها همیشه در رابطه با زنان دو نوع برخورد متضاد دارد. از یک طرف تلاش‌های ناموفقی صورت می گیرد تا نمایش طرفداری از حقوق زنان اجرا شود و از طرف دیگر تلاش می‌کنند تا با کمک قوانین زن ستیزانه پایه‌های ستم بر زنان را مستحکم‌تر کنند. رژیم پوشالی که ترکیبی از تکنوکرات‌ها و بنیادگرایان جهادی است همیشه در برخوردهای شان در رابطه با زنان متضاد عمل می‌کنند. نمایشات و دموکراسی نمایی رژیم صرف به خاطر جلب کمک‌های دونه‌های شان است.

متن صحبت های آقای "طغیان"

ای زن ای زن من سلامت می کنم

بار بار من احترامت می کنم

ای زن ای زن ای رفیق راه من

جان و دل را من نثارت می کنم

که در چنین پست هایی گماشته میشوند فقط مسایل مالی را در نظر می گیرند و از حق و حقوق سایر زنان هیچگونه اطلاعی ندارند و دفاع نمی توانند. زیرا صلاحیت ندارند و فقط نوکری رژیم دست نشانده و حامیان آنها را انجام می دهند و همه شان به شکل سمبولیک هستند. زنها در ادارات دولتی به شکلی از اشکال مورد خشونت و آزار و اذیت جنسی قرار می گیرند. حتا در دانشگاه ها به خاطر کامیاب شدن و گرفتن نمره کامیابی از نزد استاد مورد خشونت جنسی قرار می گیرند. در چنین جامعه طبقاتی، ارتجاعیون زنان را ناقص العقل می دانند و جنس درجه دو حساب می کنند. یک خانواده بالای پسر خود زیاد مصرف می کند و او را در تحصیلات بخوبی کمک و همکاری می کند و مشوره می دهد. اما وقتی که نوبت به دختر می رسد او را ناقص العقل می گوید. میگوید برو دخترم تو دختر هستی و چون در آینده به درد پدر و مادر خود نمی خوری و خانه شوهر خود میروی ضرور نیست که در تحصیلات مصرف نمایم.

به امید روزی که جامعه انسانی بدون طبقه باشد و هیچ گونه ظلم و ستم در آن وجود نداشته باشد و زنان و مردان در کنار هم باشند و هیچ زنی مورد ظلم و ستم و تجاوز قرار نگیرد. به امید جهان عاری از هر نوع ستم.

متن مختصر صحبت های آقای "ا."

آموزش داده شود، منش و رفتار تبعیض آمیز آموزش داده می شود. البته بدون دلیل و منطق.

به فرموده سایر دوستان باورهای خرافی بی پایه یکی از عواملی است که زنان را چنین به زنجیر بسته و تلقین نموده است که باید به این مهملات بدون قید و شرط عمل کنند و گردن بگذارند و به هرخواست مردان بی مهابا تن در دهند و تسلیم شوند.

یک عامل مهم بدبختی جامعه ما این است که خرافات و مهملات ارتجاعی جای علم و اندیشه های انقلابی را گرفته است. آنقدر به گوش زنان آوای بردگی خوانده میشود که خود بردگی شان را قبول کنند. قبول کنند که ذاتا برده هستند.

امیدوارم روزی بتوانیم بر تمام این مهملات خط بطلان بکشیم و زن و مرد بتوانند دوشادوش هم مبارزه کنند تا جامعه دموکراتیک نوین ساخته شود.

زننده باد دسته هشت مارچ زنان افغانستان

تشکر

درد بر همه دوستان گرامی که در این محفل یا گرد همایی بخاطر تجلیل از روز جهانی زن شرکت کرده اند. دوستان هرکدام به نوبه خود در بزرگداشت از روز جهانی زن سخنان شان را ارائه کردند. من هم به نوبه خود چند حرفی که دارم برای شما ارائه می نمایم و حوصله مندی شنیدن آن را از طرف شما انتظار دارم.

من خرسندم که با وجود مشکلات توانستیم ۸ مارچ را تجلیل نمایم. من به نوبه خود روز جهانی زن را برای تمام زنان جهان و مخصوصا زنان رنج کشیده و ستم دیده افغانستان از صمیم قلب تبریک و تهنیت عرض میدارم. امیدوارم روزی برسد که تمام زنان دوشادوش مردان انقلابی ایستاده شوند و دشمنان افغانستان و مردمان افغانستان را از خاک افغانستان بیرون نمایند و سرنگون سازند تا کشور به استقلال برسد و مردمان آن به آزادی ملی و زنان خودشان حق شان را به دست بیاورند. حق خواستنی نیست بلکه گرفتنی است.

طوری که شما شاهد هستید در طول یک و نیم دهه رژیم دست نشانده از دوران کرسی تا اشرف غنی تمامی نوکران اشغالگران امپریالیست در رسانه ها زیاد گلو پاره می کنند و داد از حق و حقوق زنان می زنند و در پست های بلند دولتی برای شان وظیفه می دهند. اما این فریبی بیش نیست زیرا خانم هایی

مکتب جایی است که باید انسانها در آن ساخته شود، مکتب جای انسان سازی است، جایی است که باید در آن انسانها به دانشمندان تبدیل شوند. مکتب باید محیطی باشد که در آن رفتار اجتماعی متمدنانه به انسانها آموزش داده شود و خوب زیستن به انسان ها آموختننده شود.

اما مکاتب فعلی به جاها و محل هایی تبدیل گردیده که در آن مرتجعین و خرافه پرستان علیه زنان یاوه سرایی می کنند و اغراض زن ستیزانه شان را جامعه عمل می پوشانند. در نتیجه مکاتب به محیطی تبدیل گردیده که در آن به جای آزادی و انسانیت، بردگی و خرافه ترویج می گردد تا غل و زنجیر بسته شده به پاها و دست های زنان محکم تر گردد. به همین خاطر است که در مکاتب روشنفکران تربیه نمی شوند بلکه مرتجعین تکثیر می شوند. جای خجالت است که در مکاتب زن ها را به مثابه پست ترین موجودات نام گذاری می کنند و جنس درجه دوم و حتی پست تر قلمداد می نمایند. به دختران قبولانده می شود که به مثابه موجودات پست خود را تمام عیار برای خدمتگذاری به مردها آماده نمایند. به عبارت دیگر در محیطی که باید روحیه برابری طلبی

به مناسبت ۸ مارچ روز جهانی زن

"ا. آ."

چون امروز ۸ مارچ، روز جهانی زن است می‌خواهم روی منشأ ستم بر زنان صحبت نمایم:

هم‌زمان با پیدایش انسان و تحول آن از حالت حیوانی به حالت انسانی جامعه انسانی نیز به وجود می‌آید. در جامعه انسانی اولیه انسان‌ها در حالت ابتدایی زندگی خود را سپری می‌کردند و جامعه به دلیل عدم رشد نیروهای تولیدی و ابتدایی بودن روابط تولیدی در حالت بدوی خود قرار داشت. این دوره در تاریخ به نام کمون اولیه مسما است. این جامعه برای هزاران سال همین‌گونه ابتدایی باقی ماند زیرا سیر حرکت آن بنا بر کند بودن حرکت زیربنای اقتصادی بطی به پیش می‌رفت. تقسیم اجتماعی کار بنا بر ابتدایی بودن نیروهای مؤلده و قلت محصول به وجود نیامده بود و طبقات شکل نگرفته بود. تنها یک نوع تقسیم کار طبیعی رعایت می‌شد که مردان جوان به شکار می‌پرداختند، پیرترها ابزارهای تولیدی می‌ساختند، زنان به جمع‌آوری محصول و کشت و زراعت ابتدایی می‌پرداختند و کودکان در کارها به زنان یاری می‌رساندند. انسان‌ها دسته جمعی کار و فعالیت می‌کردند و مایحتاج زندگی خود را به‌طور جمعی مرفوع می‌ساختند.

انسان‌ها ابزارهای ابتدایی چوبی و سنگی از قبیل چماق و چاقو و تیر و کمان را اختراع کردند. برای دفاع و حفظ بقای خود و نیز از تصادم سنگ‌ها باهم آتش را کشف کردند و عملاً بین انسان و حیوانات جدایی افتاد. کشف آتش به‌طور خاص نقش بزرگی در انفکاک انسان از حیوانات بازی کرد.

سیستم زیستی که انسان‌ها بر طبق آن زندگی می‌کردند سیستم کالونی بود که بر محوریت روابط خونی قبیله‌ای شکل می‌گرفت و افراد کمون با توجه به ظرفیت و توانایی خود در تولید و مصرف جمعی سهم می‌گرفتند و تنها از این طریق بود که می‌توانستند دوام زندگی خود را تضمین کنند. هنوز بنا بر ابتدایی بودن ابزارهای تولیدی محصول مازاد بر مصرف نمی‌توانست تولید شود. بنابراین مالکیت خصوصی به وجود نیامده بود و نمی‌توانست به وجود بیاید.

در نتیجه انسان‌های کمون اولیه و افراد کالونی در تشریک مساعی و صلح و صفا زندگی می‌کردند و ظلم و ستم طبقاتی و قشری و جنسیتی وجود نداشت.

جامعه اولیه از دو مرحله عبور کرد. مرحله اول نظام مادر سالاری بود. در این مرحله بنا بر اهمیت کشت و زراعت و کم اهمیت بودن شکار و گله‌داری زن در کانون جامعه قرار

امروز برای تجلیل از ۸ مارچ این جا گرد هم آمده‌ایم.

شایسته است که نخست از همه ۸ مارچ، روز جهانی زن، را به تمام شما حاضرین گرامی در جلسه و نیز به تمام زنان جهان و خاصاً زنان تحت ستم کشور تبریک عرض کنم.

ما با تأسف فراوان این روز را در حالی تجلیل می‌کنیم که کشور ما هنوز در تحت اشغال امپریالیست‌های آمریکایی و متحدین شان قرار دارد و زیر چکمه‌های ستمگر این خون‌آشامان جهانی هر روز بیشتر لگدمال می‌شود. تحت چنین شرایطی ستم بر زنان نه تنها هر روز در سرزمین ما، بلکه در سطح جهانی نیز دامنه گسترده‌تری به خود می‌گیرد. به‌جا خواهد بود اگر بگوییم به‌هر اندازه‌ای که قدرت جهانی امپریالیزم لجام گسیخته گسترش می‌یابد و بی‌حد و حصرتر می‌گردد به‌همان اندازه استثمار طبقات محروم و بی‌چیز و ستم بر زنان، به‌مثابه یک قشر تحت ستم تاریخی - جهانی، شدیدتر و بی‌دامنه‌تر می‌شود.

این موارد نیازمند تذکار شواهد نیست که خود اوضاع جهانی تبیین‌کننده اصالت و درستی مسأله است. جنگ و وخامت اوضاع در کشورهای آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا بحران‌های انسانی و نابسامانی‌های اجتماعی گسترده‌ای را به وجود آورده است. اگر به چند نمونه از این نوع کشورهای فرو رفته در بحران اشاره کنیم کافی است به سوریه، عراق، پاکستان و افغانستان و اکثریت کشورهای مغروق در قحطی و خشک‌سالی قاره آفریقا اشاره کنیم که کودکان شان اغلب از فرط کم‌بود مواد غذایی و آب آشامیدنی صحتی دچار سوء تغذی و عدم تن‌درستی می‌باشند. یکی از پی‌آمدهای چنین وضعیتی این است که میلیون‌ها زن به‌مثابه اموال در بازار جهانی به‌حراج گذاشته می‌شوند، قاجاق می‌شوند و مثابه برده جنسی در خدمت رشد و گسترش منافع چندین میلیاردی تجارت جهانی سکس قرار می‌گیرند. بسیاری از این زنان تحت فشار فقر اقتصادی تن به سکس اجباری می‌دهند و خود را به‌روسی خانه‌های به‌اصطلاح جهان متمدن عرضه می‌کنند.

مشخصاً در کشورهای در حال جنگ و تحت اشغال امپریالیست‌ها از هیچ نوع ظلم و ستم بر علیه زنان از تجاوز گروهی جنسی نیروهای اشغال‌گر بر زنان و دختران گرفته تا سنگ‌سار و شلاق‌زدن و گوش و بینی شان را بریدن و آنان را به آتش انداختن توسط نیروهای ارتجاعی داخلی دریغ نمی‌شود. در این مورد کشور تحت اشغال و نیمه فیودالی ما یک نمونه بسیار برجسته است.

جمعی به ملکیت خصوصی و تراکم ثروت در دست عده اندکی از افراد را تسریع کرد. در این شکل از جامعه، برده داران وسایل تولید و برده‌ها را در تصاحب خود داشتند و بردگان ملکیت مطلق برده داران بودند.

به این ترتیب، تولد مالکیت خصوصی سرآغازی شد برای تشکل بناهای استثماری، استبدادی و ستمگرانه طبقاتی و قشری.

همین‌طور بر اساس رشد نیروهای تولیدی و تکامل روز افزون روابط تولیدی، جامعه برده‌داری به جامعه فیودالی و جامعه فیودالی به جامعه سرمایه‌داری تبدیل شد.

این‌چنین است که می‌بینیم ریشه اصلی و اساسی ستم بر زنان در کجا است و چه‌گونه به‌وجود آمد است. جامعه انسانی وقتی از حالت بی‌طبقه به حالت طبقاتی تبدیل شد و مالکیت خصوصی به‌وجود آمد ستم بر زنان نیز شکل گرفت. چون زنان زمانی که نقش تولیدی قدرتمندانه خود را در جامعه از دست دادند مجبور شدند از مردان به‌خاطر امرار معیشت و وابستگی اقتصادی تابعیت کنند و آهسته آهسته زنان نیز در رده ملکیت خصوصی مردان قرار گرفتند که باید برای هر کاری از مردان مجوز می‌گرفتند. مردان هم به‌خاطری که این نقش مالکانه خودشان را از دست ندهند و اختیارات مرد سالارانه شان سلب نشود اجازه کار و فعالیت‌هایی که زنان را به سمت استقلال رهنمون می‌شد را ندادند، آنان را صرف برای کارهای بی‌مزد داخل خانه نگاه داشتند و دست و پای شان را از کار و فعالیت خارج از محیط و چهار دیواری خانه کوتاه ساختند. این‌طور زنان به‌موجودات وابسته که صرف کار شان پخت‌وپز و خدمت رایگان به مردان، پیشکش سکس و تولید مثل و فرزندداری تبدیل شدند و در عوض مردان تأمین معیشت آنان را به عهده گرفتند.

بنابراین نباید پنداشت که ستم بر زنان به‌شکل مجرد و بی‌ارتباط با استثمار طبقاتی به‌وجود آمده است. ستم جنسیتی زمانی شکل گرفت که ستم طبقاتی به‌وجود آمد. یعنی تولد مالکیت خصوصی اسباب به‌وجود آمدن طبقات می‌شود و در این طبقات مرد و زن هر دو به دارا و نادار و ستم‌گر و ستم‌کش تبدیل می‌شود، با این تفاوت که در نظام‌های طبقاتی برده‌داری، فیوالی و سرمایه‌داری نقش ستم‌کشی زنان دوگانه می‌شود که زنان نه تنها باید ستم طبقاتی را متحمل شوند بلکه باید ستم جنسیتی را حتی در نزد اعضای طبقات محروم جامعه نیز متحمل شوند.

پیچیدگی ستم بر زن باعث می‌گردد که به‌خصوص در جامعه سرمایه‌داری اندیشه‌های فمینیستی شکل بگیرد. فمینیسم قادر به درک تداخل ستم جنسیتی و طبقاتی در هم‌دیگر نیست و ستم بر زنان را تنها در شکل مجرد آن برای خود

داشت و مرکز ثقل جامعه محسوب می‌شد. به‌مرور زمان وقتی که نیروهای تولیدی بیشتر تکامل کرد و زراعت حالت بدوی خود را با توجه به‌متکامل‌تر شدن ابزارهای تولیدی از دست داد و گله‌داری و شکار اهمیت بیش‌تری یافت نقش زنان کم‌رنگ‌تر شد و مردان نقش اقتصادی بیش‌تری را در دست گرفتند. آهسته آهسته زنان خود را در تابعیت و پیروی از مردان یافتند و مرحله دوم که همان نظام مرد سالاری است پدیدار گشت.

این‌گونه است که وقتی می‌بینیم نیروهای تولیدی رشد می‌کند، اولین تقسیم اجتماعی کار به‌وجود می‌آید و بعضی از کالون‌ها به‌گله‌داری و بعضی دیگر به‌کشاورزی می‌پردازند و بعدها در اواخر دوره کمون اولیه صنایع دستی نیز از کشاورزی جدا می‌گردد. بدین صورت دومین تقسیم اجتماعی کار شکل می‌گیرد. جامعه کالونی اولیه شروع می‌کند به مضمحل شدن و زن نیز تحت ستم قرار می‌گیرد و ناگزیر از مرد تابعیت می‌کند. در نتیجه ازدواج جمعی زنان نیز به ازدواج فردی تبدیل می‌گردد.

اختراع وسایل فلزی نمادی بود از تحول جامعه اولیه به مرحله تکاملی بالاتر و عالی‌تر. به‌ویژه تولید آهن و ابزار آهنی بر تولید افزود و باعث گسترش منابع تولیدی شد. در نتیجه محصولات مازاد بر مصروف به‌وجود آمد و نظام اقتصادی مبادله‌یی به‌صورت اولیه شکل گرفت. به‌این صورت برای عده‌ای از افراد امکان تصاحب تولید مازاد به‌وجود آمد.

پس ازین بود که سومین تقسیم اجتماعی کار به‌وجود آمد و بازرگانی از زراعت، گله‌داری و صنایع دستی تفکیک شد. اقتصاد کالونی به‌اقتصاد خانواده‌ها استحاله شد و مالکیت خصوصی شکل گرفت. این منجر به‌عدم تساوی دارایی خانواده‌ها شد و نابرابری اقتصادی در جامعه متظاهر گشت و طبقات به‌وجود آمد.

نابرابری در ملکیت خصوصی خانواده‌ها منجر به رقابت و تصاحب هرچه بیشتر ملکیت جمعی از جمله زمین شد که توسط رئیس‌ان قبیله و کلون‌ها اعمال می‌شد. تا آن زمان در جنگ میان قبایل، افراد قبایل مغلوب کلاً نابود می‌شدند زیرا زنده نگه داشتن آنان نفعی نداشت. اما پس از آن مثل حیوانات شکار شده، زنده نگه داشته می‌شدند و از آن‌ها کار کشیده می‌شد. به این ترتیب برده‌داری در شکل اولیه به‌وجود آمد. با افزایش ثروت و قدرت رؤسای قبایل، آنان افراد ضعیف قبیله را نیز تابع خود ساختند، ملکیت و دارایی آنان را تصاحب کردند و از آنان به‌عنوان برده کار کشیدند.

این‌طور جامعه برده‌داری شکل گرفت. در جامعه برده‌داری پول به‌وجود آمد. به‌وجود آمدن پول روند استحاله ملکیت

است که به خاطر نائل شدن به آن از هیچ وسیله ای دریغ نه کرده است و نه خواهد کرد.

در شرایطی که کشور تحت اشغال امپریالیست‌ها و تحت حاکمیت پوشالی یک رژیم دست‌نشانده قرار دارد، یک نوع به اصطلاح فمینیسم ریفورمیستی تسلیم طلبانه با خواست‌های صرف زنانه به وجود آمده است که در بدل دستیابی به "امتيازات" خیلی اندک و حقیرانه، سعی می‌کند زنان کشور را از طرح خواست‌های بزرگ استقلال طلبانه و ملی ضد اشغال‌گری امپریالیستی و ضد طبقات استثمارگر در کشور (فیودال‌ها و بورژواهای دلال)، مبارزه در راه آن و دستیابی به آن خواست‌ها بازدارد و روحیه تسلیم طلبی ملی و طبقاتی را در وجود آن‌ها پرورش دهد. مبارزه و مقاومت علیه این تسلیم طلبی ملی و طبقاتی بخش جدایی ناپذیری از مبارزه و مقاومت علیه اشغال‌گران امپریالیست و رژیم دست‌نشانده است.

زنده باد دسته هشت مارچ زنان افغانستان!

زنده و پیروز باد مقاومت ملی، مردمی و انقلابی در کشور!

مرگ بر اشغال‌گران و رژیم دست‌نشانده!

قابل تفهیم ساخته است. این گرایش که به مبارزه صرف و مطلق زنان علیه مردان در خارج از محدوده مبارزه طبقاتی و بی ارتباط با آن می‌انجامد، نه تنها یک مبارزه نادرست است بلکه فریب‌کارانه نیز هست و فقط می‌تواند به تمدید ستم بر زنان بیانجامد نه به رهایی زنان.

ستم جنسیتی بر زنان و هر نوع ستم دیگر که زائیده تقسیمات طبقاتی جامعه انسانی باشد و در پیوند با آن به وجود آمده باشد، تنها در پیوند با آن و با از بین رفتن طبقات و نظام‌های طبقاتی از بین خواهد رفت و زنان را رهایی خواهد بخشید. رهایی زنان از ستم جنسیتی بدون رهایی تمامی ستم‌کشان از ستم طبقاتی غیر ممکن است. هر نوع مبارزه زنانه خارج از مبارزه طبقاتی و بدون پیوند با آن، صرف می‌تواند ستم جنسیتی را تمدید کند و لاغیر.

در آخرین تحلیل تنها کاری که از مبارزه فمینیستی بورژوازی و خرده بورژوازی می‌تواند ساخته باشد این خواهد بود که وحدت مبارزه طبقاتی طبقات محروم و تحت ستم را از بین ببرد، زنان و مردان ستم‌کش را به‌جان‌هم بیندازد، متفرق بسازد و مانع مبارزه طبقاتی شود. پراکندگی صفوف مبارزاتی علیه استثمار طبقاتی از خواست‌های دوام‌دار نظام‌های استثمارگرانه سرمایه‌داری و ماقبل سرمایه‌داری

راه حل اشرف غنی برای محو خشونت علیه زنان

«یگانه راه حل محو خشونت و تبعیض علیه زنان اینست که تمام زنان باید تذکره الکترونیکی اخذ نمایند و در انتخابات آینده به شکل وسیع پای صندوق‌های رای حاضر شوند.»

صرف نظر از اینکه در موجودیت نیروهای اشغالگر به سرکردگی امپریالیسم امریکا و موجودیت رژیم دست‌نشانده، استقلال مردمان کشور اعم از زن و مرد سلب گردیده، حتی سربانند رژیم مزدور خود اعتراف مینماید که کار کرد دار و دسته‌های تشکیل دهنده رژیم پوشالی در رابطه با محو خشونت و تبعیض علیه زنان حتی مطابق به اهداف تعیین شده خودشان پیش نرفته و ناکام است. اما "راه حلی" را که پیشنهاد می‌نماید این است که زنان باید تذکره الکترونیکی بگیرند و پای صندوق‌های رای دهی حاضر شوند و به یکی از این دار و دسته‌های ناکام رأی بدهند تا باز هم هیچ کاری در رابطه با محو خشونت و تبعیض علیه زنان صورت نگیرد.

"ش"

اشرف غنی سر باند رژیم دست‌نشانده در تجلیل از روز جهانی زن در ارگ ریاست جمهوری در رابطه با مسایل زنان و کار کرد رژیم دست‌نشانده سخنرانی نموده بود که در رادیوها و تلویزیون‌ها چند جمله کوتاه آنرا به نشر رساندند. در این سخنرانی او چنین می‌گوید:

«کار کرد حکومت در ارتباط با محو خشونت و تبعیض علیه زنان به هیچوجه مطابق اهداف تعیین شده نبوده و ناکام میباشد. زنانی که در بیرون از خانه کار مینمایند، اکثریت به آنها به دیده مال غنیمت مینگرند. هیچ گونه خشونت و تبعیض علیه زنان برای حکومت وحدت ملی قابل قبول نمی‌باشد.»

اشرف غنی برای محو خشونت و محو تبعیض علیه زنان راه حل جالب و خنده داری ارائه مینماید:

آنها هیچ کاری انجام داده نمی‌توانند و هیچ کاری انجام نمی‌دهند و وضع زنان از بد بدتر خواهد شد.

دارو دسته‌های تشکیل دهنده رژیم از اساس به تساوی حقوق میان زنان و مردان و محو خشونت علیه زنان باور ندارند و اشغالگران هم شعار محو خشونت علیه زنان و آزادی زنان را صرفاً به خاطر بر آورده شدن اهداف شوم شان سر می‌دهند. اشغالگران کنونی و کشورهای ارتجاعی منطقه در جریان جنگ مقاومت علیه سوسیال امپریالیست‌های شوروی به ارتجاعی‌ترین گروه‌های زن ستیز که فعلاً تشکیل دهنده رژیم دست‌نشانده میباشد کمک‌های تسلیحاتی، مالی و سیاسی فراوانی رساندند و آنها توانستند در نبود نیروهای انقلابی نیرومندی خود را بالای جنبش‌های خود بخودی مردم تحمیل نموده و نیروهای ملی - دموکراتیک را سرکوب کردند و توانستند رهبری مقاومت را غصب نمایند. کشورهای امپریالیستی نیروهای چون حزب اسلامی، جمعیت اسلامی و سایر گروپهای ارتجاعی را که زمانی در پوهنتون‌ها و شهرها بالای زنان تیزاب پاشی میکردند مورد حمایت قرار دادند. در مناطقی که این گروپها تسلط داشتند بدترین خشونت‌ها را علیه زنان انجام دادند. آنها در اکثر نقاط کشور حتی مکاتب پسرانه را سوختاندند.

بعد از فروپاشی رژیم مزدور نجیب و به قدرت رسیدن گروپهای ارتجاعی تحت نام "دولت اسلامی" آن "دولت" هیچگونه حق و آزادی برای زنان قایل نبود. شورای علمای دولت اسلامی فتوا داده بود که باید زنان از رادیو و تلویزیون و ادارات دولتی اخراج گردند. "سیاف" گفته بوده که زنان میتوانند اخبار را گویندگی کنند به شرط اینکه پشت شان به طرف صفحه تلویزیون باشد.

با به قدرت رسیدن طالبان به حمایت آمریکا هر گونه حق از زنان سلب گردید. مکاتب دخترانه در سراسر کشور مسدود گردید و زنان حق نداشتند بدون محرم از خانه بیرون شوند. زنان بر ملا عام مورد لطمه و کوب و شلاق زنی قرار میگرفتند. غازی استادیوم در شهر کابل که قبلاً محلی بود برای دایر نمودن مسابقات ورزشی، به محل تطبیق مجازات طالبانی از قبیل سنگسار، شلاق زنی و دست بردن تبدیل شده بود.

بعد از تجاوز امپریالیست‌ها به سرکردگی امپریالیزم امریکا و به وجود آمدن رژیم دست‌نشانده موجوده ظاهراً در رسانه‌ها برای آزادی و حقوق زنان حرافی میگردد. ولی در عمل حتی سر باند وطن‌فروشان (اشرف غنی) اعتراف مینماید که در محو خشونت و تبعیض علیه زنان ناکام بوده‌اند. دلیل آن اینست که تمامی بخشهای تشکیل دهنده شرکت سهامی به نام "حکومت وحدت ملی" زن ستیزانی هستند که به آزادی زنان و محو خشونت و تبعیض علیه زنان اساساً باور ندارند و حال با یکجا شدن حزب اسلامی به سرکردگی گلبدین وضع زنان از این هم بدتر خواهد شد. دار و دسته گلبدین متشکل از کسانی بود که بالای روی زنان روی لُج تیزاب پاشی میکردند. ماهیت این دارو دسته حالا هم همان است که قبلاً بود.

از جانب دیگر در مناطق تحت کنترل طالبان و داعشیان وضع از این هم بدتر است. مکاتب دخترانه جبرا مسدود گردیده و زنان از حق تعلیم و کار محروم هستند و در محاکم صحرائی سنگسار و تیرباران میشوند.

آیا امپریالیستها به آزادی زنان باور دارند؟ تا جائی که برای بر آورده شدن منافع آزمندانه شان بتوانند از آنها به شکل ابزاری استفاده کنند بلی! ولی در اساس نه. امپریالیستها حتی به انسانیت باور ندارند. تمامی باندهای زن ستیز در مقاطع معینی که به درد امپریالیستها میخورد و منافع‌شان ایجاب میکند مورد حمایت امپریالیستها بوده و فعلاً هم زن ستیزترین باندها را به نام حکومت وحدت ملی دور هم جمع نموده و جنایت می‌نمایند.

بنائاً یگانه راه محو خشونت و تبعیض علیه زنان و به دست آوردن آزادی کامل زنان تعمیق و گسترش مقاومت ملی مردمی و انقلابی و همه جانبه ساختن آن برای اخراج قوای اشغالگر، سرنگونی رژیم دست‌نشانده و ایجاد یک حکومت ملی - مردمی و دموکراتیک طراز نوین است و بس.

به پیش در راه برپائی مقاومت ملی مردمی و انقلابی!

قطعنامهٔ محفل تجلیلیهٔ روز جهانی زن

"دستهٔ هشت مارچ زنان افغانستان" روز هشتم مارچ را در حالی برگزار می‌نماید که زنان ستم‌دیدهٔ افغانستان مورد ستم مضاعف قرار دارند و با انواع شکنجه‌های روحی و جسمی روبرو اند.

"دستهٔ هشت مارچ زنان افغانستان" این روز را در حالی برگزار می‌کند که حزب اسلامی و امیر مفلوکش با امضاء توافقنامهٔ به اصطلاح صلح به رژیم دست‌نشانده پیوسته است.

با تسلیم شدن گلبدین به رژیم دست‌نشاندهٔ اشغال‌گران، پروسهٔ تسلیمی احزاب جهادی به اشغال‌گران و رژیم دست‌نشانده تکمیل گردید.

تسلیمی حزب اسلامی به رژیم دست‌نشانده بیان‌گر آن است که شوونیزم جنسیتی رژیم پوشالی غلیظ تر از قبل خواهد گردید. پشت سر این شوونیزم غلیظ جنسیتی، امپریالیست‌های اشغال‌گر ایستاده اند. ستم جنسیتی همان‌طوری که از ستم طبقاتی ناشی می‌شود، با ستم امپریالیستی نیز در پیوند تنگاتنگ قرار دارد. امپریالیزم اشغال‌گر امریکا، همان‌طوری که در زمان امارت اسلامی طالبان با سکوت مهر تأیید بر شوونیزم غلیظ جنسیتی امارت اسلامی طالبان زد، حالا با کمک‌های مالی به حزب اسلامی و کشاندن آن در کنار رژیم دست‌نشانده این شوونیزم را حمایت می‌نماید.

تسلیمی حکمت‌یار پیام آور صلح در افغانستان نمی‌باشد، بلکه زمینه ساز هر چه بیشتر تفرقه و دامن زدن به اختلافات قومی، لسانی، ملیتی و مذهبی در کشور است.

زن ستیزی رژیم دست‌نشانده در واقع با توافق و هم‌نوایی اشغال‌گران امپریالیست صورت می‌گیرد. این ادعا که زنان افغانستان بعد از سرنگونی رژیم طالبان توسط اشغال‌گران و شکل‌دهی یک رژیم دست‌نشانده به آزادی رسیده اند، یک ادعای دروغ و میان‌تهی است. محرومیت عمیق و وسیع زنان، یکی از نتایج اجتناب‌ناپذیر این وضعیت است.

یکی دیگر از اشکال ستم امپریالیستی در افغانستان ایجاد انجوها و انجوه-ایزه نمودن مبارزات زنان است. انجوایزه شدن مبارزات زنان و اتخاذ سیاست ایجاد و تقویت به اصطلاح نهادهای جامعهٔ مدنی، اتحادهای سیاسی مبنای منافع اشغال‌گران را به دنبال داشته و به شدت به جنبش زنان ضربه زده است. اکثریت زنانی که در این نهادها گرد آمده اند و نیز زنانی که به چوکی‌های بلند دولتی رسیده اند به زنان مسالمت‌جو، اصلاح‌طلب، تسلیم‌طلب و مبلغ و مروج به اصطلاح دموکراسی امریکایی تبدیل گردیده اند.

اشغال‌گران امپریالیست و رژیم دست‌نشانده، هدف‌مندانه فعالیت‌های زنان کشور را به سمت دل‌خواه سیاست‌های امپریالیستی خویش سوق می‌دهند، آنها بخوبی درک نموده اند که از این طریق بهتر می‌توانند روحیهٔ میهن‌پرستانهٔ زنان را از بین ببرند و آن‌ها را به سمت تسلیم‌طلبی سوق دهند.

رژیم پوشالی نه تنها بصورت جدی برای رهایی زنان از ستم جنسیتی تلاش نمی‌نماید، بلکه حسب منافع بادارانش و کل نظام فرتوت مستعمراتی - نیمه فیودالی، تلاش می‌نماید تا طالبان را به پروسهٔ صلح بکشاند و آن‌ها را در دستگاه رژیم دست‌نشانده شریک سازد و همه با هم دیدگاه‌های شوونیزمی زن ستیزانهٔ شان را پیش ببرند. ما اعلام می‌کنیم که: اگر طالبان با پذیرش قرارداد امنیتی رژیم پوشالی با اشغال‌گران به بخشی از این رژیم تبدیل گردند و رژیم بخواهد یک‌بار دیگر دسته‌های قرون وسطایی سرکوبگر زنان را فعال سازد، باید لشکری از ملالی‌ها و ناهیدها را در مقابل خود ببیند.

هر گاه جنبش زنان نتواند در مقابل این صف‌بندی‌ها و پیچیدگی‌ها به مقابله برخیزد و مبارزات جدی خویش را پیش ببرد، همان‌طوری که گرایش‌های ناسالم تسلیم‌طلبانه در قبال امپریالیزم و مرتجعین در درون جنبش زنان بروز نموده و به پیش می‌رود، جنبش زنان با آسیب‌های جدی روبرو خواهد شد.

زنان مبارز و انقلابی باید هر لحظه و در هر زمان و مکان ترفندهای امپریالیست‌های اشغال‌گر و دست‌نشانده‌گان شان را فاش نموده و بدون کوچک‌ترین تزلزل و ناپایداری مبارزات خویش را پیش ببرند.

زنان انقلابی کشور باید به شدت تلاش نمایند که بین زنان غیر متشکل کار سیاسی را گسترش داده و حرکات خودبخودی‌ای را که به وجود می‌آید به حرکات سازمان یافته و آگاهانه بدل نمایند و مهر خود را بر تحولات آتی جامعه بزنند.

محو ستم بر زنان فقط با محو طبقات و محو امپریالیزم امکان پذیر است. دامن زدن به جنبش زنان و تلاش برای رهایی زنان در افغانستان، می تواند بسیاری از سنن و عنعنات ارتجاعی فیودالی را ضربت زده و رژیم پوشالی را وادار به عقب نشینی نماید. به عبارت دیگر هر قدر جنبش زنان در افغانستان رشد نماید و در جهت رهایی زنان جدی تر عمل نماید به همان اندازه می تواند پیروزی های بیشتری به دست آورد و مقدار زیادی بار ستم را کاهش دهد و خط و مرز دقیق میان جنبش رهایی بخش زنان و جنبش های ریفورمیستی که توسط آن جی اوها و زنان تسلیم شده به اشغال گران و رژیم دامن زده می شود، بکشد.

"دسته هشت مارچ زنان افغانستان" معتقد است که مبارزه علیه ستم جنسیتی بخشی از مبارزه علیه کل نظام مستعمراتی - نیمه فیودالی حاکم بر جامعه است و باید مبارزه علیه ستم جنسیتی در راستای کلیت مبارزه علیه اشغال گران و رژیم پوشالی به پیش برده شود.

ما اعلام می داریم که:

۱. ما تلاش اشغالگران امریکایی و متحدین شان را بخاطر تداوم اشغال افغانستان و افزایش نیروهای اشغالگر شان در کشور محکوم می کنیم.
۲. ما خواهان خروج بی قید و شرط اشغال گران از افغانستان هستیم.
۳. ما خواهان آزادی بیان و عقیده می باشیم.
۴. ما خواهان سرنگونی شوونیسم جنسیتی مردسالار فیودالی بوده و خواهان تساوی حقوق اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی میان زنان و مردان می باشیم.
۵. ما تا زمانیکه عدالت اجتماعی در مورد حقوق زنان تأمین نگردد به مبارزه خویش ادامه می دهیم.
۶. ما از حقوق حقه کارگران دفاع می نماییم و خواهان ایجاد زمینه های مناسب اشتغال برای آن ها می باشیم.
۷. ما خواهان اشد مجازات به عاملین تجاوزات جنسی هستیم.
۸. ما برخلاف آنانی که آزادی زنان را در بی بندوباری وارداتی توسط اشغال گران امپریالیست می بینند، خواهان آزادی راستین زنان از قید اسارت می باشیم.
۹. ما بالا کشیدن زنان میهن فروش را به چوکی های بلند دولتی و انجوها یا بنام آزادی و رسیدن به حقوق زنان به رسمیت نمی شناسیم و محکوم می کنیم.
۱۰. ما خواهان تساوی حقوق میان ملیت های مختلف افغانستان و لغو هر گونه امتیاز طلبی ملیتی می باشیم.
۱۱. ما رشد افکار بنیادگرایانه و زن ستیزانه توسط اشغال گران و رژیم دست نشانده را عاملی در تشدید ستم علیه زنان می دانیم و خواهان مبارزه جدی علیه آن می باشیم.
۱۲. ما خواهان تحریم قاطعانه انتخابات نمایشی پارلمانی و شوراهای ولایتی رژیم در سال آینده هستیم.

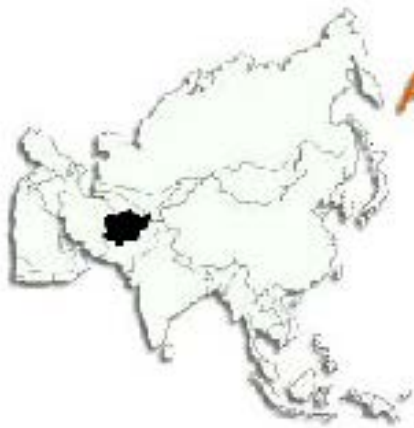
خشم زنان را به مثابه نیروی قدرتمندی در امر انقلاب رها سازیم!

زنده باد هشت مارچ روز جهان زن!

به پیش به سوی تحریم انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی رژیم دست نشانده!

"دسته هشت مارچ زنان افغانستان"

۸ مارچ ۲۰۱۷ (۱۸ حوت ۱۳۹۵)



AFGHANISTAN



برای تماس با نشریه:

Email: nabardezan@gmail.com

آدرس وبلاگ:

www.dastazanaan.blogspot.ca

نشریه نبرد زن از شماست، امید در جهت پربار نمودن هرچه بیشتر نشریه با ما مکاتبه نمایید. نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را به ایمل آدرس مکاتباتی فوق ارسال نمایید.

صفحه

مقالات مندرج این شماره شامل سه محفل است:

محفل دوم:

افتتاحیه

۳۳

ستم بر زن در افغانستان با ستم امپریالیستی گره خورده است

۳۴

خیزید تا که محشر سرخی پیا کنیم (دکلمه)

۳۶

دو موجود زهستی گرامی تر است (پارچه آهنگ اول)

۳۷

میهن (پارچه آهنگ دوم)

۳۸

حماسه میوند (متن سخنرانی و زمزمه شعر)

۳۹

برخیز! ... (دکلمه)

۴۳

راه اساسی مبارزه علیه ستم بر زنان

۴۵

نار جنگ (پارچه آهنگ سوم)

۴۷

میروم

۴۸

ابعاد مختلف مبارزه علیه ستم بر زن در افغانستان کنونی

۴۹

زنی را میشناسم من (شعری از فریبا شش بلوکی - از کتاب شبانه)

۵۱

قطعنامه

۵۳

محفل سوم:

برای رهایی زنان از قید مناسبات عقب مانده و ارتجاعی به انقلاب نیاز است

۵۴

متن صحبت های آقای طغیان

۵۵

متن مختصر صحبت های آقای "ا"

۵۵

به مناسبت ۸ مارچ روز جهانی زن

۵۶

راه حل اشرف غنی برای محو خشونت علیه زنان

۵۸

قطعنامه

۶۰